بسم الله الرحمن الرحیم

مطالعات اجتماعی

سال اوّل دبیرستان

۱۳۹۱

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : **دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی**

نام کتاب : **مطالعات اجتماعی سال اوّل دبیرستان ـ ۲۰۵/۳**

شورای برنامه‌ریزی : **حسن ملکی، احمد رجب‌زاده، محمدمهدی ناصری، صاحب بدری، غلامرضا صدیق‌اورعی، فریدون ملای‌بحری، علی‌اکبر حسن‌زاده، محمد شریف متولی‌الموتی، خسرو رفیعی و اسدالله فرجی معز**

مؤلفان : **احمد رجب‌زاده، حسن ملکی و محمدمهدی ناصری**

ویراستار : **افسانه حبیب‌زاده‌کلّی، افسانه حجتی‌طباطبایی**

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : **ادارهٔ کلّ چاپ و توزیع کتاب‌های درسی**

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی ـ ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش(شهید موسوی)

تلفن: ۹ـ۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶ ، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹،

وب‌سایت: www.chap.sch.ir

صفحه‌آرا : **خدیجه محمدی**

طراح جلد : **علیرضا رضائی‌کُر**

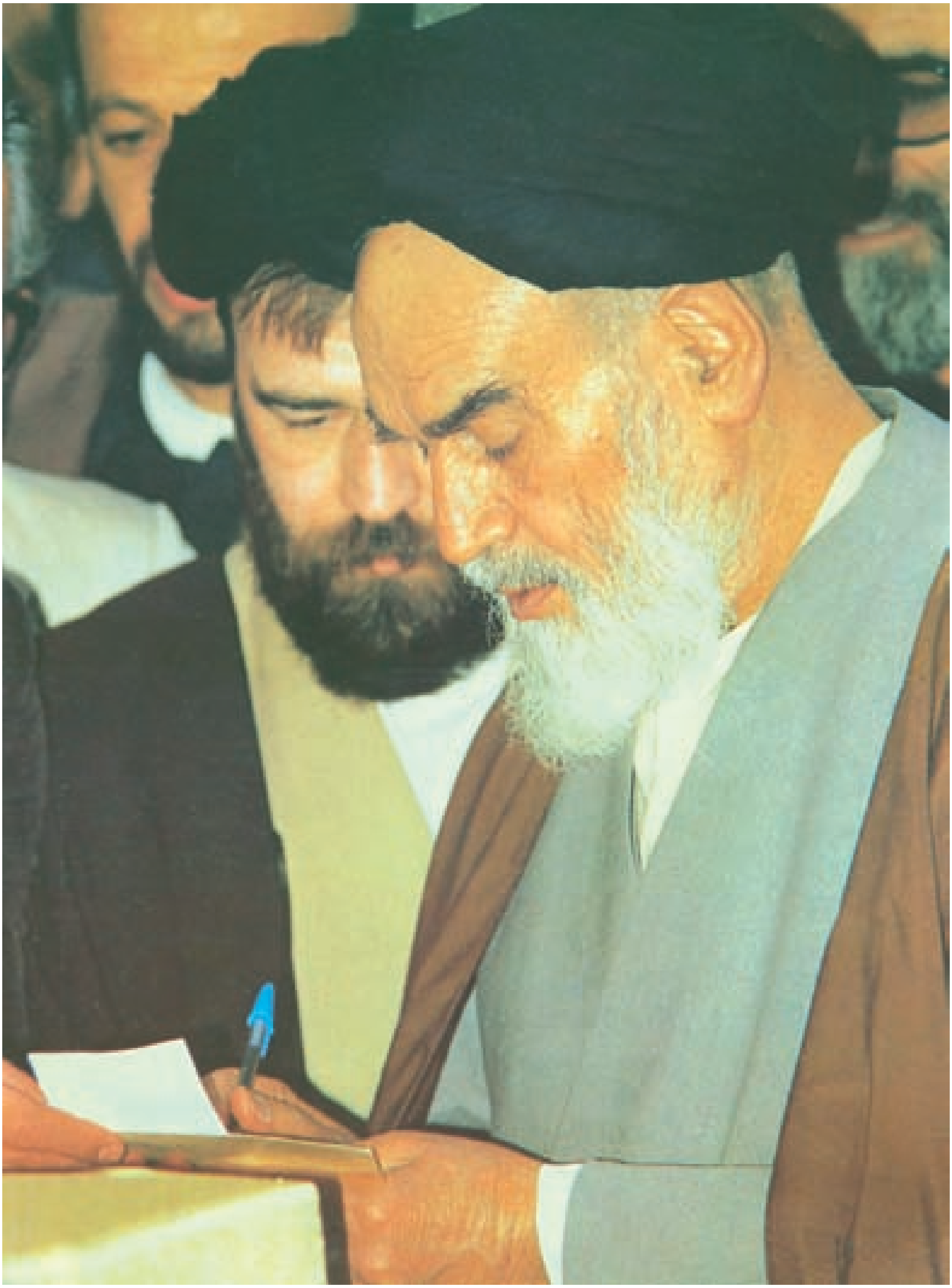
ناشر : **شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران ـ کیلومتر ۱۷ جادّهٔ مخصوص کرج ـ خیابان ۶۱(داروپخش)**

تلفن: ۵ ـ ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹ـ۳۷۵۱۵

چاپخانه : **شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»**

سال انتشار و نوبت چاپ : **چاپ چهاردهم ۱۳۹۱**

ISBN 964-05-0442-4 شابک ۴-۰۴۴۲-۰۵-۹۶۴



تا این روح تعاون و تعهد در جامعه برقرار است، کشور عزیز از آسیب دهرـ إن شاءالله تعالی ـ مصون است.

امام خمینی

نمایه

معلمان محترم، صاحب‌نظران، دانش‌آموزان عزیز و اولیای آنان می‌توانند نظر اصلاحی خود را دربارهٔ مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران ـ صندوق پستی ۳۶۳ ۱۵۸۵۵ ـ گروه درسی مربوط و یا پیام‌نگار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

دانش‌آموز عزیز

مطالعات اجتماعی یکی از دروس عمومی سال اوّل متوسطه است. دروس عمومی دروسی‌اند که آموختن آن‌ها برای ارتقای بینش علمی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر فارغ‌التحصیل دوره‌ی متوسطه ضرورت دارد ؛ بنابراین، محتوای این کتاب طوری تهیه و سازماندهی شده است که **صلاحیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی** شما را تقویت می‌کند.

با توجه به این هدف کلّی، شورای برنامه‌ریزی علوم اجتماعی دوره‌ی متوسطه، اهداف آموزشی و اصول و شیوه‌ی تألیف این کتاب را تدوین کرد و براساس آن، تألیف کتاب انجام گرفت. محورهای اساسی که مبنای تألیف این کتاب قرار گرفته است، عبارت‌اند از :

الف ــ رابطه‌ی فرد با گروه، خانواده، نظام‌های اقتصادی و سیاسی جامعه

ب ــ رابطه‌ی هریک از این نظام‌ها با نظام اجتماعی کل

پ ــ آثار و نتایج هریک از این‌نظام‌ها

ت ــ مسائل و مشکلات هریک از این نظام‌ها.

برای این که بهتر بتوانید به اهداف کتاب دست یابید، به موارد زیر توجه کنید.

* در ابتدای هر فصل، اهداف مورد انتظار بیان شده است. هنگام مطالعه‌ی هریک از فصول کتاب، قبل از هرچیز لازم است به این اهداف توجه کنید ؛ زیرا **آگاهی از اهداف، در شما نسبت به موضوع مورد بحث، انگیزه و علاقه ایجاد می‌کند و به مطالعه‌ی شما جهت می‌دهد.**

* میان فصل‌ها و درس‌های مختلف کتاب ارتباط و انسجام وجود دارد ؛ به عبارت دیگر، مطالب هر فصل یا درس، با تکیه بر فصل‌ها یا درس‌های پیش از آن تهیه شده است. **برای فهم بهتر هر درس، لازم است درس یا درس‌های قبل از آن را به‌خوبی درک کرده باشید.**

* در هر فصل، مجموعه‌ای از مفاهیم اساسی آموزش داده می‌شود. این مفاهیم، نکات اساسی فصل‌اند و بقیه‌ی مطالب و فعالیت‌ها برای یادگیری آن‌ها تنظیم شده‌اند. قسمت «مروری بر فصل» در پایان هریک از فصول دربرگیرنده‌ی این مفاهیم است. پس از مطالعه‌ی هر فصل، تأمل در قسمت «مروری بر فصل» می‌تواند به تعمیق یادگیری

در شما کمک کند. **توجه داشته باشید که مطالب این قسمت، برای حفظ کردن و یادگیری طوطی‌وار نیست.**

* **برنامه‌ریزان و مؤلفان، در تهیه و سازماندهی محتوای این کتاب بر مشارکت شما در یادگیری مفاهیم اساسی و کسب توانایی برای به‌کارگیری آن‌ها بسیار تأکید داشته و آن را به مثابه یک اصل مورد توجه قرار داده‌اند؛** به همین‌منظور، در متن هر درس فعالیت‌های متنوعی در زمینه‌ی مفاهیم اساسی آن درس، طراحی شده است. این فعالیت‌ها نوعی فرصت یادگیری است که توجه لازم به آن‌ها موجب یادگیری عمیق‌تر مفاهیم می‌شود. انجام دادن اغلب این فعالیت‌ها، مشارکت فعّال شما را در جریان بحث‌های کلاسی می‌طلبد. این نوع فعالیت‌ها، باید در کلاس، با مشارکت دانش‌آموزان و نظارت و هدایت دبیر محترم در مسیر نیل به اهداف آموزشی کتاب انجام گیرد.

بخش دیگری از فعالیت‌های پیش‌بینی شده در کتاب، باید در خارج از کلاس به‌صورت فردی یا گروهی انجام پذیرد.

توجه داشته باشید که بخشی از نمره‌ی ارزش‌یابی این درس، به میزان مشارکت شما در بحث‌های گروهی و انجام این فعالیت‌ها اختصاص دارد.

* سازماندهی محتوا به گونه‌ای است که شما را به تفکر درباره‌ی مسائل و پدیده‌های اجتماعی و تحلیل آن‌ها وامی‌دارد. هدف این بوده است که شما بتوانید آموخته‌هایتان را در زندگی فردی و اجتماعی خود به‌کار گیرید. **بدیهی است تکیه‌ی صرف بر محفوظات، شما را به این هدف نمی‌رساند.**

* در پایان هر درس، چند پرسش نمونه مطرح شده است که پاسخ بعضی از آن‌ها عیناً در متن کتاب نیست ؛ زیرا چنان که گفته شد، هدف این نبوده است که شما مطالب را صرفاً حفظ کنید و در برابر پرسش‌ها، پاسخ‌های یکسانی داشته باشید بلکه **منظور این بوده است که با درک مفاهیم اساسی، به تجزیه و تحلیل و ارزش‌یابی مسائل اجتماعی بپردازید.**

«گروه علوم اجتماعی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی»

نشانی سایت گروه علوم اجتماعی
http://Socialsciences-dept.talif.sch.ir

فصل اوّل

شکل‌گیری زندگی اجتماعی

انتظار می‌رود دانش‌آموز در پایان این فصل بتواند :

۱ ــ تأثیر شناخت صحیح مسائل را در تصمیم‌گیری فرد توضیح دهد.

۲ــ شناخت حاصل از تجربیات زندگی را با شناخت علمی مقایسه کند.

۳ــ ویژگی‌های اساسی «گروه» را بیان کند.

۴ــ چگونگی تأثیر جامعه را بر رفتار انسان شرح دهد.

۵ــ نقش هنجار (الگوی عمل) را در تعیین رفتار اجتماعی انسان تجزیه و تحلیل کند.

۶ــ مفهوم «ارزش» را توضیح دهد.

۷ــ چگونگی شکل‌گیری گروه‌های گسترده‌تر را شرح دهد.

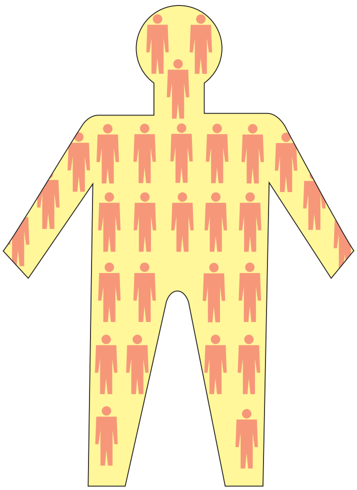
۸ ــ رابطه‌ی هماهنگی یا تضاد گروه‌های مختلف را با تکامل یا اختلال جامعه بیان کند.

۹ــ چگونگی تأثیر روابط با دیگران و طرز تلقی آنان را در تقویت خودآگاهی فرد شرح دهد.

۱۰ ــ نقش اراده‌ی فردی را در گسستن از یک گروه و پیوستن به گروه دیگر بیان کند.

۱۱ــ انواع آسیب‌های گروهی را تشخیص دهد.

۱۲ــ تأثیر آسیب‌های گروهی را بر فرد تجزیه و تحلیل کند.



درس اوّل

شناخت محیط اجتماعی

جوانی و تفکّر مستقل

همه‌ی شما در دوره‌ای قرار دارید که از آن به نوجوانی و جوانی تعبیر می‌شود ؛ کودکی را پشت سرگذاشته‌اید و بزرگ‌سالی را پیش‌رو دارید. دوره‌ی وابستگی به بزرگ‌ترها، آسوده بودن و بی‌مسئولیتی را گذرانده‌اید و در آستانه‌ی دوره‌ی جدیدی هستید که باید بیندیشید، تصمیم‌گیری کنید و مسئولیت زندگی خود و حتّی دیگران را بر عهده بگیرید. برخلاف دوره‌ی کودکی که بیش‌تر در زمان حال زندگی می‌کردید و نسبت به آینده بی‌توجه بودید، در این دوره، اندیشیدن به آینده یکی از اشتغالات فکری شما خواهد بود. در این دوره درباره‌ی جهان هستی و رابطه‌ی خویش با آن فکر می‌کنید ؛ مثلاً :

ــ جهان هستی از کجا آمده است و به کجا می‌رود؟

ــ اصل و مبدأ جهان چیست؟

ــ جایگاه من در جهان هستی کجاست؟

ــ و … .

در همین دوره، شما به مسائل اجتماعی و سیاسی مختلف نیز می‌اندیشید ؛ مانند :

ــ در کدام رشته به تحصیل ادامه دهم؟

ــ در آینده چه شغلی را انتخاب کنم؟ چرا؟

ــ راه دست‌یابی به شغل مورد نظر چیست؟

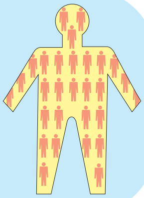
ــ در تعیین سرنوشت جامعه‌ی خود چه سهمی می‌توانم داشته باشم؟

ــ جایگاه جامعه‌ی من در جهان کنونی کجاست؟

ــ و … .

این اندیشه‌ها و پاسخ پرسش‌هایی از این قبیل، مبنای عمل شما برای زندگی آینده است. پاسخ شما به این پرسش‌ها با توجه به دانسته‌هایتان ممکن است درست یا نادرست باشد.

نتایج شناخت نادرست از محیط اجتماعی



اگر فرد در مرحله‌ی نوجوانی و جوانی بدون شناخت درست از شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه‌ی خویش، تصمیم بگیرد و دست به عمل بزند، با شکست روبه‌رو خواهد شد ؛ مثلاً :

ــ بسیارند کسانی که بدون شناخت درست از شرایط اقتصادی و اجتماعی و استعدادها و توانایی‌های خود شغلی را انتخاب می‌کنند و در آن توفیق نمی‌یابند ؛

ــ بدون شناخت درست از شرایط اجتماعی همسر انتخاب می‌کنند و در زندگی زناشویی با شکست روبه‌رو می‌شوند ؛

ــ بدون شناخت درست از محیط اجتماعی به فعالیت‌های سیاسی دست می‌زنند اما شکست می‌خورند و از میدان سیاست کنار می‌روند ؛

به دلیل نداشتن شناخت درست از دوستان و گروهی که به عضویت آن درمی‌آیند، به دام اعتیاد می‌افتند و تا پایان عمر با نتایج تلخ و ناگوار این انتخاب نادرست دست به گریبان خواهند بود.

ــ و ... .

آینده‌ی شما به میزانی چشمگیر، به شناختی بستگی دارد که در این مرحله‌ی زندگی خود از محیط اجتماعی به دست می‌آورید. شناختی ناقص که بر پایه‌ی احساسات قرار گیرد و از واقعیت‌های زندگی دور باشد، می‌تواند آثاری زیان‌بار بر زندگی آینده‌ی شما داشته باشد ؛ بنابراین، تلاش برای دست‌یابی به شناختی دقیق‌تر و نزدیک‌تر به واقعیت، شناختی که توانایی شما را برای درک محیط اجتماعی افزایش دهد، تلاشی مطلوب خواهد بود.

فعالیت ۱ــ۱ رشته‌ی تحصیلی را که انتخاب خواهیدکرد، درنظر بگیرید (نظری ــ فنی و حرفه‌ای ــ کاردانش) و درباره‌ی موارد زیر در کلاس گفت‌وگو کنید ؛

۱ــ برای انتخاب این رشته چه ملاک‌هایی را درنظر داشته‌اید؟

۲ــ این شناخت را چگونه به‌دست آورده‌اید؟

۳ــ آیا این شناخت درست بوده است؟ چرا؟

شناخت جامعه

فرد با زندگی در اجتماع، از محیط خویش شناخت به‌دست می‌آورد. این شناخت گاه نتیجه‌ی تجربه‌ی خود فرد است و گاه حاصل تجربه‌ای است که از طریق پرسش از دیگران و یادگیری به او منتقل می‌شود. فرد با تکیه بر این شناخت، تصمیم‌گیری می‌کند و در مسیر زندگی گام برمی‌دارد.

همه‌ی افراد کم و بیش به این شناخت دست پیدا می‌کنند. هرچه فرد تجربه‌ی بیش‌تری داشته باشد یا از اطّلاعات دیگران بیش‌تر استفاده کند، دامنه‌ی این شناخت گسترده‌تر خواهد شد. این نوع شناخت از محیط اجتماعی را شناخت حاصل از زندگی[1] می‌نامیم.

در کنار این نوع شناخت از محیط اجتماعی، شناخت علمی[2] جامعه قرار دارد که عالم اجتماعی آن را عرضه می‌کند.

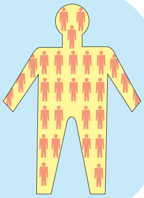
شناخت علمی تنها با زندگی در جامعه حاصل نمی‌شود ؛ مطالعه‌ی منظم و دقیق رفتار انسان و زندگی جوامع مختلف و تحولات آن‌ها همراه با تفکر منطقی عالم را به این نتایج می‌رساند ؛ تا جایی که ممکن است نظر عالم اجتماعی با نظر پذیرفته شده در جامعه مغایر باشد. این مغایرت در علوم تجربی نیز دیده می‌شود. مانند تصوراتی که درباره‌ی چگونگی حرکت زمین و خورشید وجود داشته است.

برای درک بهتر این مطلب می‌توانید، مسئله‌ی خودکشی را به عنوان یک آسیب و انحراف اجتماعی درنظر بگیرید. بیش‌تر مردم تصور می‌کنند که خودکشی زمانی افزایش می‌یابد که زندگی برای افراد، مشکل و طاقت‌فرسا و تحمل ناپذیر شود امّا عالم اجتماعی با بررسی آمار خودکشی در کشورها و دوره‌های مختلف، به نتیجه‌ای مغایر با این نظر می‌رسد. میزان خودکشی نه در دوره‌های جنگ و آشوب، بلکه در دوره‌های رفاه اقتصادی بیش‌تر می‌شود. علت آن هم چنین بیان می‌شود که خودکشی با کاهش هم بستگی فرد با دیگران و رشد فردیت افزایش می‌یابد و این چیزی است که در دوره‌ی رفاه اقتصادی بیش‌تر از دوره‌های آشوب و جنگ رخ می‌دهد.

بنابراین شناخت حاصل از زندگی، مفید و سودمند است و شناخت علمی می‌تواند آن را تکمیل و حتی تصحیح کند. چنین شناختی به ما توانایی می‌دهد که شرایط زندگی اجتماعی خویش را بهتر بشناسیم و برای تحقق اهداف خویش، راه‌های سنجیده‌تری را برگزینیم.

---

1 ــ Common Sense　　2 ــ Scientific Knowledge



شکل گیری گروه

اجتماعی بودن انسان

شما در روزهای خوش کودکی دوستانی داشتید که همیشه باهم بودید ؛ باهم بازی و قهر و آشتی می‌کردید. اگر امروز آن هم‌بازی‌ها با شما نیستند، در عوض، در مدرسه دوستانی صمیمی دارید که تعداد آن‌ها ممکن است به اندازه‌ی هم‌بازی‌های دوران کودکی شما یا حتّی کمی بیش‌تر باشد. آن‌ها در ساعت‌های تفریح، در بیرون از مدرسه و در روزهای تعطیل، خیلی بیش‌تر از سایر هم‌کلاسی‌ها با شمایند.

تنها شما نیستید که چنین دوستانی دارید. معلم‌های شما هم چنین‌اند. پدر و مادر شما هم با چند نفر از همکاران خود بیش‌تر می‌جوشند ؛ بنابراین، به هرجا و هر سطحی از زندگی اجتماعی پا بگذارید، این واقعیت را خواهید دید.

تلاش افراد برای برقراری رابطه با یکدیگر، واقعیتی است که همیشه و در همه‌جا شاهد آن هستید :

ــ باز کردن سر صحبت در اتوبوس و مسیر رفت و آمد

ــ اظهار محبت به دیگران و همدلی با آنان

ــ نگاه محبت‌آمیز یک سال‌خورده به یک کودک

ــ و ... .

این‌ها نمونه‌های تلاش افراد برای برقراری رابطه با یکدیگر و کوشش برای پیدا کردن دوست و هم‌صحبت است.

به راستی دوستی افراد با یکدیگر و تلاش آن‌ها برای برقراری رابطه و دوست‌یابی برای چیست؟ چرا افراد در همه‌ی دوره‌های زندگی در پی یافتن دوستانی صمیمی یا برقراری رابطه‌ای هرچند موقّت و محدودند؟

بسیاری از اندیشمندان تلاش کرده‌اند تا به این پرسش‌ها پاسخ دهند. بعضی فلاسفه

در پاسخ به این سؤال می‌گویند که «انسان بالطّبع اجتماعی است». عالم اجتماعی هم پاسخی مشابه می‌دهد و این تلاش را ناشی از «میل طبیعی انسان به اجتماعی زندگی کردن و تأمین نیازهای انسانی» می‌داند؛ خواسته‌ها و نیازهای انسان او را به برقراری روابط اجتماعی با دیگران سوق می‌دهند و موجب تداوم حیات جامعه می‌شوند.

فعالیت ۲ــ۱ نخستین روزی را که وارد دبیرستان شدید، در نظر آورید و حداکثر در سه سطر، توضیح دهید که چگونه و چرا با دیگران رابطه برقرار کردید.

تعامل اجتماعی

انسان معمولاً براساس یک میل طبیعی می‌خواهد با دیگران رابطه برقرار کند. او این میل طبیعی را در قالب یک عمل مثلاً :

ــ لبخندی دوستانه

ــ تعارف یک بیسکویت

ــ نگاهی منتظرانه

ــ بیان جمله‌ای درباره‌ی هوا

ــ و ...

نشان می‌دهد. اگر فرد دیگری با لبخند زدن، تشکر کردن و... به این عمل پاسخ دهد، میان آن‌ها رابطه‌ی اجتماعی برقرار می‌شود. در این حالت می‌گوییم آن‌ها با هم تعامل اجتماعی[1] دارند.

شکل‌گیری «ما»: با شکل‌گیری تعامل اجتماعی، افراد سعی می‌کنند نکات مشترک و مشابهت‌هایی میان خود و دیگری بیابند یا آن‌ها را تقویت کنند؛ مثلاً :

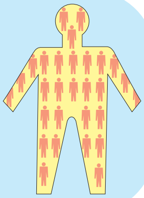
ــ از محل و مکان یکدیگر می‌پرسند و با بیان مشترکاتی می‌کوشند خود را هم‌محلی، همشهری و... قلمداد کنند؛

ــ از خانواده و دوستان یکدیگر می‌پرسند تا دوستان و آشنایان مشترکی بیابند؛

ــ از ارزش‌های دینی و اخلاقی یکدیگر می‌پرسند تا به نقطه‌ی مشترکی دست‌یابند؛

ــ سعی می‌کنند احساسات خود را نسبت به امور، یکسان جلوه دهند.

1ــ Social Interaction



براساس این مشترکات و مشابهت‌ها ، شما و دیگری یا دیگران به تدریج به مجموعه‌ای واحد یعنی «ما» تبدیل می‌شوید و با هم یگانگی پیدا می‌کنید. «ما» در این مفهوم، در مقابل «من» قرار دارد.

ــ «ما» هم‌محلّی‌ها

ــ «ما» آشنایان آقای ...

ــ «ما» همشهری‌ها

ــ «ما» دانش‌آموزان

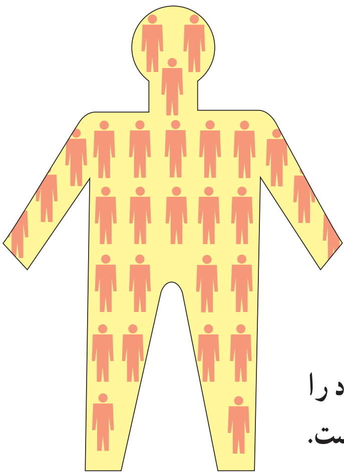
شکل‌گیری گروه: «ما»ی تشکیل شده ممکن است بسیار سطحی و محدود باشد که در این حالت به سرعت از بین خواهد رفت ؛ مانند افرادی که در یک کوپه‌ی قطار هم‌سفرند. آن‌ها حتی اگر در طول سفر با یکدیگر خیلی گرم و صمیمی هم باشند، با رسیدن به مقصد «ما»ی هم‌سفر از بین می‌رود و هر فرد راه خویش را می‌گیرد و می‌رود.

هرچه میزان مشابهت‌ها و مشترکات بیش‌تر باشد، «ما»ی تشکیل شده عمیق‌تر می‌شود ؛ به این ترتیب، تعامل طرفین با یکدیگر نیز تداوم می‌یابد. در چنین حالتی، افراد به عنوان یک گروه شناخته می‌شوند ؛ به عبارت دیگر، افرادی که خود را «ما» تلقّی می‌کنند و به صورت نسبتاً پایدار و منظم با یکدیگر تعامل دارند، یک گروه را تشکیل می‌دهند.

فعالیت ۳ــ۱ با بررسی نحوه‌ی دوست شدن خود با یکی از دوستانتان :

۱ــ انگیزه‌ی دوستی، مشابهت‌هایی که با یکدیگر داشته‌اید یا پس از دوست شدن به‌دست آورده‌اید و چگونگی روابط میان خود را بنویسید.

۲ــ نمونه‌ای از دوستی‌هایی را که به جدایی انجامیده است، مطرح کرده و علت از هم گسستن پیوند دوستی را مشخص کنید.



افرادی که یک گروه یا جامعه را تشکیل می‌دهند، خود را به‌صورت «ما» درک می‌کنند که فراتر از هویّت‌های فردیِ «من» آن‌هاست.

هنجارها و ارزش‌های اجتماعی

الگوی عمل (هنجار)

زندگی فرد در گروه در عین این‌که مطلوب و مفید است، برای او محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند. فردی‌که در گروه زندگی می‌کند، نمی‌تواند آزادانه و هرطور که می‌خواهد عمل کند و باید برای بقای گروه کارهای خاصی را انجام دهد.

ــ دو نفر که با هم دوست می‌شوند، باید به خواست‌های یکدیگر توجه کنند ؛ در رابطه‌ی خود با یکدیگر رفتارهای خاصی داشته باشند که ابراز محبت، سلام کردن، خبر گرفتن از هم و ... نمونه‌هایی از این رفتارهاست.

ــ فردی که عضو تیم فوتبال می‌شود، باید قواعد بازی فوتبال را رعایت کند. او آزاد نیست که توپ را به هر شکل که می‌خواهد به کار ببرد و ... .

به رفتارهایی که فرد با عضویت در گروه باید آن‌ها را انجام دهدو در صورت رعایت نکردن آن‌ها با مجازات روبه‌رو می‌شود، الگوی عمل یا هنجار[1] می‌گویند.

در گروه دوستی

ــ سلام کردن،

ــ خبر گرفتن از یکدیگر،

ــ گفت‌وگو و رازگویی،

ــ و ...

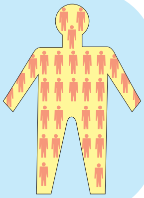
الگوی عمل‌اند.

در یک تیم فوتبال

ــ توپ را با پا پرتاب کردن

ــ توپ را به درون محدوده‌ای به نام میدان پرتاب کردن

1ــ Norm



ــ و … .

الگوی عمل محسوب می‌شوند.

فعالیت ۴ــ۱ رفتار اعضای خانواده، آشنایان و دوستان خود را درنظر بگیرید؛

الف ــ برای هریک از موارد زیر، دست‌کم دو الگوی عمل مشخص کنید:

ــ خانواده

ــ مهمانی

ــ عبور و مرور در خیابان.

ب ــ رعایت نکردن این الگوهای عمل، برای فرد چه پیامدهایی دارد؟

ارزش

با تداوم زندگی گروهی، به تدریج امور خاصی برای همه یا بیش‌تر افراد گروه مهم تلقی می‌شود. آن‌ها از تحقق این امور احساس خشنودی می‌کنند و حاضرند برای تحقق آن‌ها گاهی جان خویش را به خطر اندازند. توهین به این امور مهم یا جلوگیری از تحقّق آن‌ها موجب ناراحتی و واکنش افراد گروه می‌شود. به این امور که برای گروه اهمیّت دارد، **ارزش‌های گروه** گفته می‌شود[1]؛ برای نمونه:

ــ در تیم والیبال، پیروزی

ــ در گروه دوستی، صداقت، صمیمیت و …

ــ در گروه سرزمینی (ملّت)، عزّت و استقلال

ــ برای مسلمانان، یگانه‌پرستی

ارزش[2] شناخته می‌شود.

فعالیت ۵ــ۱ برای هریک از موارد زیر، دست‌کم دو ارزش را مشخص کنید:

۱ــ خانواده

۲ــ مدرسه

۱ــ ارزش‌ها همان هدف‌های مشترک گروه‌اند.

2 ـ Value

۳ــ مسجد.

فرد برای زندگی در گروه همان‌طورکه بایدارزش‌های گروه را بپذیرد، الگوهای عمل خاصی را نیز باید بپذیرد.

کسی که خود را ایرانی می‌داند، با توجه به قبول استقلال و عزت به عنوان دو ارزش :

ــ خود را ملزم به دفاع از استقلال کشور می‌داند ؛

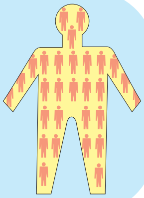
ــ هنگام هجوم دشمن حاضر است جان خویش را فدا کند ؛

ــ در مقابل توهین دیگران به ایران و شخصیت‌های ایرانی از خود واکنش نشان می‌دهد ؛

ــ از پیشرفت‌ها و پیروزی‌های کشور خشنود می‌شود ؛

ــ با کسانی‌که استقلال کشور را نادیده گرفته‌اند، دشمن است ؛

ــ و ... .



درس چهارم

رابطه‌ی گروه‌ها با یکدیگر

شما به عنوان یک فرد، در زندگی اجتماعی تنها عضو یک گروه نیستید.

ــ در خانواده عضو گروه خانواده

ــ درمحلّه عضو گروه محله، تیم فوتبال، بسیج، کوه‌نوردی و …

ــ در مدرسه عضو گروه دوستی، کلاس، مدرسه، فوق‌برنامه و …

ــ در شهر عضو گروه خوش‌نویسی، ورزشی و … هستید.

در هریک از این گروه‌ها، ارزش‌های خاص و الگوهای عمل ویژه‌ای وجود دارد.

ارزش‌ها و الگوهای عمل این گروه‌ها گاهی با هم **هماهنگ** و گاهی **متضاد**ند؛ برای نمونه، ممکن است در خانواده اموری چون تجمل و تفاخر مهم باشد که گروه بزرگ‌تر (کشور) آن را ناپسند بداند؛ خانواده طالب تعداد زیادی فرزند باشد و گروه بزرگ‌تر (کشور) آن را مطلوب نداند.

فعالیت ۶ــ۱ دو گروه اجتماعی را درنظر بگیرید؛

۱ــ برای هریک از آن‌ها، در یک جدول دو ستونی ــ مانند نمونه‌ی زیر ــ دو الگوی عمل و دو ارزش بنویسید.

۲ــ هماهنگی یا تضاد میان الگوهای عمل و ارزش‌ها را مشخص کنید.

	گروه «الف»	گروه «ب»	هماهنگی یا تضاد
ارزش‌ها	۱ــ ۲ــ	۱ــ ۲ــ	
هنجارها	۱ــ ۲ــ	۱ــ ۲ــ	

در جامعه هیچ‌گاه نمی‌توان حالتی را یافت که در آن همه‌ی گروه‌ها با یکدیگر هماهنگ باشند ؛ بنابراین، همیشه حدی از تضاد[1] میان ارزش‌ها و الگوهای عمل گروه‌ها وجود دارد. تضاد میان گروه‌ها هم می‌تواند مفید باشد و موجب تحول جامعه شود و هم در جامعه درگیری، جنگ و نابسامانی ایجاد کند.

اختلافات قومی و قبیله‌ای، تضاد طبقاتی، برخوردهای اقشار مختلف و وجود احزاب با آرمان‌های گوناگون نمونه‌هایی از تعارض‌های گروهی در یک جامعه‌اند که بعضی از آن‌ها برای بقا و رشد جامعه زیان‌آور و بعضی مفیدند.

اختلافات قومی و قبیله‌ای در یک جامعه وحدت ملی (وحدت گروه ملت) را از بین می‌برد و موجودیت گروه ملّت را به خطر می‌اندازد ؛ درحالی‌که وجود احزاب مختلف با آرمان‌های گوناگون ــ در عین اختلافاتی که با یکدیگر دارند ــ برای کنترل دولت‌مردان و هم‌چنین حفظ منافع گروه‌های مختلف جامعه مفید خواهد بود.

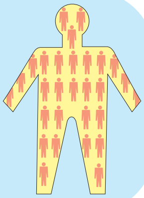
فعالیت ۷ــ۱ با بررسی روابط میان گروه‌های مختلف جامعه، برای هریک از تعارض‌های گروهی که می‌تواند نتایج مثبت یا منفی داشته باشد، یک نمونه ذکر کنید و نتایج حاصل از آن‌ها را در جدولی مانند جدول زیر بررسی کنید.

۱ــ تعارض میان دو گروه که نتایج مطلوب دارد.

۲ــ تعارض میان دو گروه که نتایج نامطلوب دارد.

نوع تعارض	نتایج	ارزیابی
۱ــ مسابقات دانش‌آموزی	موجب رشدعلمی واجتماعی دانش‌آموزان می‌شود.	مثبت و سازنده
۲ــ	....	مثبت و سازنده
۱ــ برخورد میان هواداران دو تیم فوتبال	بازی فوتبال که یکی از شیوه‌های رقابت سالم‌است،باعث‌ستیزه‌های‌بیهوده‌می‌شود.	منفی و مخرب
۲ــ	....	منفی و مخرب

1 ـ Conflict



گروه ملّت و سایر گروه‌ها

امروزه، کلی‌ترین «ما» که یک واحد تقریباً مستقل است، گروه «ملت» نامیده می‌شود ؛ گروهی که در داخل مرزهای یک سرزمین مشخص زندگی می‌کند و خود را یک ملت می‌شناسد و دارای دستگاه سیاسی مستقل است. در درون این گروه، اقشار و طبقات، اقلیت‌های قومی و مذهبی، گروه‌های سیاسی و اقتصادی، انجمن‌های دینی، گروه‌ها و فرقه‌های اعتقادی، انجمن‌های خیریه، باندها و ... شکل می‌گیرند.

این گروه‌ها در محدوده‌ای که گروه «ملت» به آن‌ها اجازه می‌دهد، دست به فعالیت می‌زنند ؛ فعالیت‌های خود را شکل می‌دهند ؛ با یکدیگر به تعارض برمی‌خیزند ؛ هم‌دیگر را حذف می‌کنند ؛ با یکدیگر ائتلاف می‌کنند و.... همراه با این فعالیت‌ها، جامعه هم به‌طور مداوم امّا آرام تغییر می‌کند.

ارزش‌های برخی از گروه‌ها با ارزش‌های ملّت مغایر است ؛ مانند :

ــ گروه‌های قومی که خواستار جدا شدن و استقلال‌اند ؛

ــ گروه‌های سیاسی که می‌خواهند حکومت را از بین ببرند ؛

ــ گروه سرمایه‌دارانی که به مقابله با بعضی سیاست‌های اقتصادی که جامعه تعیین کرده است ؛ می‌پردازند.

هم‌چنین عمل بعضی از گروه‌ها با زیر پا گذاشتن الگوهای عمل پذیرفته شده در جامعه همراه است ؛ مانند :

ــ باندهای سرقت و قاچاق، خصوصاً قاچاقچیان موادّ مخدّر که به قصد مال‌اندوزی یا انگیزه‌های دیگر و به بهای نابودی نیروی ِجوان جامعه، موادّ مخدّر را به کشور وارد می‌کنند و از این راه هزاران نفر را به نابودی می‌کشانند ؛

ــ باندهای رشوه‌بگیر در اداره‌های دولتی ؛

ــ و ... .

گروه ملّت به مقابله با این دو نوع گروه برمی‌خیزد و در مقابل آن‌ها از حربه‌ی مجازات استفاده می‌کند ؛ بنابراین، حدّ هماهنگی و تعارض در جامعه را کلی‌ترین «ما» (گروه ملّت) مشخص می‌سازد.

به نظر شما، گروه ملّت حدّ هماهنگی و تعارض را در جامعه چگونه مشخص می‌کند؟

درس پنجم

تأثیرات گروه بر فرد

الف ــ شکل‌گیری خودآگاهی

به نظر شما زندگی در اجتماع بر فرد چه تأثیری می‌گذارد؟

فعالیت ۸ــ۱ با اندیشیدن درباره‌ی صفات و خصوصیات خود، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱ــ «من» کیستم؟ سعی کنید برای این پرسش، پاسخ‌های متعددی (تا ده پاسخ) بیابید.

۲ــ یکی از این صفات را انتخاب کنید و توضیح دهید چگونه از وجود چنین صفتی آگاه شده‌اید.

۳ــ از این بررسی چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟

یکی از علمای اجتماعی[۱] به این پرسش که انسان چگونه از صفات خودآگاه می‌شود، چنین پاسخ می‌دهد : **هر فردی خود را در آیینه‌ی دیگران می‌بیند و می‌شناسد.**

اگر شما خود را فردی با هوش می‌دانید، علاوه بر وجود خصایص زیستی و وراثتی، این تلقّی را در ارتباط خود با دیگران به دست آورده‌اید ؛ وگرنه در صورتی که واقعاً هم باهوش باشید، اگر دیگران شما را با این صفت نشناسند، خود را به این عنوان نخواهید شناخت ؛ بنابراین اوّلین نکته در رابطه‌ی فرد و گروه، تأثیر روابط با دیگران در شکل‌گیری **خودآگاهی** (آگاهی از خود) فرد است.

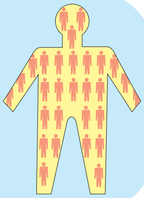
فعالیت ۹ــ۱ از فهرستی که درباره‌ی خود تهیه کرده‌اید، یک صفت را انتخاب کنید ؛

۱ــ آگاهی از وجود این صفت چه اثری بر رفتارها و اعمال‌شما دارد؟

۲ــ سه الگوی عمل مربوط به این صفت را بنویسید.

فرد در ارتباط با دیگران خود را با صفات خاصی می‌شناسد. این صفات با ارزش‌های ویژه‌ای همراه‌اند. کسی که باهوش شناخته می‌شود و خودش هم این تلقی را از خود دارد، از احترام و ارزش برخوردار است و انتظار چنین احترامی را نیز دارد.

۱ــ چارلز هورتون کولی (Charles Horton Cooley) (۱۹۲۹ــ۱۸۶۴).



بنابراین، رابطه‌ی فرد و گروه بر ارزش و احترام فرد و هم‌چنین انتظارات او از دیگران تأثیر می‌گذارد.

به یاد داشته باشیم که انسان استعداد تغییر و تصحیح شناخت دیگران از خویش را دارد. در صورتی که خود فرد این شناخت را واقعی بداند، پیامدهای آن نیز واقعی خواهد بود و بالعکس.

ب ــ شکل‌گیری جهت‌گیری‌ها

بسیار اتفاق افتاده که فرد با عضویت در گروه جدید پیوندهای خود را با گروه‌های دیگر گسسته است؛ مثلاً با افرادی که تاکنون با آنان دوست بوده است، قطع رابطه می‌کند و حتی به دشمنی با آن‌ها برمی‌خیزد. هم‌چنین خود را با افرادی که تاکنون نمی‌شناخته، دوست و یگانه می‌داند. از این رو، می‌توان گفت عضویت در گروه برای فرد «**جهت‌گیری**» خاصی را به‌دنبال دارد.

فعالیت ۱۰ــ۱ برای آگاهی از عمق تأثیر عضویت گروهی بر جهت‌گیری‌ها و اعمال فرد، بررسی زیر را انجام دهید و آن را مطابق نمونه در جدولی تنظیم کنید.

۱ــ سه مورد از دوستی‌ها و دشمنی‌ها، اظهارنظرها و اعتقادات خود را درباره‌ی امور و اعمالی که درطول یک روز انجام می‌دهید، فهرست کنید.

۲ــ مشخص کنید که کدام یک از آن‌ها از موضع «گروه»ها و کدام یک از موضع «خود» جدا از این «گروه»ها انجام شده است.

جهت‌گیری‌ها	دلایل	«ما» یا «من»
۱ــ در میان رنگ‌ها، از رنگ آبی آسمانی بیش‌تر خوشم می‌آید.	زیرا نگاه کردن به آن به **من** آرامش می‌بخشد.	«من»
۲ــ از رانندگانی که به چراغ قرمز توجه نمی‌کنند، بدم می‌آید.	زیرا آن‌ها حقوق **شهروندان** را زیرپا می‌گذارند.	«ما»ی شهروندی
۳ــ	....	....
۴ــ	....	....
۵ــ	....	....

گروه و جوان

اگرچه فرد در تمام مراحل زندگی در گروه زندگی می‌کند ولی در دوره‌هایی از زندگی، گروه برای او اهمیت بیش‌تری می‌یابد. یکی از این دوره‌ها دوره‌ی نوجوانی است که طیّ آن، فرد با عضویت در گروه‌هایی غیر از خانواده، نقطه‌ی اتکایی برای عمل مستقل خویش می‌یابد و با پذیرفتن نقش‌های مختلف در گروه، در مسیر شکل دادن به شخصیتی متکی به‌خود گام برمی‌دارد؛ برای پذیرفتن نقش‌های آینده در جامعه آماده می‌شود و به‌طورکلی، با جهان اجتماعی بیرون از خانواده بیش‌تر آشنا می‌گردد و آن را می‌آزماید.

آرمان‌هایی که در جوانی سر برمی‌آورند، او را به سوی یافتن هم‌فکر و همراه و تشکیل گروه سوق می‌دهند. زندگی در گروه براساس آرمان‌ها و اعتقادات خویش و فارغ از امر و نهی خانواده تجربه‌ای جدید است که جوان به آن دست می‌یازد.

در این مرحله، عضویت در گروه گامی اساسی و مهم در جهت استقلال جوان و رشد و تکامل وی محسوب می‌شود. گروه واسطه‌ای میان زندگی فرد در خانواده و زندگی وی در جامعه است.

فرد در سنین کودکی بیش‌تر نقش انفعالی دارد امّا در دوره‌ی نوجوانی و جوانی فعال می‌شود؛ اندیشه‌ها و احساس‌هایی او را از درون برمی‌انگیزاند؛ کشش به عمل مستقل، او را به سوی افراد هم‌فکر و همراه فرا می‌خواند؛ بنابراین تا حدّ زیادی به صورت هدفدار به تشکیل گروه می‌پردازد. در این حالت، گروه فقط مجرایی برای اجتماعی شدن او نیست، بلکه پایگاهی است که از آن:

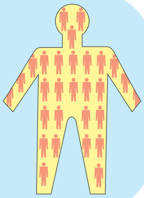
ــ جهت‌گیری

ــ برخورد

و عمل می‌کند.

به عبارت دیگر، فرد با زندگی گروهی به میدان رقابت، سازش و برخورد با گروه‌های دیگر پا می‌گذارد و زندگی در اجتماع بزرگ‌تر را تجربه می‌کند.

از این مرحله به بعد، فرد براساس عقاید، علایق و منافع خویش به گروه‌ها می‌پیوندد،



از آن‌ها جدا می‌شود و در قالب گروه‌ها عمل می‌کند[1].

فعالیت ۱۱ــ۱ درباره‌ی ملاک‌های انتخاب گروه (برای مثال گروه دوستی) در کلاس گفت‌وگو کنید.

۱ــ امام صادق (ع) : «دوستی ویژگی‌هایی دارد. هرکس همه یا برخی از آن‌ها را داشت می‌توان او را به‌عنوان دوست خود انتخاب کرد. (۱) ظاهر و باطن او یکسان باشد ؛ (۲) آن‌چه موجب زینت شما می‌شود به‌عنوان زینت خود حساب کند ؛ (۳) رسیدن به مال و قدرت، رفتار او را تغییر ندهد ؛ (۴) از چیزهایی که در اختیار اوست نسبت به تو دریغ نکند ؛ (۵) در موقع سختی‌ها تو را رها نکند.» (اصول کافی، جلد دوم، ص ۶۳۹)

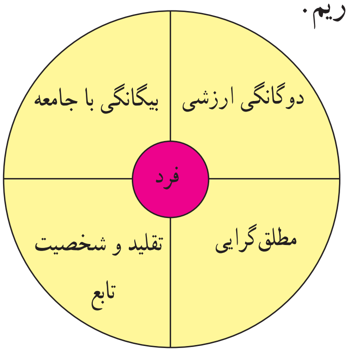
درس ششم

آسیب‌های گروه

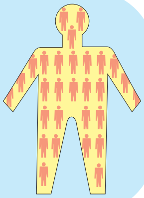
گروه و زندگی گروهی با وجود اهمیّتی که برای فرد دارد، گاه پایگاهی می‌شود که او در آن به ستیزه با ارزش‌های اجتماع و گروه بزرگ‌تر برمی‌خیزد و به سوی تخریب نظم اجتماعی سوق می‌یابد ؛ به عبارت دیگر، گروه‌ها در ارتباط خویش با جامعه شمشیر دو دم‌اند، که هم می‌توانند نظم جامعه را تحکیم بخشند و هم آن را تخریب کنند ؛ هم می‌توانند فرد را به پاسداری از ارزش‌های اجتماع وادارند و هم او را به فردی مخالف با جامعه تبدیل کنند.

بنابراین، گروه می‌تواند به وضعی دچار شود که نه به نفع فرد است و نه به نفع جامعه. گروه با انحراف از اهداف جامعه می‌تواند تا مرز نابودی افراد و جامعه پیش رود مانند باندهای قاچاق و معتادان وابسته به آن‌ها که نه‌تنها از اخلاق و ارزش‌های انسانی بی‌خبرند بلکه به اصرار می‌خواهند دیگران را نیز به بدبختی خود گرفتار سازند و از این عمل نیز احساس خشنودی می‌کنند ؛ در حالی‌که به این ترتیب، خود و جامعه را به سوی نابودی و تباهی سوق می‌دهند.

از این‌رو، شناخت آسیب‌های گروه ــ حالت‌هایی‌که گروه هماهنگ با جامعه عمل نمی‌کند یا دچار حالاتی غیرعادی می‌شود ــ به اندازه‌ی شناخت گروه اهمیت دارد. اکنون مواردی چند از آسیب‌های گروه و نتایج آن را بر فرد و جامعه طرح می‌کنیم و یافتن موارد دیگر را بر عهده‌ی شما می‌گذاریم.



آسیب‌های گروه



الف ــ دوگانگی ارزشی

فرض کنید در جامعه‌ای که ارزش‌های حاکم بر آن ارزش‌های دینی است، فرد در گروهی عضویت داشته باشد که در آن، ارزش‌های دینی رعایت نمی‌شود ؛ در چنین حالتی چه پیش خواهد آمد؟

مدرسه، رسانه‌ها و خانواده،فرد را به سوی ارزش‌های دینی سوق می‌دهند و گروه مذکور او را به ارزش‌های غیردینی فرا می‌خواند. فرد اگر بخواهد هم عضو گروه باقی بماند و هم به ارزش‌های جامعه وفادار باشد :

ــ نسبت به ارزش‌های جامعه و گروه هر دو تردید خواهد کرد و نوعی نفاق و دورویی در وی شکل خواهد گرفت ؛

ــ در تصمیم‌گیری‌ها دچار تردید خواهد شد ؛

ــ شخصیت متزلزلی خواهد داشت ؛

ــ دچار افسردگی و نگرانی‌های شدید می‌شود یا به عکس، حالت پرخاشگری از خود نشان می‌دهد.

ــ و . . . .

در این حالت، او به **دوگانگی ارزشی** دچار شده است ؛ گروه به جای این‌که از او شخصیتی مستقل بسازد، وی را دچار سرگردانی کرده است.

فعالیت ۱۲ــ۱ جوانی را در نظر بگیرید که در خانواده‌ای مذهبی بزرگ شده و سپس به گروهی بی‌اعتنا به اعتقادات مذهبی گرویده است. اگر این جوان بخواهد با هردو گروه (خانواده و گروه جدید) باقی بماند، سه حالت و رفتارِ ناشی از این دوگانگیِ ارزشیِ وی را مانند مثال زیر بررسی کنید.

ارزش‌های دینی خانواده	ارزش‌های غیردینی گروه جدید	حالت و رفتارفرد دردوگانگی ارزشی
۱ــ فرد به معاد اعتقاد دارد و برای کارهای خود حساب و کتابی ورای این جهان قائل است.	۱ــ زندگی را به همین دنیا محدود می‌داند و جز انسان‌ها کسی را ناظر بر اعمال خویش نمی‌شناسد.	۱ــ در مورد هستی و هدف زندگی دچار سرگردانی است.
۲ــ	۲ــ	۲ــ ....
۳ــ	۳ــ	۳ــ ....
۴ــ	۴ــ	۴ــ ....

ب ـ بیگانگی از جامعه

فرض کنید عضویت در گروهی که ارزش‌های جامعه در آن رعایت نمی‌شود، برای فرد اهمیت فوق‌العاده‌ای بیابد، تا آن‌جا که ارزش‌های گروهی را بر ارزش‌های جامعه ترجیح دهد ؛ در این حالت، فرد :

ـ نسبت به ارزش‌های جامعه یا بخشی از آن‌ها بی‌اعتقاد خواهد شد ؛

ـ در جهت برخورد با ارزش‌های جامعه عمل خواهد کرد ؛

ـ به فردی نابه‌هنجار در جامعه تبدیل خواهد شد ؛

ـ و... .

در این حالت، او با جامعه‌ی خویش بیگانه شده است ؛ درواقع، گروه به‌جای این‌که او را به شهروندی، که حافظ ارزش‌های جامعه است، تبدیل کند، به فردی که با جامعه‌ی خویش سرستیز دارد، تبدیل کرده است.

فعالیت ۱۳ــ۱ گروهی را نام ببرید که ارزش‌هایی مغایر با ارزش‌های جامعه دارد. سپس، دست‌کم سه پیامد عضویت در چنین گروهی را مشخص کنید.

پ ـ مطلق‌گرایی گروهی

اکنون حالتی را درنظر بگیرید ؛ فرد در گروهی عضویت دارد که آن گروه تنها ارزش‌های خود را درست می‌داند و فرد نیز این اعتقاد را می‌پذیرد. فردی که عضو چنین گروهی است :

ـ انتقاد نمی‌پذیرد ؛

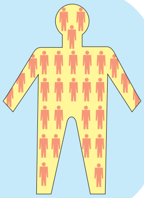
ـ در مقابل انتقاد دیگران واکنش شدید و اغلب خشونت‌آمیز نشان می‌دهد ؛

ـ تعصب نسبت به گروه چشم او را بر حقایق می‌بندد ؛

ـ گرایش به دیکتاتوری و اعمال زور خصوصیت شخصیتی وی می‌شود ؛

ـ و... .

در چنین حالتی، فرد به عدم انعطاف و تحجّر دچار شده است ؛ گروه به‌جای این‌که از او در زندگی اجتماعی فردی فعال و خلاق بسازد، او را به عنصری ناسازگار، پرخاشجو و مخرّب تبدیل کرده است.



مطلق‌گرایی گروهی در تاریخ، ثمره‌های تلخ بسیار داشته است. گرایشات انحرافی خوارج در صدها سال پیش و حکومت‌های فاشیستی و دیکتاتوری کمونیستی در دوره‌ی جدید، ثمره‌های همین مطلق‌گرایی گروهی بوده‌اند.

گروه مطلق‌گرا از رشد بازخواهد ماند و به زودی زمینه‌های نابودی خود را فراهم خواهد کرد.

برای این‌که آثار مخرّب مطلق‌گرایی گروه‌ها روشن‌تر شود، فرض کنید که در یک جامعه همه‌ی گروه‌ها به چنین حالتی دچار شوند ؛ در آن جامعه چه پیش خواهد آمد؟

ــ تضاد و اختلاف

ــ درگیری برای حذف یکدیگر

ــ به‌وجود آمدن حکومت جنگل

ــ و سرانجام، نابودی همه‌ی منابع مادی و معنوی جامعه یا تن دادن به حکومت دیکتاتوری قوی‌ترین گروه.

حالت ضعیف‌ترِ این مطلق‌گرایی، گروه‌گرایی است که در آن، فرد منافع گروه خود را بر منافع جامعه ترجیح می‌دهد.

فعالیت ۱۴ــ۱ نتایج مطلق‌گرایی را در موارد زیر بررسی کنید :

۱ــ انتخابات

۲ــ تعیین مدیریت‌ها

۳ــ اجرای برنامه‌های عمرانی.

ت ــ تبعیت بی‌چون و چرا در گروه و ایجاد شخصیّت تابع

از دیگر آسیب‌های گروه که هم فرد و هم جامعه از نتیجه‌ی آن خسارت می‌بینند، تبعیت بی‌چون و چرا از رهبران گروه است. در گروه‌هایی که انتقاد و سؤال، نابهنجار شناخته می‌شود، فرد به‌جای این‌که با زندگی گروهی به شخصیتی مستقل و خودآگاه تبدیل شود، به موجودی تابع،

بدون اندیشه و وسیله‌ای برای تحقّق اهداف رهبران گروه تبدیل می‌شود. در چنین حالتی، او :

ــ توانایی اندیشیدن را از دست می‌دهد ؛

ــ نمی‌تواند مستقل تصمیم بگیرد و عمل کند ؛

ــ به شخصیّتی تابع تبدیل می‌شود که جز تبعیت نمی‌تواند کاری انجام دهد ؛

ــ و... .

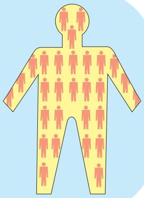
چنین افرادی بهترین وسیله برای اعمال دیکتاتوری رهبران و انجام هرگونه عمل غیرانسانی‌اند. گروه‌های خلافکار، تبهکار و سازمان‌های سرّی و مخفی نمونه‌های این نوع گروه‌هایند.

فعالیت ۱۵ــ۱ برای این‌که یک گروه دچار آسیب تبعیت بی‌چون و چرا نشود، چه ویژگی اساسی باید داشته باشد؟ در کلاس درباره‌ی این موضوع گفت‌وگو کنید.

آن‌چه گفتیم، مواردی از آسیب‌های گروه است که به نوبه‌ی خود آسیب‌های روانی و انسانی افراد عضو را به دنبال دارد.

به‌دلیل وجود این‌گونه آسیب‌ها، انتخاب گروه به‌خصوص برای جوانان انتخابی بسیار مهم است ؛ زیرا اشتباه در این انتخاب به تغییر مسیر زندگی جوان و گاه تباهی او می‌انجامد.

پرسش‌های فصل



۱ــ دوره‌ی نوجوانی را از نظر نیازهای اجتماعی با دوره‌ی کودکی مقایسه کنید.

۲ــ نتایج شناخت نادرست محیط اجتماعی را توضیح دهید.

۳ــ شناخت علمی جامعه چگونه به‌دست می‌آید؟

۴ــ با ذکر چند مثال، شناخت علمی را با شناخت غیرعلمی مقایسه کنید.

۵ــ علل گرایش انسان به زندگی گروهی چیست؟

۶ــ تعامل یا کنش متقابل اجتماعی را با ذکر چند مثال توضیح دهید.

۷ــ گروه را با توجه به ویژگی‌های اصلی آن تعریف کنید.

۸ ــ مفهوم الگوی عمل (هنجار) چیست؟

۹ــ ارزش را با ذکر یک مثال توضیح دهید.

۱۰ــ گروه‌های مختلف در چه شرایطی جامعه را به نابسامانی دچار می‌کنند؟

۱۱ــ تأیید توانایی‌ها و استعدادهای فرد توسط دیگران، چه تأثیری بر شخصیت او دارد؟

۱۲ــ چرا عضویت در گروه در دوره‌ی نوجوانی از اهمیت بیش‌تری برخوردار است؟

۱۳ــ دوگانگی ارزشی در گروه چه تأثیری بر شخصیت اعضای گروه دارد؟

۱۴ــ اگر در یک گروه، افراد اجازه‌ی نقد و بررسی مسائل گروه را نداشته باشند، چه مشکلاتی پیش می‌آید؟

مروری بر فصل

۱ــ اگر شخص از خود و شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه‌ی خود شناختی صحیح نداشته باشد، نمی‌تواند تصمیمات منطقی و صحیح بگیرد.

۲ــ شناخت حاصل از تجربیات زندگی، به‌تدریج و در اثر برخورد با محیط حاصل می‌شود.

۳ــ شناخت علمی با مطالعه‌ی منظم و دقیق زندگی جوامع انسانی به‌دست می‌آید.

۴ــ فرد در جامعه می‌کوشد با دیگر افراد جامعه ارتباط برقرار کند.

۵ــ طبع جامعه‌گرای انسان و تأمین نیاز از عواملی‌اند که انسان را به برقراری روابط

اجتماعی با دیگران سوق می‌دهند.

۶ــ اگر رفتار فردی، پاسخ فرد دیگری را برانگیزد؛ میان آن‌ها رابطه‌ی متقابلی برقرار می‌شود که به آن «تعامل اجتماعی» می‌گویند.

۷ــ اگر تعامل اجتماعی میان چند نفر تداوم پیدا کند، بین آن‌ها احساس مشترکی به‌وجود می‌آید که از آن به «ما» تعبیر می‌شود.

۸ــ اگر احساس «ما» میان چند نفر عمق بیش‌تری پیدا کند و تعامل اجتماعی میان افراد منظّم و پایدار باشد، «گروه» تشکیل می‌شود.

۹ــ الگوی عمل یا هنجار، شکلی از رفتار است که به‌تدریج میان اعضای گروه و جامعه شکل می‌گیرد و در صورت رعایت نکردن آن، فرد با مجازات روبه‌رو می‌شود.

۱۰ــ آن‌چه برای گروه و افراد آن مهم و مطلوب تلقی می‌شود، ارزش است.

۱۱ــ ممکن است میان گروه‌های مختلف در جامعه هماهنگی یا تضاد وجود داشته باشد. اگر تضادّ گروه‌ها به افراط بکشد، رشد و تکامل جامعه مختل می‌شود.

۱۲ــ روابط فرد با دیگران و طرز تلقّی آنان نسبت به او باعث می‌شود که خودآگاهی فرد شکل بگیرد.

۱۳ــ عضویت در گروه برای فرد جهت‌گیری خاصی را به دنبال دارد.

۱۴ــ فرد می‌تواند روابط خود را با گروه قطع کند و به گروه دیگری بپیوندد.

۱۵ــ دوگانگی ارزشی، بیگانگی از جامعه، مطلق‌گرایی و تبعیّت بی‌چون و چرا در گروه از آسیب‌های گروهی‌اند.

۱۶ــ اگر فرد آفت‌ها و آسیب‌های گروهی را بشناسد، در انتخاب گروه و عضویّت در آن توفیق بیش‌تری خواهد یافت.

فصل دوم

نظام اجتماعی

انتظار می‌رود دانش‌آموز در پایان این فصل بتواند :

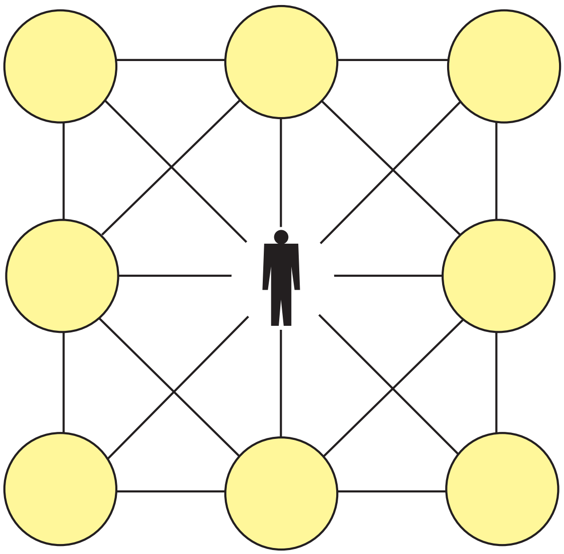
۱ــ مفهوم «نقش اجتماعی» را شرح دهد و وابستگی متقابل نقش‌های اجتماعی را تجزیه و تحلیل کند.

۲ــ مفهوم «نظام اجتماعی» را تجزیه و تحلیل کند.

۳ــ مفاهیم «تعادل» و «عدم تعادل» را در نظام اجتماعی کل، تجزیه و تحلیل کند.

۴ــ مفاهیم «اجتماع‌پذیری» و «کنترل اجتماعی» را بداند و نحوه‌ی یگانگی فرد و جامعه را شرح دهد.

۵ــ مفهوم «درونی کردن ارزش‌ها» را تجزیه و تحلیل کند.



نقش اجتماعی

یکی از بازی‌های دسته‌جمعی، مثلاً فوتبال را درنظر بگیرید :

همه‌ی افرادی‌که عضو یک تیم (گروه) اند و در بازی شرکت می‌کنند، باید ارزش‌ها و الگوهای عمل بازی و تیم را بپذیرند ؛

ــ همکاری با بازیکنان دیگر

ــ پیروز از زمین بیرون آمدن

ــ و....

ارزش‌های تیم و :

ــ بازی کردن در محدوده‌ی مشخص زمین (که خروج توپ از آن اوت و کُرنِر شناخته می‌شود)،

ــ توپ را با دست لمس نکردن

ــ هل ندادن بازیکنان دیگر و لگد و تنه نزدن به آن‌ها (که انجام دادن آن خطا شناخته می‌شود)

ــ اعتراض نکردن به تصمیم‌های داور (که انجام دادن آن اخطار و اخراج را در پی دارد)

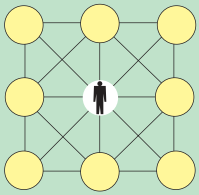
ــ و...

از جمله الگوهای عمل در بازی فوتبال‌اند.

آیا در کنار این الگوهای عمل که همه‌ی اعضای تیم (گروه) ملزم به رعایت آن‌هایند، الگوهای عمل دیگری نیز وجود دارد که همه‌ی اعضا ملزم به رعایت آن‌ها نباشند؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش، افراد تیم یاد شده را در جایگاه‌های مختلف زیر، درنظر بگیرید :

ــ دروازه‌بان

ــ دفاع



ـ و... .

فردی که در جایگاه دروازه‌بانی انجام وظیفه می‌کند، می‌تواند در محدوده‌ی ۱۸ قدم حرکت کند و توپ را با دست بگیرد ؛ درحالی‌که لمس توپ در این محدوده توسط افراد دیگر (دفاع، پیشرو و...)، خطا محسوب می‌شود (پنالت). حال اگر همین فرد در جایگاه دفاع در تیم باشد، باید الگوهای عمل دیگری را رعایت کند.

بنابراین، در کنار الگوهای عملی که همه‌ی اعضای گروه ملزم به رعایت آن‌هایند، الگوهای عمل دیگری نیز وجود دارد که همه‌ی اعضا ملزم به رعایت آن‌ها نیستند و تنها با قرار گرفتن در جایگاه‌های مختلف در گروه، باید آن‌ها را رعایت کنند.

در هر گروه، افراد در جایگاه‌های مختلفی قرار می‌گیرند. به هر یک از این جایگاه‌ها که افراد با قرار گرفتن در آن‌ها باید الگوهای عمل خاصّی را رعایت کنند، نقش گفته می‌شود ؛ مثلاً در تیم (گروه) فوتبال، به دروازه‌بانی، دفاع و... «نقش» می‌گویند.

حال به سراغ دیگر گروه‌های جامعه می‌رویم ؛ در آن‌ها نیز می‌توانید نقش‌های مختلفی پیدا کنید.

در خانواده نقش‌های :

ـ پدر

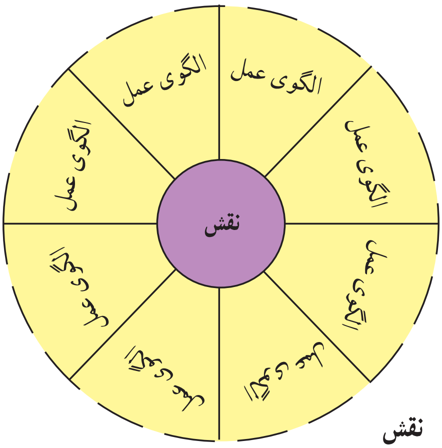
ـ مادر

ـ فرزند

ـ برادر

ـ خواهر کوچک‌تر

ـ و... .



نقش

فعالیت ۱ــ۲ کلاس خود را درنظر بگیرید :

۱ــ چهار نقش را در آن ذکر کنید.

۲ــ برای هریک از نقش‌هایی که نام برده‌اید، سه الگوی عمل بنویسید.

گاه نقش را خود فرد می‌پذیرد و گاه آن را به او نسبت می‌دهند. شما می‌توانید نقش معلمی، دانش‌آموزی و... را بپذیرید امّا نقش دختر یا پسر بودن، کُرد یا فارس بودن و... به شما نسبت داده می‌شود ؛ بدون این‌که آن را انتخاب کرده باشید.

انتظارات نقش (حقوق و تکالیف)

شما در هر نقشی ملزم به انجام رفتار و رعایت الگوهای عمل خاصی‌اید که دیگران از شما انتظار دارند ؛ مثلاً :

در تیم فوتبال هنگامی که نقش دروازه‌بان را می‌پذیرید، دیگران از شما انتظار دارند که از ورود توپ به دروازه جلوگیری کنید. درصورتی که در انجام دادن این کار کوتاهی کنید، مورد بازخواست دیگران قرار می‌گیرید.

«تکالیف» یا «وظایف» یک نقش، مجموعه‌ی رفتارها و الگوهای عملی‌اند که از فردی که آن نقش را پذیرفته یا نقش به او نسبت داده شده است، انتظار می‌رود آن‌ها را انجام دهد.

از سوی دیگر، وقتی فرد نقشی را می‌پذیرد یا آن را به او نسبت می‌دهند، انتظار دارد که دیگران نیز با او رفتار خاصی داشته باشند و الگوهای عملی ویژه‌ای را رعایت کنند. در خانواده، فرزند بزرگ‌تر انتظار دارد :

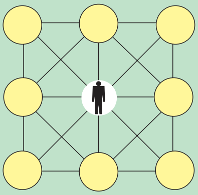
ــ فرزندان دیگر خانواده احترامی نه در حدّ والدین بلکه کم‌تر برای او قائل باشند ؛

ــ بتواند در بعضی امور خانواده به فرزندان دیگر امر و نهی کند ؛

ــ مورد مشورت والدین قرار گیرد ؛

و... .

با توجه به مثال‌های بالا، **مجموعه‌ی الگوهای عملی که فرد در نقش خاصّ خود انتظار دارد دیگران نسبت به او انجام دهند، حقوق آن نقش نامیده می‌شود.**



فعالیت ۲ــ۲ نقش‌های زیر را در نظر بگیرید، دو مورد از تکالیف و حقوق هر یک از آن‌ها را نسبت به هم در جدولی مانند جدول زیر بنویسید.

۱ ــ پدر ــ فرزند

۲ ــ معلّم ــ شاگرد

نقش	تکالیف	حقوق
پدر	۱ ــ .... ۲ ــ	۱ ــ .... ۲ ــ ....
فرزند	۱ ــ .... ۲ ــ	۱ ــ .... ۲ ــ ....
معلم	۱ ــ .... ۲ ــ	۱ ــ .... ۲ ــ ....
شاگرد	۱ ــ .... ۲ ــ	۱ ــ .... ۲ ــ ....

وابستگی متقابل نقش‌ها

اگر نقش‌ها و حقوق و تکالیف آن‌ها را در یک گروه بررسی کنید، درخواهید یافت که تکالیف یک نقش، حقوق نقش‌های دیگر و حقوق یک نقش، تکالیف نقش‌های دیگر است ؛ مثلاً در خانواده، احترام به والدین که از تکالیف نقش فرزندی است، از حقوق نقش پدری و مادری شناخته می‌شود ؛ هم‌چنین فراهم کردن شرایط مناسب زندگی که در خانواده وظیفه‌ی پدر شناخته می‌شود، جزء حقوق دیگر اعضای خانواده به‌شمار می‌آید.

بنابراین، می‌توان گفت : **نقش‌های مختلف در یک گروه به‌طور متقابل به یکدیگر وابسته‌اند.**

وابستگی متقابل نقش‌ها به یکدیگر موجب می‌شود که با تغییر الگوهای عمل مربوط به یک نقش، الگوهای عمل مربوط به نقش‌های دیگر نیز تغییر کنند. هم‌چنین با افزوده شدن نقشی به مجموعه‌ی نقش‌های دیگر، الگوهای عمل آن نقش‌ها نیز تغییر می‌یابند.

فعالیت ۳ــ۲ نقش پدر، مادر و فرزند را در یک خانواده درنظر بگیرید ؛

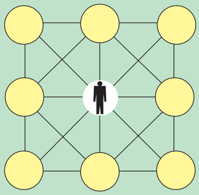
۱ــ نقش مادربزرگ یا پدربزرگ را به آن‌ها اضافه کنید. با مقایسه‌ی این دو حالت، به این پرسش پاسخ دهید :

چه تغییراتی در الگوهای عمل مربوط به این نقش‌ها (پدر، مادر و فرزند) به‌وجود می‌آید؟

۲ــ با حذف نقش پدری یا مادری (با فوت یکی از آن‌ها) چه تغییراتی در نقش پدر یا مادر و فرزند به‌وجود می‌آید؟

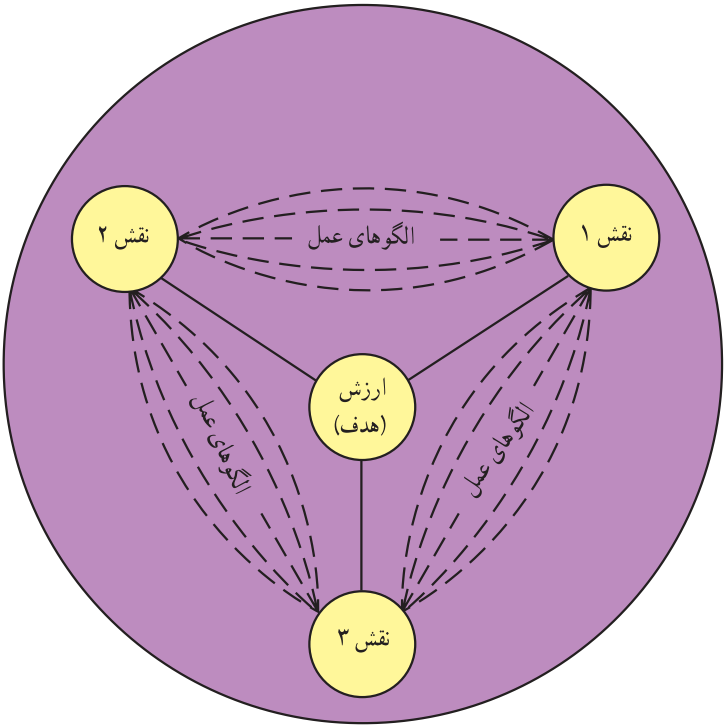
پیوند نقش‌ها

فرض کنید دانش‌آموزان کلاس شما در یک روز تعطیل برنامه‌ی کوه‌نوردی دارند یا شما می‌خواهید با دوستانتان به کوه بروید. چنین سفری را شرح دهید و مشخص کنید آیا طیّ سفر کسی به‌عنوان راهنما انتخاب می‌شود؟ آیا میان اعضای گروه تقسیم کار صورت



می‌گیرد؟ آیا در گروه هر کس نقشی را برعهده می‌گیرد؟

تشکیل جامعه و به‌وجود آمدن نقش‌های مختلف در آن نیز شبیه همین برنامه‌ی کوه‌نوردی است. زندگی افراد بشر همواره به‌صورت جمعی بوده است و آن‌ها نمی‌توانند به‌تنهایی زندگی کنند. تقسیم کار در جامعه برای بقای زندگی جمعی یا تحقق ارزش‌ها (رسیدن به هدف مشترک) به‌وجود می‌آید.



هدف، پیوند دهنده‌ی نقش‌ها

هر یک از افراد شرکت‌کننده در برنامه‌ی کوه‌نوردی نقشی برعهده دارد و متناسب با نقش‌خود فعالیت خاصی را انجام می‌دهد امّا تمام کارها برای‌رسیدن به یک هدف[1] مشترک که دست یافتن به قلّه‌ی کوه یا تحقق ارزش‌هایی چون همکاری است، انجام می‌شود. در جامعه و گروه نیز همین‌طور است؛ هرکس نقشی دارد و متناسب با نقش خود کارهای خاصی را انجام می‌دهد امّا کلّیّه‌ی نقش‌ها و کارها در جهت تحقق ارزش (هدف) مشترک انجام می‌شود.

---

۱ ــ هدف نوعی ارزش است که افراد آگاهانه در جهت تحقق آن تلاش می‌کنند.

فعالیت ۴ــ۲

۱ــ در یک مدرسه برای تحقق هدف تعلیم و تربیت، چه تقسیم کاری انجام می‌پذیرد و چه نقش‌ها و الگوهای عملی درنظر گرفته می‌شود؟

۲ــ در انقلاب‌ها، نقش‌های بسیاری تکوین می‌یابند، سه نمونه از نقش‌هایی را که در جریان انقلاب اسلامی یا بعد از آن شکل گرفته است، ذکر کرده مشخص کنید که هر نقش برای تحقق کدام ارزش‌ها و اهداف ایجاد شده است.

آرمان اجتماعی

اعضای هر گروه و جماعتی که با هم هستند، معمولاً ارزش‌های (هدف‌های) مشترکی دارند. این ارزش‌های مشترک می‌تواند اموری چون «زندگی کردن با یکدیگر»، «رفع نیازهای اولیه» یا ارزش‌های والای انسانی چون «آزادی»، «عدالت» و «دفاع از مظلومان» باشد.

ــ جامعه‌ی اسلامی که بر پایه‌ی اعتقاد به خداوند یکتا شکل گرفته است.

ــ همکاری افرادی که در بیابان گرفتار توفان شده یا در جنگل گم شده‌اند، برای این است که زنده بمانند.

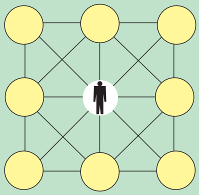
ــ قبیله‌ای که به طمع به‌دست آوردن غنیمت به قبایل دیگر هجوم می‌برد، در فکر تأمین معیشت اعضای خویش است.

ــ افرادی که با تلاش فراوان قناتی را در دل بیابان حفر می‌کنند، این کار را با هدف بهبود زندگی خود یا افزایش بهره‌وری کشاورزی انجام می‌دهند.

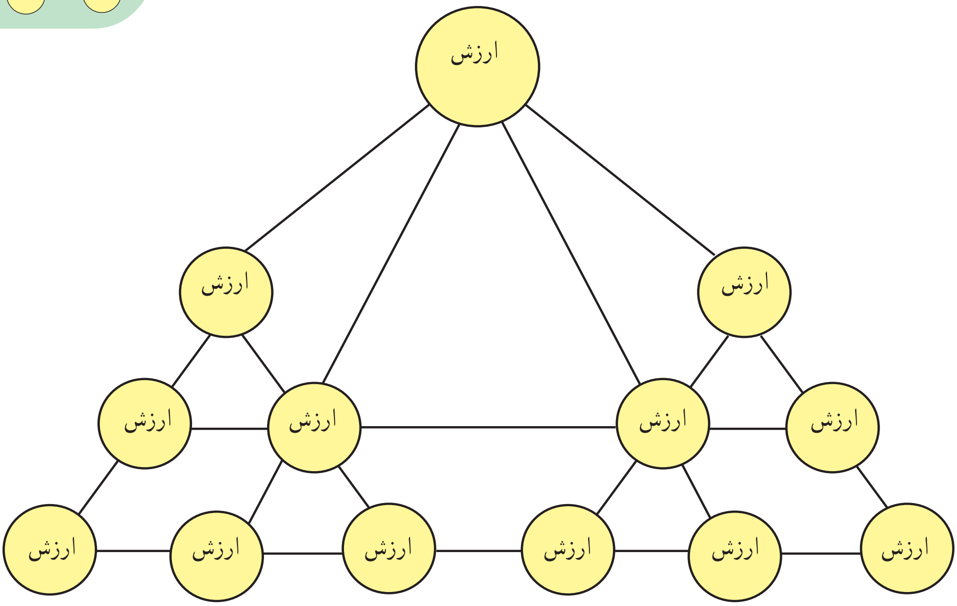
نمونه‌های بالا گروه‌هایی‌اند که افراد آن‌ها با هدف زندگی کردن یا تحقق بخشیدن به ارزش‌های والای انسانی، کار را میان خود تقسیم کرده‌اند و هر کس نقشی را پذیرفته است.

ارزش‌های مشترکی که هر جمع و جامعه‌ای برای رسیدن به آن‌ها تلاش می‌کند، آرمان اجتماعی[1] آن جمع یا جامعه نامیده می‌شود.

۱ــ در هر جامعه، آرمان اجتماعی یعنی تصوری از یک نظم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... که بیش‌تر مردم آن را مرجع تنظیم رفتار خویش می‌شناسند.



آرمان اجتماعی مشخص می‌کند که چه کارهایی و چگونه باید در جامعه انجام شود.



آرمان اجتماعی

نظام اجتماعی

شما با کلمه‌ی «نظام[1]» و ترکیبات آن چون نظام آموزش و پرورش، نظام اداری، نظام سیاسی و... آشنایید و اصطلاحاتی چون سیستم حمل و نقل، سیستم گرمایی و... را شنیده‌اید. از این اصطلاحات چه اطلاعاتی دارید؟ برای روشن‌تر شدن بحث، فعالیت زیر را انجام دهید.

فعالیت ۵ ــ ۲ یکی از نظام‌هایی را که با آن آشنـایید، انتخاب کنید و موارد زیر را مانند نمونه بررسی کنید:

۱ــ عناصر مختلف آن را تعیین کنید.

۲ــ رابطه‌ی متقابل این عناصر را با یکدیگر مشخص کنید.

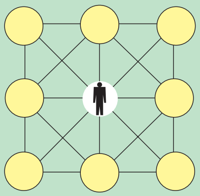
۳ــ معین کنید که هر یک از این اجزا در این مجموعه چه کاری انجام می‌دهد و چه اثری بر کلّ نظام دارد.

۴ــ تغییر هر یک از اجزا بر اجزای دیگر چه تأثیری دارد؟

نظام	عناصر	آثار و نتایج عناصر در این نظام	رابطه‌ی متقابل عناصر	آثار و نتایج برای کل نظام
موجود زنده	ــ دستگاه عصبی ــ دستگاه گردش خون ــ دستگاه گوارش ــ دستگاه تنفس ــ و...	ــ دستگاه‌های دیگر را کنترل می‌کند. ــ به سلول‌ها غذا و هوا می‌رساند. ــ غذای لازم را برای سلول‌ها آماده می‌کند. ــ هوای لازم را برای سوخت و ساز بدن فراهم می‌کند.	دستگاه گردش خون تحت کنترل دستگاه عصبی، غذا را از دستگاه گوارش و اکسیژن را از تنفسی می‌گیرد و به سلول‌ها می‌رساند.	بقا و حیات موجود زنده

با توجه به آن‌چه گفتیم و فعالیتی که شما انجام دادید، اکنون می‌توان تعریف روشن‌تری از نظام (سیستم) ارائه داد. **نظام از مجموعه‌ای از اجزا تشکیل شده است که به یکدیگر پیوسته‌اند؛**

1 ــ System



یک واحد را تشکیل می‌دهند و تغییر هر یک از آن‌ها بر اجزای دیگر اثر می‌گذارد. در نظام هر جزء اثر و نتیجه‌ای دارد و برای بقای کل و اجزای دیگر کاری انجام می‌دهد.

نظام اجتماعی

فعالیت ۶ ــ ۲ مجموعه نقش‌های معلم، دانش‌آموز و مدیر را درنظر بگیرید و به پرسش‌های زیر پاسخ دهید :

۱ــ وظایف متقابل آن‌ها چیست؟

۲ــ این مجموعه چه هدفی را دنبال می‌کند؟

۳ــ با توجه به پاسخ پرسش‌های ذکر شده، آیا می‌توان این مجموعه را نظام نامید؟ چرا؟

شما با پاسخ دادن به این پرسش‌ها، با مفهوم «نظام اجتماعی» آشنا می‌شوید. **به مجموعه‌ی نقش‌های اجتماعی متقابل به هم پیوسته که برای تحقق هدفی مشخص پیوند یافته و به صورت یک واحد یک‌پارچه درآمده‌اند، نظام اجتماعی گفته می‌شود.**

برای مثال، می‌توان بانک را به منزله‌ی یک نظام اجتماعی درنظر گرفت. این نظام از نقش‌های زیر تشکیل شده است :

ــ ریاست، معاونت، حسابدار، تحویل‌دار و... .

فعالیت ۷ــ۲ یک نظام اجتماعی را مثال بزنید و موارد زیر را در آن بررسی کنید.

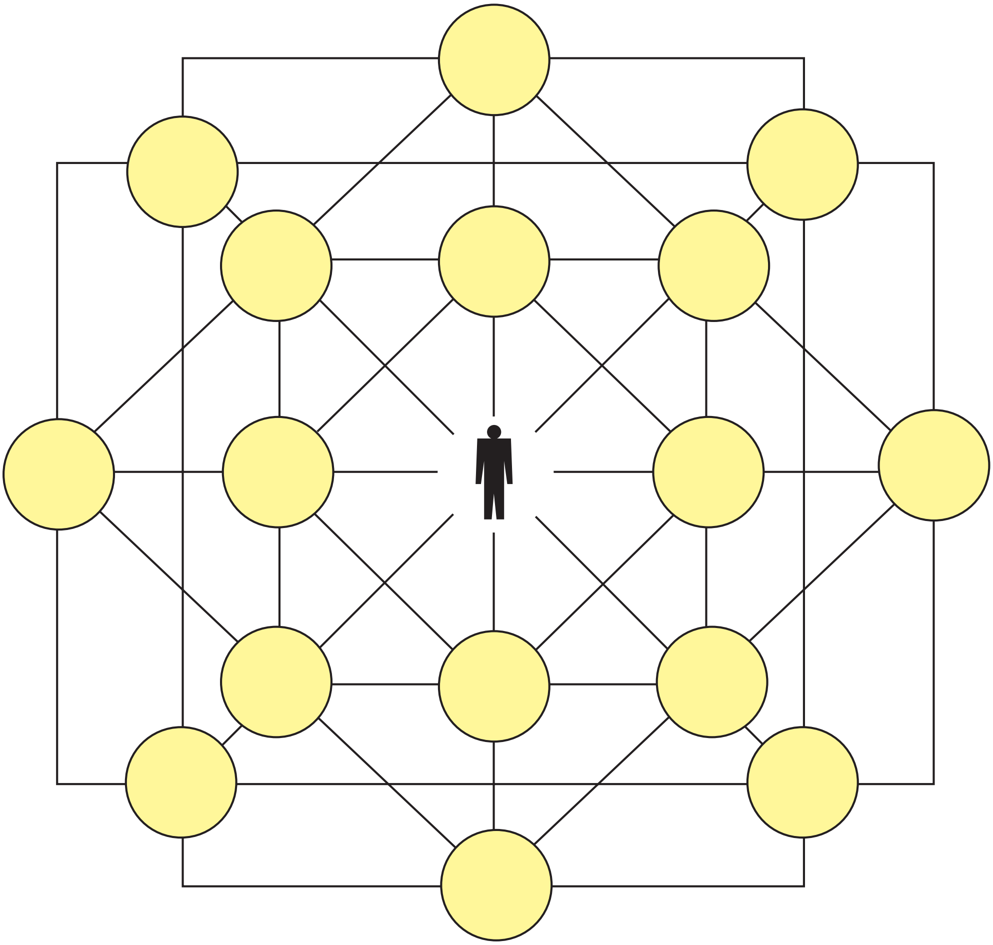
۱ــ این نظام اجتماعی از چه نقش‌هایی تشکیل شده است؟

۲ــ هریک از این نقش‌ها چه وظایفی نسبت به یکدیگر دارند؟

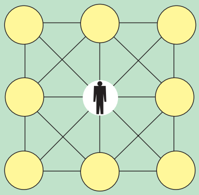
۳ــ پیوستگی این نقش‌ها چه هدفی را دنبال می‌کند؟

یافته‌های خود را در جدولی مانند جدول زیر تنظیم کنید.

نظام اجتماعی	نقش‌ها	وظایف متقابل	هدف



فرد در درون نظام‌های اجتماعی گوناگون عمل می‌کند، از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد.



درس چهارم

ارتباط نظام‌های اجتماعی با یکدیگر

در فصل گذشته با رابطه‌ی گروه‌ها با هم آشنا شدید. در این فصل، پس از درک مفهوم نظام اجتماعی، با رابطه‌ی نظام‌های اجتماعی با هم و هماهنگی و تعارض آن‌ها با یکدیگر آشنا خواهید شد.

نظام اجتماعی کل

تاکنون باید دریافته باشید که در جامعه نظام‌های اجتماعی متعدد، از کلاس درس گرفته تا مدرسه و خانواده و اداره و غیره وجود دارد. هم‌چنین این مطلب هم باید برایتان روشن شده باشد که بعضی از این نظام‌ها در داخل نظام‌های دیگر قرار می‌گیرند و جزئی از آن‌ها محسوب می‌شوند؛ مثلاً کلاس بخشی از نظام مدرسه و نظام مدرسه بخشی از نظام آموزش و پرورش است. اگر همین سیر را ادامه دهیم، در نهایت به یک نظام اجتماعی می‌رسیم که دربرگیرنده‌ی نظام‌های دیگر است. این نظام اجتماعی را نظام اجتماعی کل[1] می‌گویند که همه‌ی روابط موجود در یک جامعه را دربرمی‌گیرد. به نظام‌هایی که جزئی از نظام‌های اجتماعی بزرگ‌ترند، خرده‌نظام[2] گفته می‌شود.

نظام آموزش و پرورش و نظام سیاسی و اقتصادی، خرده نظام‌های نظام اجتماعی کل‌اند و به نوبه‌ی خود خرده نظام‌هایی دارند.

فعالیت ۸ــ۲ برای هر یک از نظام‌های اجتماعی زیر سه خرده نظام بنویسید:

۱ــ نظام سیاسی

۲ــ نظام اقتصادی.

به‌نظر شما، آیا نظام خانواده دارای خرده نظام است؟ چرا؟

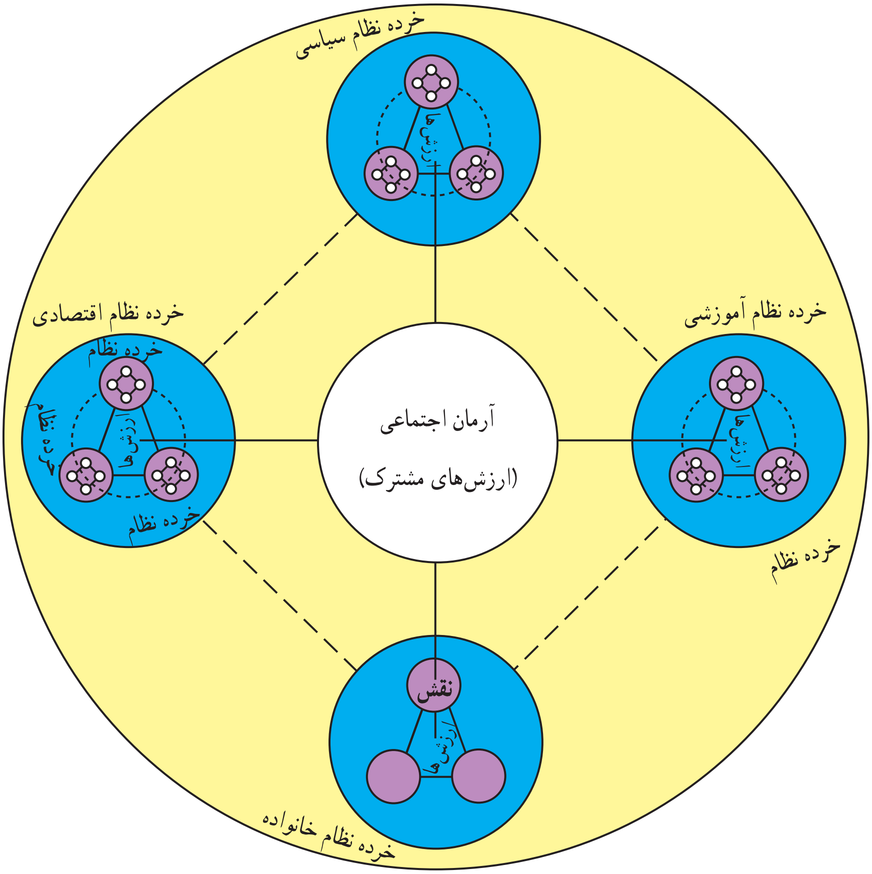
هر خرده نظام اجتماعی برای تحقق بخشیدن به اهداف نظام اجتماعی کل یا بقای آن به فعالیت‌هایی دست می‌زند که آثار و نتایج مطلوبی دارد؛ مثلاً یکی از لوازم بقای نظام اجتماعی کل، تأمین نیازهای زیستی افرادی است که در قالب نقش‌ها، وظایف گوناگونی را برعهده

1 ــ Macro Social System
2 ــ Micro Social System

دارند. بعضی از صنایع، مسئول تولید کالاهای مورد نیاز افراد جامعه‌اند.

این خرده نظام‌ها به همان ترتیبی که می‌توانند در مسیر تحقق اهداف یا بقای نظام اجتماعی کل تأثیر مطلوب بگذارند، **ممکن است نتایج نامطلوب** نیز به‌دنبال داشته باشند.

برای نمونه، همان صنایعی که کالاهای مورد نیاز افراد را تولید می‌کنند و از این جهت، در تحقق اهداف یا بقای نظام اجتماعی تأثیر مطلوب دارند، با آلوده ساختن محیط‌زیست ممکن است آثار نامطلوب و سوئی از خود به‌جا گذارند.

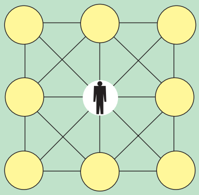


نظام اجتماعی کل

فعالیت ۹ــ۲ نظام اداری را درنظر بگیرید و موارد زیر را در آن بررسی کنید :

۱ــ آثار و نتایج مطلوب آن را ذکر کنید.

۲ــ درصورتی که بر نظام اجتماعی کل نیز تأثیرات نامطلوبی دارد، آن‌ها را بنویسید.



هماهنگی و تعادل در نظام اجتماعی کل

ارزشی که خرده نظام‌ها براساس آن شکل گرفته‌اند، جزئی از ارزش‌های نظام اجتماعی کل است. ارزشی که خرده نظام کلاس براساس آن شکل گرفته، جزئی از همان ارزشی است که نظام مدرسه و نظام آموزش و پرورش براساس آن شکل گرفته‌اند؛ بنابراین، همه‌ی خرده‌نظام‌های یک نظام اجتماعی کل، ارزش‌های آن نظام را دنبال می‌کنند.

برای مثال، اگر آرمان جامعه‌ای، رسیدن به بیش‌ترین حدّ رشد اقتصادی باشد، باید تمام خرده نظام‌های آن متناسب با این هدف سازمان یابند. در نظام آموزشی باید انضباط، کار زیاد، توقّع کم و قانع بودن، رعایت سلسله مراتب، تلاش روزافزون برای افزایش مهارت‌ها و دانستنی‌ها به دانش‌آموزان آموخته شود؛ وسایل ارتباط جمعی از پخش فیلم‌ها و برنامه‌هایی که اسراف و مصرف‌گرایی را القا می‌کنند، بپرهیزند؛ نظام اداری به‌گونه‌ای سازمان یابد که فقط افراد پرکار و منظم بتوانند در آن‌ها کار کنند. در نظام سیاسی، سیاستمداران زندگی ساده و بی‌آلایشی داشته باشند و برنامه‌هایی‌که برای اداره‌ی کشور تدوین می‌شود، همه با این هدف تنظیم شده باشند و نظام اقتصادی در تولید و توزیع، متناسب با این هدف عمل کند. در چنین شرایطی، این جامعه می‌تواند هدف خود یعنی رسیدن به بیش‌ترین حدّ رشد اقتصادی را تحقق بخشد.

نمونه‌ی دیگر، جامعه‌ای است که در آن انقلاب شده و در پی تحقق بخشیدن به ارزش‌ها و آرمان جدیدی است. اگر خرده نظام‌های مختلف جامعه ارزش‌هایی مغایر با این آرمان را دنبال کنند و براساس آرمان جدید سازمان داده نشوند، آیا انقلاب در جامعه‌ی یاد شده به اهداف و ارزش‌های خود دست خواهد یافت؟

بنابراین، درصورتی‌که خرده نظام‌های یک نظام اجتماعی کل براساس ارزش‌های هماهنگ شکل گرفته باشند، یک کلّ منسجم را تشکیل می‌دهند که همه‌ی اجزای آن در یک جهت عمل می‌کنند. این نظام اجتماعی، **نظام اجتماعی متعادل**[1] خواهد بود.

تعارض و عدم تعادل در نظام اجتماعی کل

اگر ارزش‌های خرده نظام‌های یک نظام اجتماعی کل با یکدیگر یا با ارزش‌های کلی جامعه ناسازگار باشند یا بعدها به سمت ارزش‌های مغایر کشیده شوند، تضاد و تعارض[2] بر

1 ـ Social Equilibrium　　2 ـ Conflict

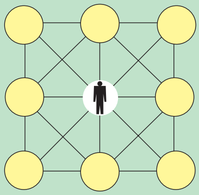
بخش‌های مختلف آن جامعه حاکم خواهد شد. در این صورت گفته می‌شود این نظام اجتماعی کل دچار عدم تعادل است ؛ مثلاً، در یک جامعه‌ی درگیرِ جنگ، هدف اصلی، پیروزی در جنگ یا دفاع در مقابل تهاجم دشمن است. در چنین حالتی، کار همه‌ی خرده نظام‌ها باید با این هدف تناسب پیدا کند ؛ در غیر این‌صورت، این جامعه در جنگ شکست خواهد خورد. اگر در چنین وضعی که همه‌ی تلاش‌ها در جهت پیروزی در جنگ سازمان یافته است، خرده نظام اقتصادی با هدف کسب بیش‌ترین سود از موقعیت استفاده کند، هدف این خرده نظام با هدف کلّی نظام اجتماعی کل نامتناسب است. این عدم تناسب، مانع دست‌یابی جامعه به هدف خویش خواهد بود.

نمونه‌ی دیگر: جامعه‌ای است که نظام آموزش و پرورش آن بر ارزش‌هایی چون قناعت، نظم، کار زیاد و... تکیه می‌کند و این ارزش‌ها را به افراد می‌آموزد ولی وسایل ارتباط جمعی آن، فیلم‌ها و برنامه‌هایی را پخش می‌کنند که در آن‌ها اسراف و تبذیر ارزش‌هایی مثبت تلقی می‌شوند یا در خانواده‌ها و میهمانی‌ها تشریفات و تجمّل به منزله‌ی ارزش‌هایی اساسی مورد تأکید قرار می‌گیرند ؛ مسلماً چنین جامعه‌ای دچار تعارض است و آن‌چه یک خرده نظام ایجاد می‌کند، توسط خرده نظام دیگر خنثی می‌شود.

مثال دیگر: فرض کنید آموزش و پرورش، افراد را منظم، وظیفه‌شناس، پرکار و تابعِ قانون تربیت کند. این افراد باید در خرده نظام‌های دیگر اقتصادی، اداری و... مشغول به‌کار شوند و هدف از آموزش رسمی هم این است که این افراد بتوانند در این خرده نظام‌ها مفید باشند. این‌گونه افراد اگر بخواهند در اداره‌ای که در آن کم‌کاری و عدم رعایت قانون رویه‌ای معمول است، مشغول به‌کار و ماندگار شوند، شاید آن‌چه را آموخته‌اند فراموش کنند یا آموخته‌های آن‌ها سبب ایجاد دوگانگی ارزشی و مشکلات دیگری برای آن‌ها شود ؛ بدین‌ترتیب، نتایج نظام آموزشی توسط نظام اداری خنثی می‌شود.

فعالیت ۱۰ ــ ۲ فرض کنید دولت در جامعه‌ای با هدف استقلال اقتصادی، تولید داخلی و صنعتگران را تشویق کند ولی در کنار این، به بخش خصوصی اجازه دهد که مصنوعاتی شبیه به ساخته‌های داخلی با قیمتی ارزان‌تر و کیفیتی بهتر از کشورهای دیگر وارد کند. نتایج این عمل چه خواهد بود؟ در این‌باره در کلاس گفت‌وگو کنید.

درس پنجم



نظام اجتماعی و فرد

پس از بررسی رابطه‌ی نظام‌های اجتماعی، اکنون موقع آن است که درباره‌ی رابطه‌ی فرد و نظام اجتماعی بحث کنیم. به‌نظر شما فرد در نظام اجتماعی چه موقعیتی دارد؟

نیاز نظام اجتماعی به فرد

با کمی تأمل درباره‌ی نظام اجتماعی، این نکته مشخص می‌شود که اگر افرادی نباشند که در نقش‌های مختلف به الگوهای عمل تحقق بخشند، واقعیتی به‌عنوان نظام اجتماعی وجود نخواهد داشت. نظام اجتماعی برای بقا و دوام خویش به افرادی نیاز دارد که نقش‌ها و الگوهای عمل تشکیل‌دهنده‌ی آن را تحقق بخشند.

جامعه‌پذیری

سؤالی که در این‌جا مطرح می‌شود این است : آیا در جامعه فرد می‌تواند هر نقشی را بر عهده گیرد یا آن را محقق سازد یا باید خصوصیاتی داشته باشد تا بتواند آن نقش‌ها را برعهده گیرد؟

فعالیت ۱۱ــ۲ نظام مدرسه را درنظر بگیرید ؛

بررسی کنید که فرد چه خصوصیاتی باید داشته باشد تا بتواند نقش معلمی را برعهده گیرد. دست‌کم پنج خصوصیت ذکر کنید.

آیا فرد این خصوصیات را از هنگام تولد به همراه دارد یا با زندگی در اجتماع آن‌ها را کسب می‌کند؟ با پاسخ گفتن به این پرسش، با مفهوم «اجتماع‌پذیری»، یا «جامعه‌پذیری[1]» آشنا می‌شوید ؛ آماده شدن فرد توسط جامعه برای برعهده گرفتن نقش‌ها را جامعه‌پذیری می‌گویند.

ــ معلمی که به دانش‌آموزان مطالبی را یاد می‌دهد ؛

ــ مادری که به فرزند خود امر و نهی می‌کند و مثلاً نحوه‌ی غذا خوردن را به او می‌آموزد ؛

ــ واعظی که نحوه‌ی رفتار مناسب در جامعه را متذکر می‌شود ؛

1 ـ Socialization

ــ تهیه‌کننده‌ی برنامه‌های رادیو یا تلویزیون که مثلاً در برنامه‌ای به افراد یاد می‌دهد که در خیابان چگونه عمل کنند ؛

ــ نویسنده‌ای که داستانی می‌نویسد و در ضمن آن، الگوهای عمل خاصی را به خوانندگان کتاب خود می‌آموزد ؛

هر یک از این‌ها، الگوهای عمل خاصی را به فرد یاد می‌دهد و او را برای برعهده گرفتن نقشی آماده می‌سازد ؛ به عبارت دیگر، فرد دارد اجتماعی می‌شود.

فعالیت ۱۲ــ۲ موارد زیر را بررسی کنید ؛

۱ــ برای برعهده گرفتن نقش مادری یا پدری، فرد باید کدام هنجارها را یاد بگیرد؟ دست‌کم پنج مورد ذکر کنید.

۲ــ او الگوهای عمل مربوط به این نقش‌ها را از کجا یا توسط چه افرادی می‌آموزد؟

جامعه افراد را به دو شکل اجتماعی می‌کند :

الف ــ از طریق درونی کردن ارزش‌ها،

ب ــ از طریق کنترل اجتماعی (مجازات).

درونی کردن ارزش‌ها: رفتارهایی را که در یک روز انجام می‌دهید، درنظر بگیرید ؛ خواهید دید که بسیاری از این رفتارها مطابق مطلوب نظام اجتماعی‌اند و شما برای انجام آن‌ها احساس اجبار نمی‌کنید بلکه با خشنودی و از روی میل آن‌ها را انجام می‌دهید و درصورتی‌که آن‌ها را انجام ندهید، خود را سرزنش می‌کنید و از آن‌چه به آن «عذاب وجدان» گفته می‌شود، رنج می‌برید.

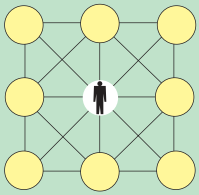
ــ برخاستن از روی صندلی اتوبوس و جا دادن به افراد مسن

ــ احترام گذاشتن به معلم و والدین

ــ و کمک کردن به کوچک‌ترها

از جمله اعمالی‌اند که در صورت انجام ندادن آن‌ها، احساس شرمندگی می‌کنید.

دروغ گفتن، اهانت به دوستان و ستم به زیردستان کارهایی‌اند که اگر آن‌ها را انجام دهید، خود را سرزنش می‌کنید و رنج می‌برید. این‌ها الگوهای عملی‌اند که جامعه به افراد یاد داده است و از آن‌ها می‌خواهد که به آن‌ها عمل کنند. افراد هم هنگام انجام دادن این الگوهای عمل احساس اجبار نمی‌کنند بلکه به‌عنوان امری مطلوب، خواهان انجام دادن آن‌هایند.



فعالیت ۱۳ــ۲ مورد زیر را بررسی کنید.

انسان مانند سایر موجــودات زنده، دوست دارد زنده بماند و از حیات خویش دفاع کند. او کاری انجام نمی‌دهد که حیات خود را به خطر انـدازد اما برای حفظ ارزش‌های انسانی حاضر است جان خویش را به خطر اندازد و ایـن کار را با اشتیاق انجام می‌دهد.

این انگیزه و اشتیاق که حتی با میل زیستی وی در تضاد است، چگونه به وجود آمده است؟

با توجه به آن‌چه گفتیم، می‌توان نتیجه گرفت :

اموری که ابتدا برای فرد دارای ارزش نیست و فرد به آن‌ها تمایلی ندارد، در طی جامعه‌پذیری اهمیت می‌یابند و به‌صورت ارزش در می‌آیند ؛این جریان را درونی کردن ارزش‌ها[1] می‌گویند.

ــ کودک از نظر زیستی به غذا نیاز دارد ولی پدر و مادر همراه با رفع نیاز وی، شیوه‌ی خاص غذا خوردن را به او یاد می‌دهند. آن‌ها با پاداش دادن (محبت کردن، گفتن کلمات محبت‌آمیز و...) به آن دسته اعمال کودک که طبق الگوهای مورد تأیید جامعه است، یا تنبیه وی (اخم کردن، قهر کردن و...) برای عمل کردن خارج از آن الگوها، شکل و شیوه‌ی خاصی از غذا خوردن را برای او ارزشمند می‌سازند. این پاداش و تنبیه، مبنای دیگر اشکال درونی کردن ارزش‌ها قرار می‌گیرد.

ــ مشاهده‌ی فیلمی که در آن رفتاری مشخص با تشویق یا موفقیتی خاص همراه است، موجب می‌شود که فرد آن رفتار را ارزشمند بداند و آن را تقلید کند.

ــ و... .

بنابراین، در جریان اجتماع‌پذیری فرد نسبت به اموری انگیزه پیدا می‌کند و به این شکل، به خدمت نظام اجتماعی درمی‌آید و داوطلبانه الگوهای عمل خاصی را محقّق می‌سازد.

فعالیت ۱۴ــ۲ پنج الگوی عملی را که بـه‌طور اختیـاری به آن‌ها عمل می‌کنید، فهرست کنید و به سؤال زیر پاسخ دهید :

چگونه این الگوهای عمل برای شما مطلوب شده‌اند؟

کنترل اجتماعی : فرد همیشه هرچه را که به او یاد بدهند، فرا نمی‌گیرد ؛

ــ با وجود تلاش بسیارِ معلمان، دانش‌آموزان بسیاری هستند که الگوهای عمل

1 ــ Internalization of Value Orientations

یادداده شده را فرا نمی‌گیرند.

ـ با وجود تذکّر وسایل ارتباط جمعی، شهروندان بسیاری هستند که قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت نمی‌کنند.

ـ با وجود هشدارهای تکان‌دهنده‌ی والدین، معلمان و رسانه‌های جمعی در خصوص عوارض سیگار کشیدن و اعتیاد به موادّ مخدّر، بعضی از جوانان به دام می‌افتند و زندگی خود، خانواده و دیگران را تباه می‌سازند.

در چنین مواردی، افراد را از راه‌های دیگر به رعایت الگوهای عمل وادار می‌سازند.

در صورتی‌که فرد الگوهای عمل مشخص جامعه را محقق نسازد، با اجبار جامعه روبه‌رو خواهد شد که از آن به مجازات یاد می‌شود.

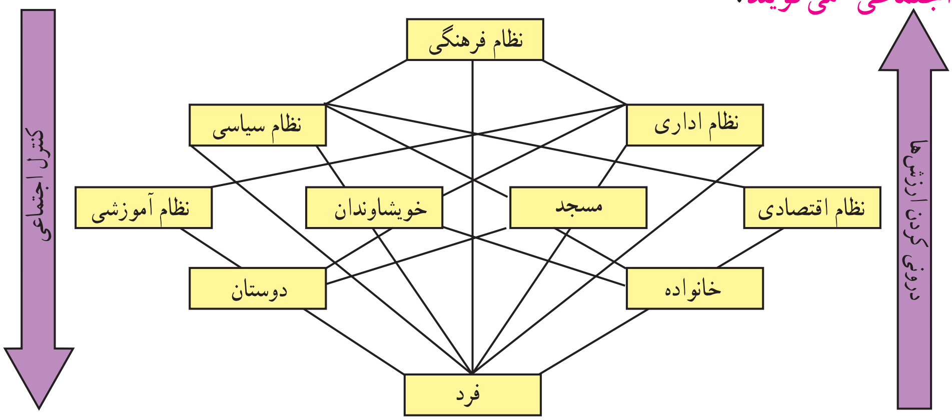
ـ سرزنش فرزندان توسط والدین؛

ـ بی‌مهری دوستان نسبت به فردی‌که هنجارهای گروه را رعایت نکرده است؛

ـ محکوم شدن مجرم به مجازات زندان؛

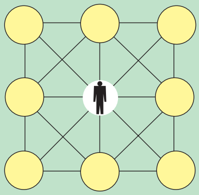
مواردی‌اند که در آن‌ها جامعه فرد را به دلیل رعایت نکردن هنجارها مجازات می‌کند. هدف از این مجازات‌ها، واداشتن فرد به رعایت الگوهای عمل است.

بنابراین، همان‌طورکه گفتیم، جامعه افراد خود را از راه درونی کردن ارزش‌ها و نیز اِعمال مجازات، اجتماعی می‌کند. اجتماعی کردن افراد را از طریق اعمال مجازات کنترل اجتماعی[1] می‌گویند.



فرد و نظام اجتماعی

1 ـ Social Control



پرسش‌های فصل

۱ــ نقش چه مفهومی دارد؟ رابطه‌ی آن را با هنجار بیان کنید.

۲ــ در جامعه، چه عاملی نقش‌های مختلف را به یکدیگر پیوند می‌دهد؟

۳ــ ویژگی‌های مفهوم «نظام» را بیان کنید.

۴ــ اگر در یک نظام اجتماعی، خرده نظام‌ها با یکدیگر هماهنگی نداشته باشند، چه مسائلی پیش می‌آید؟

۵ــ «جامعه‌پذیری» چیست و با بقای نظام اجتماعی چه رابطه‌ای دارد؟

۶ــ مفهوم «کنترل اجتماعی» چیست؟ رابطه‌ی آن را با جامعه‌پذیری توضیح دهید.

۷ــ مفاهیم «درونی کردن ارزش‌ها» و «کنترل اجتماعی» را مقایسه کنید.

۸ــ مدرسه را به‌عنوان یک نظام اجتماعی درنظر بگیرید ؛ درباره‌ی آن فکر کنید و به پرسش‌های زیر پاسخ دهید :

الف ــ در نظام اجتماعی مدرسه چه نقش‌هایی وجود دارند؟

ب ــ آثار و نتایج مطلوب این نظام اجتماعی چیست؟

۹ــ یک نظام اجتماعی را درنظر بگیرید و خرده نظام‌های آن را معین کنید.

۱۰ــ نظام اجتماعی متعادل چیست؟ چه عواملی باعث به هم خوردن تعادل نظام اجتماعی می‌شود؟

مروری بر فصل

۱ــ در زندگی اجتماعی برای تأمین نیازهای مختلف افراد، تقسیم کار به‌وجود آمده و بر اثر تقسیم‌کار نقش‌هایی مختلف در جامعه شکل گرفته است.

۲ــ نقش عبارت است از جایگاهی که فرد با قرار گرفتن در آن، ملزم به رعایت الگوهای عمل خاصی می‌شود.

۳ــ وظایف یک نقش، مجموعه‌ی رفتارها و الگوهای عملی که از فردی که آن نقش را پذیرفته یا به او نسبت داده شده است، انتظار می‌رود آن‌ها را انجام دهد.

۴ــ به مجموعه‌ی الگوهای عملی که فرد در نقش خاصّ خود انتظار دارد دیگران نسبت به او انجام دهند، حقوق آن نقش گفته می‌شود.

۵ــ ارزش‌های مشترک افراد در یک گروه یا جامعه، نقش‌های مختلف را به یکدیگر پیوند می‌دهند.

۶ــ به مجموعه‌ی نقش‌های متقابل به‌هم پیوسته که برای تحقّق ارزشی مشخص با هم پیوند یافته و به‌صورت واحدی یکپارچه درآمده‌اند، «نظام اجتماعی» گفته می‌شود.

۷ــ در یک نظام اجتماعی، خرده نظام‌های مختلف وجود دارند که برای تحقّق ارزش‌های (هدف‌های) مشترک نظام اجتماعی جامعه با یکدیگر وحدت یافته‌اند.

۸ــ در یک نظام اجتماعی، هر نقش دارای آثار و نتایجی است.

۹ــ در صورتی که خرده نظام‌های یک نظام اجتماعی کل بر اساس ارزش‌های هماهنگ شکل گرفته باشد، همه‌ی اجزای آن در یک جهت عمل می‌کنند که به آن «نظام اجتماعی متعادل» گفته می‌شود.

۱۰ــ اگر ارزش‌های خرده نظام‌های یک نظام اجتماعی کل با یکدیگر یا با ارزش‌های کلی جامعه ناسازگار باشند، آن نظام اجتماعی کل، دچار عدم تعادل است.

۱۱ــ جامعه از طریق جامعه‌پذیر کردن افراد، صلاحیت لازم را برای ایفای نقش‌های اجتماعی مختلف‌درآن‌ها به‌وجود می‌آورد.

۱۲ــ در جریان زندگی اجتماعی، اموری که برای فرد مهم نیست و او به آن‌ها تمایلی ندارد، برای وی مهم می‌شود و به‌صورت ارزش درمی‌آید. به این جریان، «درونی کردن ارزش‌ها» می‌گویند.

۱۳ــ جامعه، افراد را با اجبار به انجام دادن عمل و تحقّق الگوهای عمل وادار می‌سازد. اجتماعی کردن افراد را از طریق اعمال مجازات، «کنترل اجتماعی» می‌گویند.

فصل سوم

نظام خانواده

انتظار می‌رود دانش‌آموز در پایان این فصل بتواند :

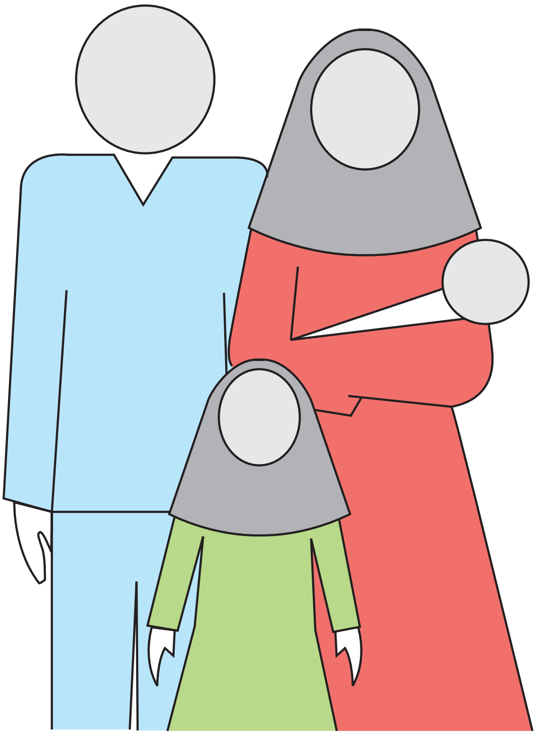
۱ــ مفهوم خانواده را با توجه به ویژگی‌های بارز آن شرح دهد.

۲ــ ضرورت و اهمیت تشکیل خانواده را توضیح دهد.

۳ــ آثار و نتایج خانواده را بر نظام اجتماعی کل با یکدیگر مقایسه کند.

۴ــ نقش خانواده را در زندگی فرد تجزیه و تحلیل کند.

۵ــ مسائل اساسی خانواده را تشریح کند.



خانواده، یک نظام اجتماعی

شما در گروه‌های مختلفی چون گروه‌های ورزشی، مذهبی، سیاسی، هنری، سنی و ... عضویت دارید.

خانواده نیز یک گروه اجتماعی است. آیا می‌دانید چرا؟ گروه‌های گوناگون در بعضی چیزها شبیه به یکدیگرند و در بعضی چیزها نیز با هم تفاوت دارند.

از جمله ملاک‌هایی که این گروه‌ها را از هم متمایز می‌سازد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :

ــ بزرگ یا کوچک بودن

ــ میزان دوام و پایداری

ــ میزان نظم گروهی

ــ نحوه‌ی عضویت و ورود به گروه

ــ چگونگی روابط اعضا با یکدیگر (میزان صمیمیت)

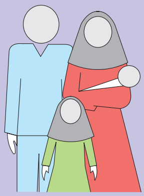
ــ ارزش‌ها و هنجارهای گروه

ــ و ... .

فعالیت ۱ــ۳ با توجه به ملاک‌های ذکر شده، درباره‌ی تفاوت‌های گروه خانواده با گروه‌های ورزشی، مذهبی، سیاسی و هنری که ممکن است شما عضو آن‌ها باشید، در کلاس بحث و گفت‌وگو کنید.

با انجام دادن، فعالیت ۱ــ۳ درمی‌یابید که گروه خانواده با گروه‌های دیگر تفاوت‌های اساسی دارد ؛ مثلاً :

ــ اگر حتی به گذشته‌های دور برگردیم و از نخستین گروه‌هایی که انسان‌ها تشکیل داده‌اند، سراغ بگیریم، زنان و مردانی را خواهیم یافت که در قالب یک خانواده با هم زندگی می‌کنند ؛ بنابراین، سابقه‌ی تشکیل خانواده بسیار بیش‌تر از گروه‌های دیگر است.



ــ گروه‌های دیگر چه بسا پس از مدتی از هم بپاشند و از بین بروند، امّا زن و مردی که با هم ازدواج می‌کنند، اغلب تا پایان عمر با هم خواهند بود.

ــ افراد اغلب برای ارضای یکی از تمایلات خود به عضویت گروه‌های دیگر درمی‌آیند؛ برای مثال، برای انجام دادن فعالیت‌های سیاسی در انجمن‌های سیاسی عضو می‌شوند یا برای گذران اوقات فراغت و انجام دادن فعالیت‌های دسته جمعی عضویت گروه‌های سنی را می‌پذیرند اما در خانواده، زن و مرد در موارد زیادی با یکدیگر مشارکت دارند؛ به همین جهت، **رابطه‌ی افراد در خانواده عمیق‌تر و گسستن آن دشوارتر است.**

ویژگی‌های خانواده و اثرگذاری‌های آن بر فرد و جامعه ــ که در درس‌های آینده بررسی خواهند شد ــ موجب شده است تا نقش‌ها و الگوهای عمل این گروه (خانواده) بیش از هر گروه دیگری پابرجا و پایدار باقی بماند؛ تا آن جا که افراد پیش از آن که خانواده را یک گروه بدانند، به آن به منزله‌ی یک **نظام اجتماعی** توجه می‌کنند و در طول زندگی در پی آن هستند که چگونگی عمل کردن در نقش‌های مختلف آن را بیاموزند؛ مثلاً :

ــ کودکان در بازی‌های خود نقش‌های پدر، مادر، فرزند، زن و شوهر را بارها و بارها بازی می‌کنند؛

ــ جوان‌ها در جریان زندگی با والدین، رابطه با خویشاوندان و مشاهده‌ی رفتار خانواده‌ها خود را برای ایفای نقش در نظام اجتماعی خانواده آماده می‌سازند؛

ــ بزرگ‌ترها در گفت‌وگوهای خود با دیگران و مطالعه‌ی کتاب و مجله در پی آن هستند که زندگی را در خانواده مطبوع‌تر سازند.

بنابراین، می‌توان خانواده را از دو جهت بررسی کرد :

الف ــ خانواده به عنوان یک گروه؛ یعنی، مجموعه‌ای از افراد که خود را «ما» تلقی می‌کنند و با یکدیگر تعاملی نسبتاً پایدار و منظم دارند؛

ب ــ خانواده به عنوان یک نظام اجتماعی؛ یعنی، مجموعه‌ای از نقش‌های اجتماعی متقابل به هم پیوسته که برای تحقق بخشیدن به هدفی مشخص با هم پیوند یافته‌اند.

با پذیرش این نکته که خانواده یک نظام اجتماعی است، این پرسش‌ها مطرح می‌شود :

ــ خانواده از چه نقش‌هایی تشکیل شده است؟
ــ الگوهای عمل مربوط به هر نقش چیست؟
ــ رابطه‌ی این الگوهای عمل با یکدیگر چگونه است؟
ــ نظام اجتماعی خانواده حول کدام ارزش‌ها سازمان می‌یابند؟

مجموعه‌ی نقش زن و شوهری

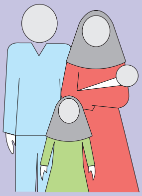
ابتدا فرض می‌کنیم افراد تشکیل دهنده‌ی خانواده یک زن و مرد بدون فرزند هستند. در چنین حالتی، تنها دو نقش زن و شوهری وجود دارد. هر یک از این نقش‌ها الگوهای عملی دارد و در واقع، آن نقش از آن الگوهای عمل تشکیل شده است.

فعالیت ۲ــ۳ برای هر یک از نقش‌های زن و شوهری، پنج الگوی عمل بنویسید. برای انجام این کار، می‌توانید کارهایی را که افراد خانواده به عنوان زن یا شوهر انجام می‌دهند، فهرست کنید؛ سپس مشخص کنید که افراد برای انجام دادن کدام یک از این کارها اجبار دارند؛ یعنی، اگر آن اعمال را انجام ندهند، با بی‌مهری اعضای خانواده یا دیگران روبه‌رو می‌شوند، اقوام و آشنایان آن‌ها را سرزنش می‌کنند یا قانون و حکومت آن‌ها را مورد بازخواست قرار می‌دهند؛ برای نمونه:

الگوهای عمل نقش شوهر	میزان اجبار و الزام
ــ نفقه دادن	اگر شوهری از دادن نفقه به همسرش خودداری کند، مورد بازخواست قانونی قرار می‌گیرد.
ــ رعایت احترام همسر در مقابل دیگران	اگر شوهری در حضور دیگران به همسرش توهین کند، دیگران او را سرزنش می‌کنند.

مجموعه‌ی نقش پدری ــ مادری ــ فرزندی

اکنون فرض کنید که در خانواده به مجموعه‌ی زن و مرد فرد سومی به عنوان فرزند اضافه شود. در این صورت، همراه با افزایش تعداد اعضای خانواده، دو نقش پدری و



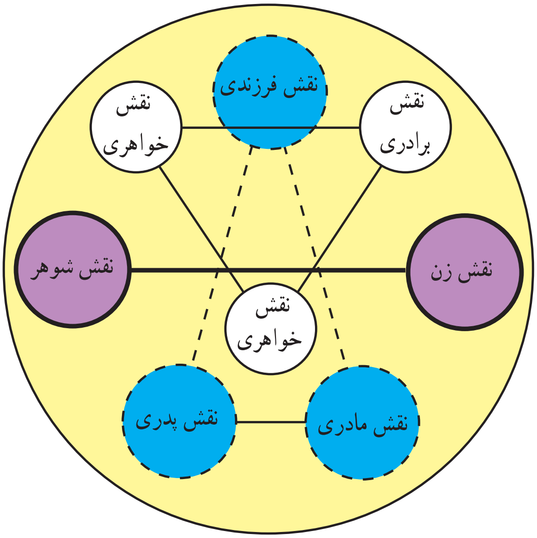
مادری نیز در خانواده مطرح می‌شود ؛ بنابراین، در کنار مجموعه‌ی نقش زن و شوهری، مجموعه‌ی نقش پدر ــ مادر ــ فرزند نیز شکل می‌گیرد. هر یک از این نقش‌ها نیز الگوهای عمل خاصّ خود را دارد.

فعالیت ۳ ــ ۳ برای هر یک از نقش‌های زیر پنج الگوی عمل بنویسید :

۱ــ نقش پدری

۲ــ نقش مادری

۳ــ نقش فرزندی.



خانواده به منزله‌ی یک نظام اجتماعی

خانواده و نظام اجتماعی کل

هنگامی که خانواده را به عنوان یک نظام اجتماعی در نظر می‌گیریم، لازم است **تأثیرات** آن را بر بقا و رشد نظام اجتماعی کل و نظام‌های اجتماعی دیگر بررسی کنیم.

این مطلب را می‌توان با طرح یک پرسش دنبال کرد: جامعه از نبود خانواده چه زیان‌هایی می‌بینند؟

فعالیت ۴ــ ۳ اگر در یک لحظه، همه‌ی افراد جامعه از زندگی در قالب نظام خانواده سر باز زنند و نقش‌های زن و شوهری و پدر و مادری خویش را رها کنند، چه وضعی پیش خواهد آمد؟

درباره‌ی نتایج حاصل از این وضع، در کلاس گفت‌وگو کنید.

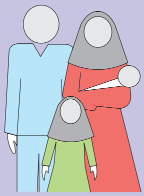
شما با پاسخ‌گویی به این پرسش، تأثیرات خانواده را بر نظام اجتماعی کل خواهید شناخت؛ تأثیرات و نتایجی مانند اجتماعی کردن فرزندان، مراقبت و نگهداری از کودکان، ناتوانان و سالمندان، تولید نسل و ... .

مثلاً :

ــ افراد نمی‌توانند مفید باشند؛ مگر این‌که جامعه‌پذیر شوند و خانواده نخستین زمینه‌ی جامعه‌پذیری است که کار خود را از لحظه‌ی تولد فرد آغاز می‌کند. با وجود این که در جامعه‌های جدید، عواملی غیر از خانواده نقش بسیاری در جامعه‌پذیر کردن افراد دارند ولی خانواده هنوز هم نخستین و مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری است.

ــ افراد به غذا، پناهگاه و مراقبت نیاز دارند و در محیط خانواده این نیازها تأمین می‌شود. به ویژه، اعضای فعال و توانای خانواده از سایر اعضا که به دلیل خردسالی، پیری یا ناتوانی قادر به مراقبت از خود نیستند، مراقبت و نگهداری می‌کنند.

ــ یک جامعه بدون داشتن **نظامی** برای جایگزینی اعضای آن جامعه از نسلی به نسل دیگر قادر به ادامه‌ی حیات نیست. خانواده امکانی را فراهم می‌سازد که از طریق آن، این



جایگزینی تحقق یابد.

آثار و نتایج نامناسب خانواده

همان‌طورکه در فصل گذشته اشاره کردیم، هر نظام اجتماعی در کنار **تأثیرات مطلوبی** که بر نظام اجتماعی کل دارد، ممکن است **تأثیرات نامطلوبی** هم بر آن بگذارد. نظام خانواده نیز از این امر مستثنا نیست؛ مثلاً :

ــ خانواده همان‌طورکه بر مراقبت و نگهداری فرزندان و اجتماعی کردن آن‌ها تأثیرات مناسب فراوانی دارد اما گاه به دلیل توجه بیش از حدّ پدر و مادر، فرزند فردی **متکی به غیر** بار می‌آید.

هم‌چنین ممکن است با تغییر شرایط جامعه، آثار و نتایج مطلوب یک نظام اجتماعی به آثار و نتایجی نامطلوب و نامناسب برای نظام اجتماعی کل تبدیل شود؛ مثلاً :

ــ تولیدمثل که در طول تاریخ یکی از آثار مهم وجود خانواده بر نظام اجتماعی کل بوده است، در شرایطی مانند شرایط امروز جامعه در صورتی که از **حدّ معیّنی** درگذرد، آثار نامطلوبی به دنبال دارد امروز در بعضی جوامع این مسئله به صورت یک مشکل اجتماعی در آمده است.

مشکل رشد سریع جمعیت

برای درک بهتر این مطلب که چرا امروز در بعضی جوامع از جمله جامعه‌ی ما، تولید نسل با گذشتن از حدّ معیّنی تأثیرات نامطلوبی به جا می‌گذارد، لازم است نخست شرایط جامعه‌ای را در نظر بگیریم که در آن داشتن فرزند زیاد نه تنها برای خانواده و نظام اجتماعی نامطلوب نبوده، موهبتی نیز به حساب می‌آمده است. سپس بررسی کنیم که چه تغییراتی در این شرایط به وجود آمده و حاصل این تغییرات چه بوده است.

بنابراین، ابتدا زمانی را تصور کنید که :

ــ بهداشت در سطح پایینی بود و بسیاری از نوزادان در آغاز تولد یا سال‌های اولیه‌ی زندگی بر اثر بیماری‌های مختلف از بین می‌رفتند و در هر خانواده فقط تعداد معدودی از فرزندان باقی می‌ماندند؛

ــ بیماری‌های مختلف، قحطی، خشک‌سالی و جنگ‌های خانمان‌سوز در کمین زندگی بشر نشسته بودند ؛

ــ کودکانی که زنده می‌ماندند سرمایه شناخته شده، به سرعت وارد بازار کار و تولید می‌شدند. آن‌ها از دوران کودکی به کشاورزی یا کارهای دستی می‌پرداختند و بزرگ‌تر که می‌شدند، با شاگردی در کنار دست استادکار و کسب تجاربی از بزرگ سالان، به عنوان نیروی کار ماهر در اقتصاد خانواده و تولید اقتصادی نقش داشتند ؛

ــ زندگی بسیار ساده بوده و زوج‌های جوان از زندگی مشترک خود انتظارات زیادی نداشتند ؛

در چنین شرایطی، رشد جمعیت سریع نبود و داشتن فرزند زیاد، هم برای خانواده و هم برای جامعه موهبتی محسوب می‌شد.

پرسشی که در این جا مطرح می‌شود، این است که امروزه چه تغییراتی در این شرایط به وجود آمده است.

ممکن است بگویید :

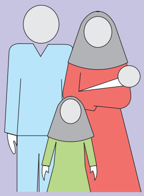
ــ با رشد علم و صنعت در روزگار جدید و گسترش بهداشت، مرگ نوزادان در سال‌های اولیه‌ی تولد کاهش یافت و جمعیت به سرعت رشد کرد ؛

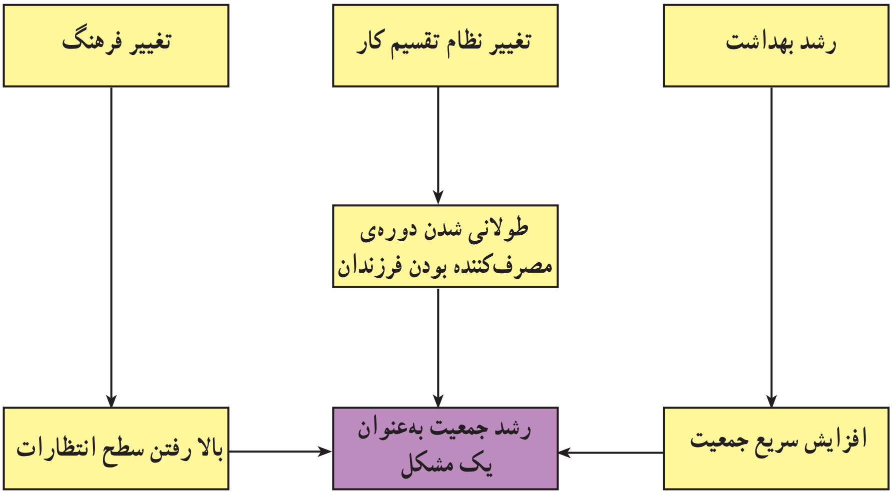
ــ رشد صنعت همراه با رشد سریع جمعیت، نظام تقسیم کار را در جامعه دگرگون کرد. افراد باید سال‌های زیادی را برای یادگیری دانسته‌های جدید در مدارس سپری کنند تا بتوانند کارهای تخصصی جدید را بر عهده گیرند ؛ بنابراین، فرزندان با سرعت گذشته وارد بازار کار و تولید نمی‌شوند و سال‌ها به عنوان مصرف کننده در خانواده باقی می‌مانند ؛

ــ با تغییر فرهنگ عمومی و گسترش شیوه‌های جدید زندگی، انتظارات و توقعات افراد در مورد شرایط مطلوب زندگی تغییر کرده است. زوج‌های جوان به دنبال مسکن مستقل‌اند و کم‌تر حاضر می‌شوند در کنار خانواده‌های خویش زندگی کنند.

به دنبال این تغییر شرایط، تولید نسل که یکی از آثار و نتایج مهم و ضروری وجود خانواده است با گذشتن از حدّ معیّن، تأثیرات نامطلوب خود را بر جوامع آشکار ساخت، به‌خصوص در بعضی جوامع که رشد بهداشت موجب کاهش مرگ‌ومیر و در نتیجه، رشد جمعیت شد. این

امر در شرایطی به وقوع پیوست که تغییر در سایر بخش‌های نظام اجتماعی به این سرعت نبود و در نتیجه، عدم تعادل در جامعه به‌وجود آمد.





مشکل رشد جمعیت

آثار نامطلوب رشد سریع جمعیت

آثار زیان‌بخش رشد سریع جمعیت در بعضی از کشورها مطلبی نیست که بر کسی پوشیده باشد؛ برای نمونه، در این جا یکی از این آثار را ذکر می‌کنیم و ذکر موارد دیگر را به شما وامی‌گذاریم تا به کمک معلم و با استفاده از مطبوعات و اندیشه‌ی خودتان آن‌ها را فهرست کنید.

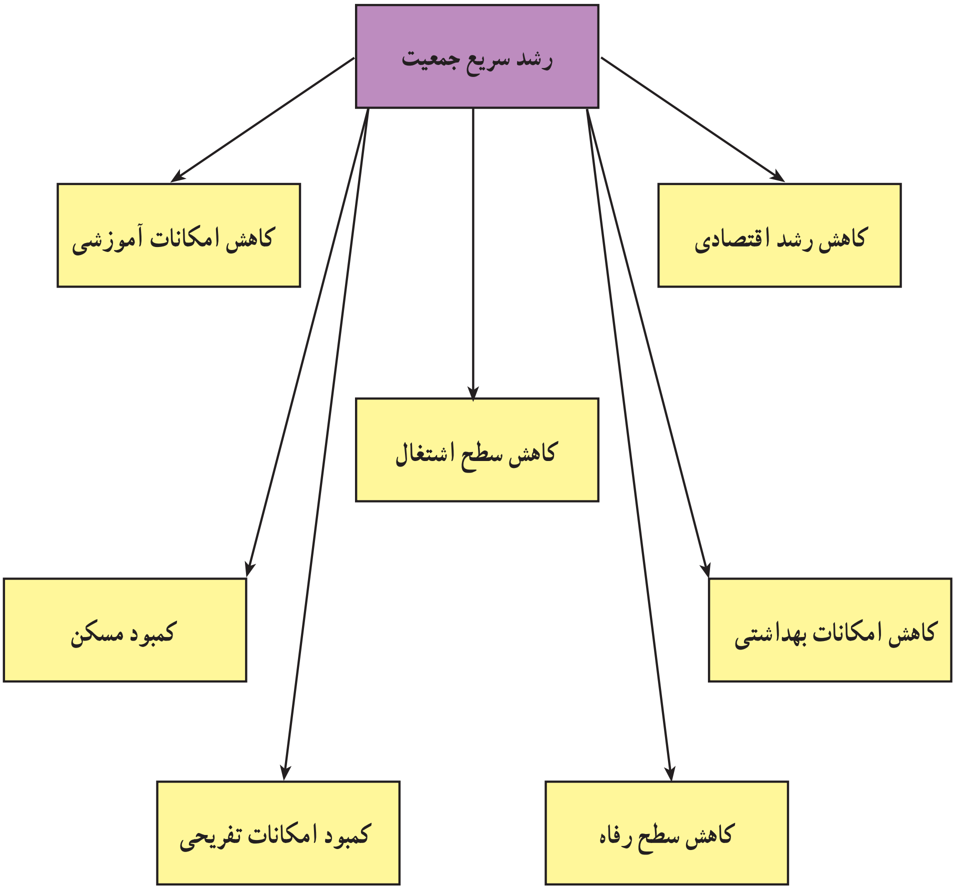
برای کشورهایی با رشد جمعیت بالا، حدود ۴۰ درصد از جمعیت را افراد زیر ۱۵ سال تشکیل می‌دهند؛ یعنی جمعیتی مصرف کننده که به امکانات آموزشی، تفریحی، بهداشتی و ... نیاز دارد و در مقابل، تولیدی ندارد. در چنین شرایطی، با فرض این که کشور از رشد بالای اقتصادی هم برخوردار باشد، نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیاز و مصرف این جمعیت باشد و روزبه‌روز عقب‌مانده‌تر خواهد شد. شاید بگویید چگونه؟

اگر کشوری در سال ۲ درصد رشد اقتصادی و در مقابل ۳ درصد رشد جمعیت داشته باشد، از نظر اقتصادی به شرایطی پایین‌تر از گذشته تنزل خواهد کرد؛ زیرا برای

کشورهایی با این میزان رشد جمعیت، امکان سرمایه‌گذاری‌های مهم و تولیدی هم وجود ندارد تا بتوانند همین ۲ درصد رشد را هم داشته باشند ؛ چون کشور باید امکانات سرمایه‌ای خود را برای تولید مواد مصرفی این جمعیت انبوه و در حال افزایش صرف کند.

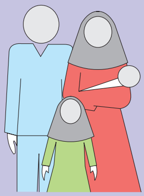
فعالیت ۵ ــ۳ گفت‌و‌گو کنید.

چگونه رشد سریع جمعیت می‌تواند بر آموزش و تعداد بی‌سوادان، وضع مسکن، مهاجرت، اشتغال، امکانات تفریحی، رفاهی و بهداشتی اثر منفی داشته باشد.



آثار نامطلوب رشد جمعیت

درس سوم



خانواده و فرد

در درس گذشته، تأثیرات خانواده را بر نظام اجتماعی بررسی کردیم. در این درس، به رابطه‌ی خانواده و فرد و تأثیراتی که خانواده بر فرد دارد، می‌پردازیم.

خانواده و شکل‌گیری شخصیت

فعالیت ۶ــ۳ چهار توانایی خود را در سه مرحله‌ی آغاز تولد، کودکی و زمان حاضر در زمینه‌های گوناگون مانند اندیشیدن، درک امور، شناخت خوب و بد، داشتن احساسات خاص، انجام کارها و ... را مانند نمونه‌ی زیر با یکدیگر مقایسه کنید و به این پرسش پاسخ دهید :

این توانایی‌ها را از کجا و چگونه کسب کرده‌اید؟

نوع توانایی	آغاز تولد	کودکی	زمان حاضر	نحوه‌ی کسب توانایی‌ها
اندیشیدن	چیزی نمی‌دانستم.	به امور عینی فکر می‌کردم.	توانایی تفکر امور انتزاعی را دارم.	از طریق رفتار والدین، کارهای گروهی، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی

شما با انجام دادن فعالیت یاد شده بهتر درمی‌یابید که به عنوان یک جوان می‌توانید کارهای زیادی انجام دهید ؛ می‌توانید درباره‌ی امور مختلف بیندیشید و اظهارنظر کنید ؛ نسبت به امور مختلف احساسات و عواطف خاصی داشته باشید ؛ انجام اموری را نادرست و اموری را درست بدانید ؛ اگر کار نادرستی انجام می‌دهید، ناراحت شوید و احساس گناه کنید.

شما همچنین با پاسخ‌گویی به پرسش مطرح شده با نقش خانواده در نگهداری و مراقبت از فرزندان و مهم‌تر از آن، با چگونگی اجتماعی کردن آن‌ها آشنا می‌شوید ؛

ــ فرد در خانواده متولد می‌شود و والدین یا دیگر اعضای خانواده از او مواظبت

می‌کنند. این کم‌ترین کاری است که هر خانواده در مورد فرزندان خود انجام می‌دهد.

ــ مهم‌تر این‌که خانواده بر شکل‌گیری شخصیت فرد ــ به عنوان عضوی از اجتماع، موجودی متفکر و دارای اراده و شناخت ــ تأثیر زیادی دارد؛ زیرا:

با رشد جسمانی کودک، روان او نیز در ارتباط با محیط و انسان‌های دیگر شکل می‌گیرد و رشد می‌یابد. خانواده نخستین محیط اجتماعی است که فرد در آن قرار می‌گیرد و والدین و اطرافیان کودک نیز نخستین انسان‌هایی‌اند که با وی ارتباط برقرار می‌کنند. نوع رفتار آن‌ها در اعمال، اندیشه‌ها و احساسات و به طور کلی شخصیت فرد تأثیرات عمده‌ای دارد؛ مثلاً:

ــ نوع رفتار والدین با کودک

ــ تعداد افرادی که با کودک رابطه دارند

ــ فرزند چندم خانواده بودن

ــ نوع رفتار والدین با فرزندان

ــ نوع رفتار والدین با یکدیگر

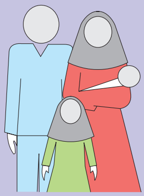
همگی در شخصیت فرد تأثیرات عمده‌ای دارند.

ــ اگر فرد در خانواده‌ای رشد یابد که در آن تصمیم‌گیری در همه‌ی امور به عهده‌ی مرد است، نظر او در مورد موقعیت زن متفاوت است با نظر فردی که در خانواده‌ای بزرگ شده است که در آن والدین به طور مشترک تصمیم‌گیری می‌کنند.

ــ فردی که در بزرگ‌سالی در تصمیم‌گیری مشکل دارد، می‌تواند ریشه‌های این تردید را در تعارض‌های رفتاری و گفتاری بزرگ‌ترها در دوران کودکی خویش جست‌وجو کند.

ــ آن چه به عنوان وجدان در فرد شکل می‌گیرد و از درون، رفتار او را کنترل می‌کند، عمدتاً حاصل عمل و گفتار والدین و اعضای خانواده در کودکی است.

بنابراین، فرد نه تنها از نظر جسمی مدیون خانواده است، مهم‌تر از آن، از نظر روانی و شخصیتی نیز تحت تأثیر خانواده قرار دارد.



خانواده و نقش ارشادی و حمایتی

شاید تصور کنید که نقش خانواده محدود به دوره‌ی کودکی فرد است و در اموری که ذکر شد، خلاصه می‌شود ولی با کمی تأمل می‌توانید نقش خانواده را در دوره‌ای که فرد آموزش رسمی را در مدرسه آغاز می‌کند، در دوره‌ی جوانی و سپس در امر ازدواج و تشکیل خانواده و پس از تشکیل خانواده نیز دریابید.

فعالیت ۷ــ۳ الف ــ فکر می‌کنید اگر خانواده نباشد، شما در ادامه‌ی تحصیل با چه مشکلاتی روبه‌رو می‌شوید؟ به چهار مورد از نقش‌های ارشادی و حمایتی خانواده خود در این زمینه اشاره کنید.

ب ــ زندگی یک زوج جوان از خویشاوندان یا آشنایان خود را در نظر بگیرید. چهار مورد از نقش‌های ارشادی و حمایتی خانواده‌های آن‌ها را بنویسید.

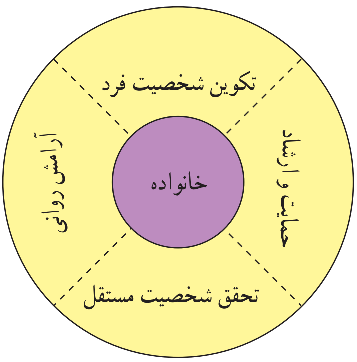
خانواده و حمایت عاطفی

انسان به محبت، صمیمیت، عشق و آرامش روانی نیاز دارد و خانواده اولین زمینه‌ی اجتماعی است که این نیازهای عاطفی و اساسی در آن برآورده می‌شود.

فردحتی پس از ازدواج نیز به نحوی دیگر ــعلاوه بر آن چه گفتیمــ مدیون خانواده است. با تشکیل خانواده فرد از نظر عاطفی آرامش می‌یابد و از سردرگمی‌ها، خستگی‌ها و تلاطم‌های روانی او کاسته می‌شود؛ تا آن جا که خانه برای وی به صورت مأمنی در می‌آید که پس از فراغت از کار و درگیری‌های روزمره در آن به آسودگی خاطر دست می‌یابد.

خانواده و تحقق شخصیت مستقل

خانه و خانواده‌ی جدید، جایگاهی است که فرد می‌تواند شخصیت مستقل خویش را در آن تحقق بخشد. مرد با کار مستقل در بیرون و زن با کار در منزل یا بیرون از آن و هر دو با تلاش برای تربیت فرزند، شخصیت مستقل خویش را تحقق می‌بخشند و در عین‌حال،



فرد و خانواده

آینده و زندگی اجتماعی کودک خود را رقم می‌زنند.

از آن چه در درس‌های دوم و سوم گذشت، می‌توان نتیجه گرفت :

اگر چه نقش نظام خانواده در زندگی اجتماعی کم‌تر از گذشته شده است ولی این نقش هم چنان نقشی اساسی و عمده است و برای آن جایگزینی نیافته‌اند. بعضی صاحب‌نظران برای حذف نظام خانواده طرح‌هایی ارائه دادند و بعضی هم آن‌ها را به اجرا در آوردند ولی همه‌ی این طرح‌ها با شکست روبه‌رو شدند. خانواده به منزله‌ی یک خُرده نظام ضروری که هم سلامت فرد و هم بقای جامعه را تأمین می‌کند، هم‌چنان به حیات خویش ادامه می‌دهد[۱].

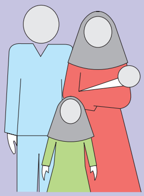
دلیل بقا و پایداری نظام خانواده را در طول تاریخ می‌توان در دو نکته‌ی زیر یافت :

اوّل ــ نقش مهم و غیرقابل انکار خانواده در زندگی فرد (که به تفصیل دراین درس بررسی شد) ؛

دوم ــ نقش گسترده و تعیین کننده‌ی خانواده در نظام اجتماعی کل ؛ به گونه‌ای که حذف آن، نظام اجتماعی را با هزینه‌های سرسام‌آوری روبه‌رو خواهد کرد.

درباره‌ی این نکته نیز در درس گذشته سخن گفته‌ایم.

۱ــ برای مثال، می‌توان از کشور شوروی (سابق) و رژیم اشغالگر قدس نام برد که برای فروپاشی بنیان خانواده تلاش‌هایی کردند ولی توفیقی به دست نیاوردند.



درس چهارم

آسیب‌های نظام خانواده (۱)

با وجود اهمیتی که خانواده برای فرد دارد و نیازهای متعدد فرد در خانواده برطرف می‌شود، گاهی خانواده به جای این‌که محلّ امن و آرامش و ارضای عاطفی و جایگاهی برای تحقق شخصیت مستقل افراد باشد، به جایگاهی برای جدال و دعوا تبدیل می‌شود و به‌جای این‌که برای آن‌ها آثار و نتایج مطلوبی دربرداشته باشد، آثاری مخرب دارد؛ تا آن‌جا که به جهنمی تبدیل می‌شود که زن و مرد و به تبع آنان فرزندان در آن می‌سوزند. در چنین حالتی، جدایی و طلاق به ظاهر تنها راهی است که مطلوب به نظر می‌رسد.

هم‌چنین، خانواده با همه‌ی آثار مطلوبی که بر فرزندان دارد، گاه برای آنان جایگاه نامناسب و نامطلوبی است به خصوص در سنین نوجوانی که گاه درگیری‌هایی میان فرزندان و والدین ایجاد می‌شود.

ــ به راستی چرا چنین وضعی پیش می‌آید؟

ــ چرا بعضی از زن و شوهرها نمی‌توانند با هم زندگی کنند؟

ــ چرا بعضی از فرزندان از زندگی در خانواده‌ی خویش ناخشنودند؟

پاسخ این پرسش‌ها را در همین درس، در بخش‌هایی با عناوین «ناسازگاری زن و شوهر در خانواده» و «ناسازگاری فرزندان و والدین» می‌توانید بیابید.

ناسازگاری زن و شوهر در خانواده

اگر پای درد دل همسرانی که با هم اختلاف دارند بنشینید، خواهید دید دلایلی که آن‌ها برای اختلافات خویش ذکر می‌کنند، بی‌شمار است؛ از ندادن نفقه تا عدم توجّه به خواسته‌های همسر، طرز رفتار، نوع لباس پوشیدن و ... .

در صورتی که بخواهیم به این دلایل بسنده کنیم، هیچ‌گاه نمی‌توانیم علت یا علل واحد و مشترکی برای اختلاف زن و شوهر بیابیم. به هر حال، در میان همه‌ی دلایلی که برای وجود اختلافات

میان زن و شوهرها مطرح می‌شود، یک وجه مشترک می‌توان یافت و آن برآورده نشدن انتظارات دو طرف است.

ــ زنی که از شوهرش انتظار احترام نسبت به اقوام خود را دارد و او این انتظار را برآورده نساخته (آگاهانه یا ناآگاهانه)، از شوهر خویش ناراضی است.

ــ مردی که انتظار داشته است همسرش غذای مورد علاقه‌ی او را تهیه کند و زن قادر به پختن چنین غذایی نیست، از او ناراضی است.

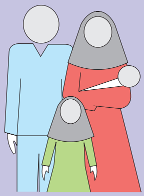
ــ زنی که انتظار داشته است همسرش شریک زندگی او باشد، در تربیت فرزندان و اداره‌ی کانون خانواده او را صمیمانه یاری کند و نیازهای خانواده را با تلاش و کوشش خود برآورده سازد، می‌بیند که او با گرفتار شدن در دام اعتیاد آتش بر هستی زن و فرزندانش می‌زند و با بی‌اعتنایی و لاابالی گری، شیرازه‌ی خانواده را از هم می‌پاشد و موجب سرافکندگی و تباهی اعضای خانواده می‌شود و ... . چنین زنی چگونه می‌تواند از همسر خویش راضی و خرسند باشد؟ این فهرست را تا ده‌ها و صدها مورد می‌توانید ادامه دهید.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که این انتظارات چه هستند و چگونه شکل می‌گیرند؟

برای پاسخ دادن به این پرسش، به مطالب فصل گذشته باز می‌گردیم. گفتیم که هر نقش با مجموعه‌ای از الگوهای عمل مرتبط با آن همراه است. مجموعه‌ای از این الگوهای عمل را فردی که نقش را بر عهده می‌گیرد، تحقق می‌بخشد و مجموعه‌ای از آن‌ها را دیگران محقق می‌سازند.

با توجه به مفهوم انتظارات، نقش و رابطه‌ی دو جانبه‌ی حق و تکلیف ــ که در فصل گذشته به آن‌ها اشاره کردیم ــ، می‌توان گفت انتظارات، الگوهای عملی‌اند که هر یک از دو طرف، دیگری را موظف به تحقق آن‌ها می‌داند و درصورتی که طرف مقابل آن‌ها را محقق نسازد، آزردگی و نارضایتی و در نهایت، ناسازگاری و جدایی پیش می‌آید.

در این جا این سؤال مطرح می‌شود که چرا زن و شوهر انتظارات یکدیگر را برآورده نمی‌سازند؟ مگر نه این است که هنگام ازدواج به طور صریح یا ضمنی نقش زن و شوهری و الگوهای عمل آن را پذیرفته‌اند؟ مگر نه این است که دو طرف می‌خواهند زندگی آسوده و راحتی با یکدیگر داشته باشند؟ پس چرا انتظارات یکدیگر را برآورده نمی‌سازند؟



نظام اجتماعی و ناسازگاری زن و شوهر

اگر به یاد داشته باشید پیش از این گفتیم که نظام اجتماعی افراد خود را از راه درونی کردن ارزش‌ها و اعمال مجازات، اجتماعی می کند. افراد در جریان اجتماعی شدن، الگوهای عمل مربوط به نقش‌های خود را می‌آموزند و به تحقق آن‌ها علاقه‌مند می‌شوند، تا آن جا که در صورت عمل نکردن به آن‌ها احساس ناراحتی می کنند.

با این مقدمه، شما باید بتوانید به پرسشی که پیش از این مطرح شد، پاسخ بدهید.

الف ــ در صورتی که جریان اجتماعی شدن به طور **کامل** تحقق نیابد و افراد از حقوق و وظایف نقش‌های خود درک کاملی نداشته باشند یا برای انجام آن‌ها آمادگی لازم را پیدا نکرده باشند، در برآوردن انتظارات یکدیگر دچار مشکل می‌شوند و به این ترتیب، ناسازگاری پیش خواهد آمد؛ مثلاً در مورد نقش‌های زن و شوهری، در نظر بگیرید:

ــ مردی که با وجود تلاش برای تهیه‌ی مایحتاج مادی خانواده، به امور تربیتی و روانی فرزندان خود توجه کافی ندارد؛

ــ زنی که با وجود فداکاری و تلاش برای اداره‌ی امور منزل، با خویشاوندان همسر خویش برخورد مناسبی ندارد.

هر دو مورد ذکر شده نشان می‌دهد که زن و شوهر حقوق و وظایف نقش‌های زن و شوهری را به طور کامل نیاموخته‌اند.

ب ــ درصورتی که افراد به **گونه‌های مختلف** اجتماعی شوند، در زندگی انتظارات متفاوتی از یکدیگر خواهند داشت و این تفاوت انتظارات، موجب اختلاف آن‌ها خواهد شد؛ مثلاً:

ــ زنی که می‌خواهد در بیرون از منزل کار کند و **انتظار** دارد همسر آینده‌اش در این زمینه با او همکاری داشته باشد، اگر با مردی ازدواج کند که فقط کار در منزل را وظیفه‌ی زن بداند، ازدواج وی با نارضایتی همراه خواهد بود.

ــ مردی که دوست دارد تا نیمه‌های شب در بیرون از منزل با دوستان خویش باشد، اگر با زنی ازدواج کند که **انتظار** دارد همسرش پس از فراغت از کار به منزل بیاید، زندگی مطلوبی نخواهد داشت.

فعالیت ۸ ــ۳ گفت‌وگو کنید.

چرا افراد به‌گونه‌های مختلف اجتماعی می‌شوند و در نتیجه، در زندگی انتظارات متفاوتی از یکدیگر دارند؟

با طبقه‌بندی مواردی که در جریان بحث و گفت‌وگوی شما مطرح شد، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که دو دسته عوامل عمده در تنوع جریان‌های اجتماعی شدن دخالت دارند :

۱ــ وجود محیط‌های اجتماعی مختلف (مانند شهر و روستا و ...) یا گروه‌های اجتماعی گوناگون (مانند اقوام و اقلیت‌ها) با فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و الگوهای عمل متفاوت. نتیجه‌ی ازدواج میان چنین افرادی، وجود خانواده‌های ناسازگار خواهد بود.

۲ــ راه‌های مختلف اجتماعی شدن افراد (مانند خانواده، مدرسه، رادیو و تلویزیون، کتاب‌ها و مجلات، مجالس گوناگون و ...) که آن‌ها را در معرض ارزش‌های اجتماعی مختلف قرار می‌دهد. در جامعه‌ای که افراد آن از راه‌های مختلف اجتماعی می‌شوند، ازدواج‌ها ناموفق و طلاق امری شایع خواهد بود.

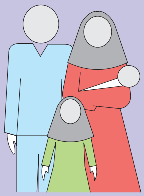
پ ــ هم‌چنین برای یک نظام اجتماعی که در معرض تغییرات سریع است و در هر دوره امور متفاوتی را ارزش تلقی می کند، تزلزل بنیان خانواده نتیجه‌ای طبیعی خواهد بود ؛ برای نمونه، افرادی که ایثار و سادگی و قناعت از ارزش‌های اساسی آنان است،با رواج خودخواهی و فزون‌طلبی و مصرف زیاد در جامعه، تحت فشار قرار خواهند گرفت و احتمال ناسازگاری میان آنان افزایش خواهد یافت.

با توجه به آن چه گفتیم، ریشه‌های ناسازگاری خانواده‌ها را نباید فقط در درون خانواده‌ها جست بلکه باید آن را در ورای خانواده و در نظام اجتماعی کل هم جست‌وجو کرد. اگر در پی‌یافتن راه حلّی برای رفع این ناسازگاری‌ها هستیم، باید آن را در سطح نظام اجتماعی کل جست‌وجو کنیم.

فعالیت ۹ــ۳ گفت‌وگو کنید.

ــ چگونه می‌توان میزان ناسازگاری را در خانواده‌ها کاهش داد؟

ــ توجه به معیارها و ارزش‌های دینی چگونه می‌تواند موجب کاهش ناسازگاری در خانواده شود؟



درس پنجم

آسیب‌های نظام خانواده (۲)

ناسازگاری فرزندان و والدین

اکنون می‌خواهیم به مطلبی بپردازیم که شاید دغدغه‌ی ذهن بسیاری از شما هم باشد و آن رابطه‌ی نوجوان و جوان با خانواده است.

در سنین نوجوانی و جوانی گاه میان جوانان و والدین آن‌ها اختلافاتی پیش می‌آید. تجربه‌ی این‌گونه اختلاف‌ها را شاید خود شما هم داشته باشید. جملاتی چون «پدر و مادر مرا درک نمی‌کنند»، «هنوز مرا جدی نمی‌گیرند»، «با من هنوز رفتاری کودکانه دارند» که گاهی اوقات از نوجوانان و جوانان می‌شنویم و نیز جملاتی مانند «جوانان خودسر و پر توقع‌اند» و «جوانان حقوق ما را نمی‌شناسند» که از والدین شنیده می‌شود، مبین همین واقعیت است. وجه مشترک این اختلافات را نیز می‌توان در مفهوم تفاوت انتظارات بیان کرد.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که چگونه یک نوجوان که تا مدتی پیش تابع نظر والدین خود بوده است و توسط آنان تربیت شده، امروز با آن‌ها اختلاف پیدا کرده است؛ مگر نه این است که در جریان زندگی خانوادگی، ارزش‌های خانواده برای کودک درونی می‌شود؟ پس دلیل این اختلافات و نارضایتی‌ها چیست؟

تفاوت انتظارات والدین و فرزندان از کجا ناشی می‌شود؟

برای پاسخ‌گویی به این پرسش، موارد زیر را بررسی می‌کنیم.

الف ــ تغییر نقش کودکی به نوجوانی: فرزند یک خانواده را در نظر بگیرید که تاکنون در نقش کودک قرار داشته و الگوهای عمل مربوط به کودکی در مورد وی رعایت می‌شده است. اکنون با توجه به رشد جسمی و ذهنی، در آستانه‌ی پذیرش نقش جوانی و بزرگ‌سالی است که الگوهای عمل خاصّ خود را دارد.

در بحث اوّل کتاب به بعضی از خصوصیات دوره‌ی نوجوانی اشاره کردیم.

روان‌شناسان مجموعه‌ی خصوصیات این دوره را با یک اصل توجیه می‌کنند و آن استقلال نوجوان است؛ یعنی نوجوان تلاش می‌کند که مستقل شود. او در حال تغییر نقش از کودکی به بزرگ‌سالی است و همراه با آن می‌خواهد از وابستگی به بزرگ‌ترها و والدین و تبعیت از آن‌ها رها شده، به خود متکی شود. او بیش‌تر در اندیشه، احساس، عمل و در مجموع، درون خود به دنبال مبنایی می‌گردد نه در نظرهای والدین و بزرگ‌ترها.

همراه با این خصوصیت، خصیصه‌ی دیگری هم در نوجوان ظاهر می‌شود و آن، گرایش شدید به عضویت در گروه است. این در واقع راهی است که به واسطه‌ی آن، نوجوان استقلال خویش را از خانواده عملی می‌سازد.

عدم توجه والدین و فرزندان به خصوصیات نقش جدید و رعایت نکردن الگوهای مربوط به آن، موجب بروز اختلاف میان فرزندان و والدین و نارضایتی آن‌ها می‌شود.

فعالیت ۱۰ـ۳ چهار مورد از الگوهای عمل مربوط به کودکی و بزرگ‌سالی را فهرست کرده با یکدیگر مقایسه کنید. آن‌گاه با توجه به تفاوت‌های آن‌ها، موارد اختلاف جوانان و والدین و نارضایتی آنان را از یکدیگر نیز مشخص کنید. چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟

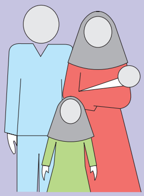
ب ــ گونه‌های مختلف اجتماعی شدن: تفاوتی که میان انتظارات والدین و فرزندان وجود دارد گاه به تفاوت در ارزش‌ها برمی‌گردد که نتیجه‌ی اجتماعی شدن متفاوت آن‌هاست؛ مثلاً:

ــ بعضی از والدین معتقدند دختر باید زود ازدواج کند اما فرزند آن‌ها اعتقاد دارد که باید پس از اتمام تحصیلات و به‌دست آوردن موقعیت مناسب، ازدواج کرد.

ــ بعضی از والدین معتقدند فرزندان باید در انتخاب دوستان خود دقت کافی داشته باشند اما فرزندان آن‌ها به چنین حساسیت‌هایی اعتقاد ندارند.

با توجه به این‌که اختلافات میان والدین و فرزندان کانون گرم خانواده را به سردی می‌کشاند و مشکلات جدی به‌وجود می‌آورد، آیا نباید برای حل آن‌ها چاره‌ای اندیشید؟

فعالیت ۱۱ ــ۳ پرسش ذکر شده را در کلاس مورد بحث قرار دهید و با کمک معلم و با استفاده از مطالب مطرح شده برای یافتن پاسخ آن تلاش کنید.



پرسش‌های فصل

۱ــ تأثیر خانواده را بر شخصیت فرد بررسی کنید و بگویید که به نظر شما چرا خانواده بیش از عوامل دیگر در تکوین شخصیت فرد تأثیر دارد.

۲ــ چرا می‌گوییم خانواده یک نظام اجتماعی است؟

۳ــ آثار و نتایج نظام خانواده بر نظام اجتماعی کل کدام‌اند؟ هر یک را توضیح دهید.

۴ــ چرا در گذشته، رشد جمعیت همانند امروز یک مشکل اجتماعی نبوده است؟

۵ــ مشکل افزایش جمعیت را با توجه به مسئله‌ی تولید نسل تجزیه و تحلیل کنید.

۶ــ با ذکر مثال، چگونگی تأثیر رفتارهای اجتماعی پدر و مادر را بر جامعه‌پذیر شدن کودک بررسی کنید.

۷ــ چرا خانواده در همه‌ی زمان‌ها پایدار مانده است؟

۸ــ رابطه‌ی گونه‌های مختلف اجتماعی شدن را با ناسازگاری زوجین بررسی کنید.

۹ــ به نظر شما عدم توجه به چه مسائلی سازگاری را در بین اعضای خانواده کاهش می‌دهد؟

۱۰ــ در دوره‌ی نوجوانی، چه خصوصیاتی در فرد ظاهر می‌شود؟

۱۱ــ فهرستی از اختلافاتی را که احتمال دارد بین فرزندان و والدین به وجود آید، تهیه کنید؛ توضیح دهید که چگونه می‌توان این اختلافات را کاهش داد.

۱۲ــ رشد بی‌رویه‌ی جمعیت از نظر آموزش، بهداشت و مسکن چه مشکلاتی را در جامعه به‌وجود می‌آورد؟ در این مورد خوب بیندیشید و سپس جدول زیر را کامل کنید.

موارد	نتایج نامطلوب رشد بی‌رویه‌ی جمعیت
نظام آموزشی	
بهداشت	
مسکن	

مروری بر فصل

۱ــ خانواده یک گروه است ؛ زیرا افراد آن خود را «ما» می‌دانند و با یکدیگر تعامل نسبتاً پایدار و منظمی دارند.

۲ــ خانواده یک نظام اجتماعی کوچک نیز است که از مجموعه‌ای از نقش‌ها و هنجارهای به‌هم پیوسته تشکیل شده است.

۳ــ خانواده و نظام‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه با یکدیگر ارتباط متقابل دارند.

۴ــ خانواده بر نظام اجتماعی کل، تأثیرات و نتایجی مانند اجتماعی کردن فرزندان، مراقبت و نگهداری از کودکان و سالمندان، تولید نسل و … دارد.

۵ــ تغییرات اجتماعی باعث می‌شود که تولید مثل به عنوان یکی از آثار مهم وجود خانواده در نظام اجتماعی کل، نتایج نامطلوبی برای جامعه دربرداشته باشد.

۶ــ آثار زیان‌بخش رشد سریع جمعیت در بعضی از کشورها عبارت‌اند از :

کاهش رشد اقتصادی، کاهش امکانات آموزشی، کاهش سطح اشتغال، کاهش سطح رفاه و … .

۷ــ خانواده در تکوین شخصیّت فرد نقشی مهم ایفا می‌کند.

۸ــ نقش اساسی خانواده در تحکیم نظام اجتماعی کلّ باعث پایداری خانواده در زمان‌های مختلف شده است.

۹ــ در صورتی‌که جریان اجتماعی شدن به طور کامل تحقق نیابد یا مرد و زن به گونه‌های مختلفی اجتماعی شوند، در زندگی انتظارات متفاوتی از یکدیگر خواهند داشت و این تفاوتِ انتظارات موجب اختلاف آن‌ها خواهد شد.

۱۰ــ تحولات اجتماعی موجب پیدایش ارزش‌های اجتماعی مختلف می‌شود. تغییر ارزش‌ها در درون خانواده ناسازگاری بین مرد و زن را تشدید می‌کند.

۱۱ــ تشابه در شرایط خانوادگی و ارزش‌های مورد قبول افراد، در ایجاد توافق و سازگاری بین مرد و زن در خانواده مؤثر است.

۱۲ــ اگر والدین و فرزندان خانواده با نقش‌ها و وظایف خود در مقابل یکدیگر آشنا باشند، از بروز ناسازگاری جلوگیری می‌کنند.

فصل چهارم

نظام اقتصادی

انتظار می‌رود دانش‌آموز در پایان این فصل بتواند :

۱ ـ مفهوم نظام اقتصادی را تشریح کند.

۲ ـ عناصر و اجزای اصلی نظام اقتصادی کشور را توضیح دهد.

۳ ـ رابطه‌ی نظام اقتصادی را با عوامل و نظام‌های دیگر تجزیه و تحلیل کند.

۴ ـ رابطه‌ی نظام اقتصادی را با نظام اجتماعی کل تجزیه و تحلیل کند.

۵ ـ نقش و مشارکت فرد را در فعالیت‌های اقتصادی توضیح دهد.

۶ ـ شرایط کلی انتخاب شغل را تشریح کند.

۷ ـ بیکاری را به عنوان یکی از آسیب‌های نظام اقتصادی بشناسد.



درس اوّل

مفهوم نظام اقتصادی

در فصول گذشته آموختیم که هر نظام اجتماعی برای بقای خویش به افرادی نیاز دارد که نقش‌ها و الگوهای عمل مربوط به آن را تحقق بخشند و هرگاه افرادی نباشند که ایفای نقش کنند، آن نظام از بین خواهد رفت. در همین مبحث به اجتماع‌پذیری و کنترل اجتماعی اشاره کردیم. در بحث خانواده نیز تولید نسل را مطرح کردیم که موجب تداوم جامعه می‌شود.

همه‌ی این امور متکی به این است که انسان‌ها از نظر زیستی بتوانند زنده بمانند و زندگی کنند و حداقل نیازهای مادی خود را چون خوراک، پوشاک و مسکن تأمین سازند؛ در غیر این صورت، زندگی اجتماعی از بین خواهد رفت.

فعالیت اقتصادی

بنابراین، تولید مایحتاج زندگی در کنار تولید نسل و حتی مقدم بر آن برای بقای نظام اجتماعی ضروری است؛ به همین دلیل، بخشی از فعالیت‌های انجام شده در هر نظام به تهیّه‌ی وسایل لازم زندگی اختصاص می‌یابد که از آن به **فعالیت اقتصادی** یاد می‌شود.

ــ تلاش کشاورزان در زمین‌های کشاورزی

ــ فعالیت کارگران و مهندسان در کارخانه‌ها

نمونه‌هایی از فعالیت اقتصادی است که طی آن‌ها کالا **تولید** می‌شود.

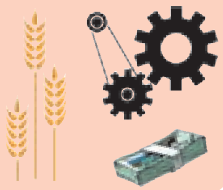
ــ فعالیت پزشکان در امور بهداشتی و درمانی

ــ تلاش کارمندان در اداره‌ها و سازمان‌ها

نیز نمونه‌های دیگری از فعالیت اقتصادی است که طیّ آن‌ها چیزی به عنوان **خدمات** عرضه می‌شود.

ــ پخش فراورده‌های کارخانه‌ها

ــ فعالیت مشاوره‌ای مؤسسات مختلف



نمونه‌هایی از فعالیت اقتصادی است که در آن‌ها کالا و خدمات، توزیع و مبادله می‌شود.

فعالیت ۱ ــ ۴ برای هریک از بخش‌های تولید، خدمات و توزیع، دو نمونه فعالیت اقتصادی (غیر از موارد گفته شده) بنویسید.

رابطه‌ی اقتصادی

فعالیت‌های اقتصادی در محیط اجتماعی و در ارتباط با دیگران انجام می‌شود و موجب برقراری رابطه‌ای میان فرد و دیگران می‌گردد که به آن رابطه‌ی اقتصادی می‌گویند.

ــ رابطه‌ی کارگران با یکدیگر در محیط کار

ــ رابطه‌ی آن‌ها با مهندسان و سرکارگران

ــ رابطه‌ی آن‌ها با مدیر کارخانه

ــ رابطه‌ی آن‌ها با صاحب کارخانه و...

نمونه‌هایی از رابطه‌های اقتصادی در کارخانه است.

فعالیت ۲ ــ ۴ برای هر یک از موارد زیر، سه نمونه رابطه‌ی اقتصادی بنویسید :

۱ ــ کارمندان در اداره

۲ ــ کشاورزان در مزرعه

۳ ــ افراد در بازار.

در رابطه‌ی اقتصادی برخلاف رابطه‌ی دوستانه (که قبلاً از آن صحبت کردیم)، افراد با هدف تولید کالا و خدمات یا مبادله‌ی آن‌ها، با یکدیگر رابطه برقرار می‌کنند ؛ بنابراین، می‌توان گفت با فعالیت اقتصادی در کنار رابطه‌ی دوستانه، نوع دیگری از رابطه به‌وجود می‌آید که در آن هدف، صرفاً برقراری دوستی نیست بلکه تولید یا مبادله‌ی کالا و خدمت مورد نظر است.

در روابط اقتصادی، رابطه‌ی افراد با یکدیگر براساس سود و منفعت است ؛ برخلاف رابطه‌ی مبتنی بر دوستی که در آن حسابگری‌های اقتصادی نقشی ندارد. تفاوت و جدایی این دو نوع رابطه را ضرب‌المثل معروف «حساب حساب است، کاکا برادر» نشان می‌دهد که در آن رابطه‌ی دوستی و خویشاوندی از رابطه‌ی اقتصادی جدا می‌شود.

نظام اقتصادی

در رابطه‌ی اقتصادی، تمایل به کسب سود موجب تضاد و درگیری میان افراد می‌شود. درنتیجه، جامعه برای حفظ یکپارچگی خود قواعدی را تعیین می‌کند. این‌گونه قواعد که از آن‌ها با عنوان قاعده‌ی مالکیت یاد می‌شود، حدود منافع مردم را مشخص می‌کنند و جامعه را از گسستگی و درگیری درامان نگاه می‌دارند. این قاعده از جامعه‌ای تا جامعه‌ی دیگر و از زمانی تا زمان دیگر تغییر می‌کند.

قاعده‌ی مالکیت حدود استفاده‌ی افراد را از امکانات جامعه (چه طبیعی و چه غیرطبیعی) مشخص می‌کند و از منافع افراد، در مقابل دیگران حراست می‌کند.

با توجه به آن چه درباره‌ی مفاهیم رابطه‌ی اقتصادی و قاعده‌ی مالکیت گفتیم، نظام اقتصادی را می‌توان چنین تعریف کرد:

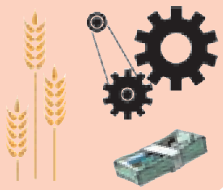
مجموعه روابطی که حول تولید یا مبادله‌ی کالا و خدمات و براساس قواعد تعیین شده توسط جامعه (قاعده‌ی مالکیت) شکل می‌گیرد، نظام اقتصادی را به‌وجود می‌آورد.

فعالیت ۳ ــ ۴ یک واحد اقتصادی را در نظر بگیرید؛

۱ــ این واحد اقتصادی درکدام بخش (تولید، خدمات، وتوزیع) فعالیت اقتصادی دارد؟

۲ــ این واحد اقتصادی از چه نقش‌هایی تشکیل شده است؟

۳ــ نمونه‌هایی از رابطه‌های اقتصادی میان این نقش‌ها را مشخص کنید.



درس دوم

اجزای نظام اقتصادی

خرده نظام اقتصادی برخلاف خانواده که از چند نقش محدود تشکیل می‌شود، شامل صدها و هزاران خرده نظام کوچک‌تر است که هر یک اجزای متفاوتی دارند؛ بنابراین، هنگام بحث در مورد نظام اقتصادی نمی‌توان به بحث درباره‌ی چند نقش و روابط میان آن‌ها پرداخت، بلکه باید به خرده نظام‌های تشکیل‌دهنده‌ی آن و روابط میان آن‌ها اشاره کرد که گاه خود، نظام‌ها و نقش‌های متعددی را شامل می‌شوند.

اگر یک کارگاه کوچک صنعتی را نظام اقتصادی در نظر بگیریم، در این نظام می‌توانیم از نقش‌ها سخن بگوییم؛ مثلاً در کارگاه تراشکاری از نقش‌های مدیر، شاگردان، استادکاران و... یاد می‌کنیم امّا همین که به نظام‌های بزرگ‌تر می‌رسیم دیگر با نقش‌ها روبه‌رو نیستیم، بلکه با خرده نظام‌های متعددی مواجهیم که در مجموع، نظام اقتصادی یک شهر، کشور یا یک منطقه را تشکیل می‌دهند که مشخص کردن نقش‌های آن‌ها به آسانی صورت نمی‌پذیرد.

امروزه با توجه به امکان ارتباط میان بخش‌های مختلف یک کشور و حتی جهان، مرزهای نظام‌های اقتصادی شهرها و کشورها در حال از بین رفتن است؛ تا آن جا که مغازه‌دار روستای دورافتاده‌ای در کردستان کالایی را عرضه می‌کند که در فرانسه یا شیلی و... تولید می‌شود؛ شرایط معامله در شهری چون فردوس از سیاست‌های پولی بانک مرکزی ایران و حتی بانک جهانی متأثر می‌شود؛ افزایش یا کاهش قیمت ارزها[1] (دلار و ریال یا ین و دلار) بر قیمت کالا در رامهرمز تأثیر می‌گذارد.

بنابراین، هنگامی که از خرده نظام اقتصادی سخن می‌گوییم، نخست لازم است مشخص کنیم کدام خرده نظام و به این نکته نیز توجه داشته باشیم که این خرده نظام اقتصادی با

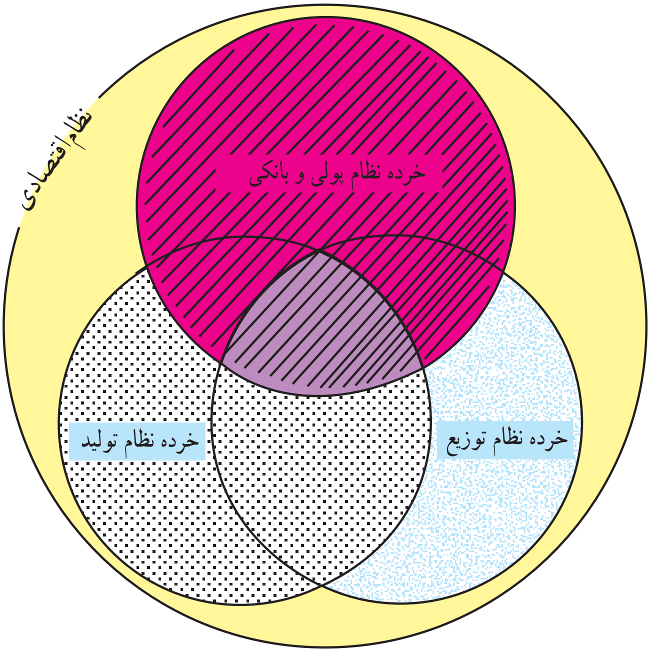
---

۱ ــ مبادله فقط به درون مرزهای کشور محدود نمی‌شود و هر کشور ناچار است که با خارج از مرزهای خود نیز روابط اقتصادی داشته باشد؛ برای این منظور، باید از وسیله‌ی پرداخت یا پولی استفاده شود که در کشور طرف معامله مورد قبول باشد؛ بنابراین، به هر نوع وسیله‌ی پرداخت خارجی «ارز» گفته می‌شود.

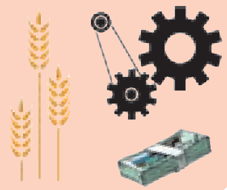
نظام‌های اقتصادی بیرون از خودش رابطه‌ی متقابل دارد. هم‌چنین با توجه به‌این‌که خرده‌نظام را در چه سطحی مطرح کنیم (محلی، شهری، کشوری و...)، شکل بحث نیز تغییر می‌کند.

برای نمونه، اگر اقتصاد را در سطح ملی مورد بحث قرار می‌دهیم، سیاست‌های اقتصادی دولت باید به عنوان عاملی مهم مورد بحث قرار گیرند امّا اگر در سطح یک محله بحث می‌کنیم، سیاست‌های دولت اگر چه بر رابطه‌های اقتصادی اثر دارند می‌توان از بحث در مورد آن‌ها چشم‌پوشی کرد.

آن چه در این جا به عنوان نظام اقتصادی مطرح می‌شود، نظام اقتصادی کشور است. نظام اقتصادی یک کشور را می‌توان به سه خرده نظام تقسیم کرد : نظام تولیدی، نظام توزیع (که به آن بازار می‌گویند) و نظام پولی و بانکی. هر یک از این خرده نظام‌ها، صدها خرده نظام دیگر را شامل می‌شوند.



خرده نظام‌های اقتصادی



نظام تولیدی

نظام تولیدی به مجموعه‌ی نقش‌ها و خرده نظام‌هایی می‌گویند که حول تولید کالا و خدمات شکل می‌گیرد و خود به سه بخش صنعت، کشاورزی و خدمات تقسیم می‌شود. این نظام از خرده نظام‌هایی چون صنایع، کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، مزارع، کشت و صنعت‌ها، مراکز آموزشی و... تشکیل می‌شود.

نظام توزیع

نظام توزیع حول مبادله‌ی کالاها و خدمات به وجود می‌آید و به صورت شبکه‌ای در سطح کشور، از یک سو بخش‌های تولیدی را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و از سوی دیگر، واسطه‌ی میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است. از خرده نظام‌های آن بازار پایتخت (برای مثال، بازار تهران)، بازارهای اصلی استان‌ها، بازارهای محلی، بنادر آزاد، بازارهای فصلی و... را می‌توان نام برد. مغازه‌دار محل هم که شما از او شیر، ماست، ماکارونی و... می‌خرید، کوچک‌ترین واحد این خرده‌نظام‌هاست که مصرف‌کننده را به طور مستقیم یا با چند واسطه به تولیدکننده‌ی شیر و ماست (کارخانه‌ی شیر پاستوریزه و دامداری‌های شهرستان) و ماکارونی (کارخانه‌های متعدد تولید مواد غذایی) و... متصل می‌سازد.

فعالیت ۴ ــ ۴ موارد زیر را در نظر بگیرید و مشخص کنید کدام بخش‌های تولیدی از کالاهای تولید شده‌ی زیر(پارچه و چوب) استفاده می‌کنند و واسطه‌ی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان محسوب می‌شوند :

۱ ــ کارخانه‌ی پارچه‌بافی (تولیدکننده)...................... مصرف‌کننده

۲ ــ کارخانه‌ی چوب‌بری (تولیدکننده)...................... مصرف‌کننده

نظام پولی و بانکی

فعالیت ۵ ــ ۴ در کلاس بحث کنید ؛

۱ ــ مبادله‌ی کالاها و خدمات در روزگاران گذشته چگونه انجام می‌گرفت؟

۲ ــ امروزه مبادله‌ی کالاها و خدمات با چه وسایلی انجام می‌گیرد؟

پیدایش پول[1] موجب شده است که نظام جدیدی درون نظام اقتصادی به‌وجود آید که هدف آن، تهیه، توزیع و حفظ ارزش پول رایج یک کشور و اسناد معتبر و نظارت برگردش آن‌هاست و از آن به نظام پولی و بانکی یاد می‌شود.

در مرکز این نظام، بانک مرکزی هر کشور قرار دارد و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مختلف، مانند صندوق‌های قرض‌الحسنه خرده نظام‌های آن هستند. شعبه‌ی بانک محله و خیابان شما آخرین حلقه‌ی زنجیر این مجموعه است که شما می‌توانید در آن حساب پس‌انداز داشته باشید. بانک حافظ پول شماست و از آن در جهت بازرگانی یا تولید استفاده می‌کند.

نظام پولی و بانکی، همپای نظام توزیع در سراسر کشور گسترده است و در شکل‌دهی به فعالیت‌های اقتصادی نقش اساسی دارد ؛ مثلاً :

ــ در تنظیم قیمت‌ها و تورم[2] از راه دست‌کاری بر حجمِ پولِ در گردش،خرید یا فروش اوراق قرضه، استقراض دولت از بانک مرکزی و... اثر می‌گذارد.

برای آشنایی با وجوهی از کار این نظام، حالت فرضی زیر را بررسی می‌کنیم.

فرض کنید سود اختصاص یافته به سپرده‌های بلند مدت از ۱۵ درصد در سال به ۲۰درصد تغییر یابد ؛ اختصاص سود بیش‌تر به سپرده‌ها، نتایجی به دنبال خواهد داشت ؛ از جمله :

ــ افراد را تشویق می‌کند که سرمایه‌های خود را در بانک پس‌انداز کنند ؛

ــ از پول‌های محدود افراد سرمایه‌های عظیمی برای بانک‌ها فراهم می‌شود که می‌توانند آن‌ها را در بخش‌های تولیدی یا بازرگانی سرمایه‌گذاری کنند ؛

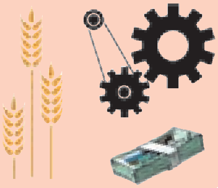
ــ پول از میان مردم جمع می‌شود ؛ در نتیجه، تقاضا برای کالا کم شده، بازار راکد می‌شود ؛

بنابراین، حتی اگر قیمت‌ها کاهش نیابند، برای مدتی ثابت باقی می‌مانند.

---

۱ ــ امروزه اسکناس، چک، سفته و سایر اسناد بانکی از اشکال پول به حساب می‌آیند.

۲ ــ تورم عبارت است از عدم تعادل بین مقدار پول منتشر شده و مقدار نیازی که مردم برای انجام مبادلات خود به آن دارند ؛ به عبارت دیگر، افزایش مستمر قیمت‌ها را که بر اثر کاهش عرضه و افزایش تقاضا به‌وجود می‌آید، «تورم» می‌نامند.



البته این مثالی است بسیار ساده و در آن فرض بر این است که عوامل دیگر ثابت باقی بمانند ؛ زیرا در صورتی‌که عوامل دیگر هم تغییر کنند، قضیه شکل دیگری خواهد داشت.

فعالیت ۶ ــ ۴ برای درک بهتر میزان تأثیرگذاری سیاست‌های پولی بر نظام اقتصادی، درباره‌ی آثار سیاست‌های پولی زیر در کلاس گفت‌وگو کنید :

۱ ــ وام‌دهی بانک‌ها بر ساخت و خرید خانه

۲ ــ وام‌دهی بانک‌ها بر ایجاد مجتمع‌های دامپروری یا کشاورزی.

رابطه‌ی نظام اقتصادی با عوامل و نظام‌های دیگر

الف ــ اقتصاد و محیط طبیعی

محیط طبیعی یکی از عوامل عمده‌ای است که بر شکل‌دهی نظام اقتصادی تأثیر می‌گذارد ؛ برای نمونه :

ــ در کشوری که بخش عظیمی از سرزمین‌های آن را صحراهای سوزان و بی‌آب و علف تشکیل می‌دهد، رشد کشاورزی با مشکل روبه‌رو خواهد شد امّا در کشوری که دارای آب و هوای مناسب است، کشاورزی می‌تواند پیشه‌ی بیش‌تر افراد باشد.

ــ کشوری‌که از جهت منابع طبیعی و معدن دچار کمبود است، اگر بخواهد صنعتی روبه رشد داشته باشد، با مشکل تهیه‌ی مواد اولیه روبه‌رو خواهد بود امّا کشوری که دارای منابع طبیعی غنی است، در صورت وجود شرایط دیگر می‌تواند به سرعت رشد کند.

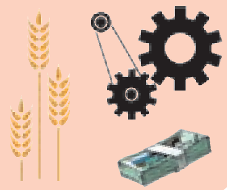
بنابراین، محیط طبیعی در شکل‌دهی نظم اقتصادی تأثیری مهم دارد. البته با رشد صنعت، این عامل ضعیف‌تر از گذشته شده است ؛ تا آن‌جا که کشوری مانند ژاپن با وجود فقدان منابع طبیعی لازم نیز توانسته است در ردیف کشورهای صنعتی و پیشرفته قرار گیرد.

ب ــ اقتصاد و صنعت

عامل دیگری‌که بر اقتصاد تأثیر اساسی دارد، ابزار تولید یا صنعت و فنّاوری (تکنولوژی) است. بستگی اقتصاد به صنعت، ما را به‌سوی شناخت این عامل می‌کشاند.

فعالیت ۷ ــ ۴ برای درک بهتر میزان تأثیر صنعت و فنّاوری بر نظام اقتصادی، درباره‌ی موارد زیر در کلاس بحث کنید.

۱ ــ با ورود خودرو به صحنه‌ی زندگی اجتماعی، کدام مشاغل به تدریج از بین رفته و کدام مشاغل در جامعه به‌وجود آمده‌اند؟



۲ ــ اختراع رایانه در روند فعالیت‌های اقتصادی چه تغییراتی به‌وجود آورده است؟

رشد و توسعه‌ی صنعت و فنّاوری تابع رشد علم است ؛ یعنی، علم با کشف قوانین حاکم بر جهان طبیعت، راه را برای ساختن ابزارهای مناسب جهت کنترل و بهره‌وری از آن فراهم می‌سازد. فرض کنید :

ــ نیروی بخار یا الکتریسیته کشف نشده بود ؛ در آن حالت صنایع چه شکلی داشت؟

ــ قوانین ریاضی و فیزیکی مربوط به انتشار امواج کشف نمی‌شد ؛ آیا صنایع ارتباطی، ماهواره‌ای و… می‌توانست شکل بگیرد؟

فعالیت ۸ ــ ۴ دو نمونه از پیشرفت‌های به‌دست آمده در زمینه‌ی علوم مختلف را ذکر کنید و توضیح دهیدکه این پیشرفت‌ها چگونه بر نظام اقتصادی تأثیر گذاشته‌اند.

رشد علم نیز به نوبه‌ی خود به ارزش‌های جامعه بستگی دارد. در جامعه‌ای که :

ــ به فعّالیت علمی توجه نمی‌شود ؛

ــ افراد علت وقایع را نیروهای اسطوره‌ای، جادویی و اوضاع کواکب می‌دانند ؛

ــ و…

علم مجال کم‌تری برای رشد می‌یابد. در جامعه‌ای که :

ــ سازمان علمی مشخصی ندارد ؛

ــ بودجه‌ای به تحقیقات اختصاص داده نمی‌شود ؛

ــ ثروت جامعه بیش‌تر در راه تجمل و مصرف، صرف می‌شود تا پیشرفت علم ؛

ــ و…

علم مجالی برای رشد ندارد.

پ ــ اقتصاد و نظام آموزشی

فعالیت ۹ ــ ۴ دو جامعه‌ی زیر را در نظر بگیرید :

ــ جامعه‌ای‌که در آن زمین را با خیش شخم می‌زنند، با آب باران و جویبارها آبیاری می‌کنند و جمع‌آوری محصول به شکل دستی انجام می‌گیرد.

ـ جامعه‌ای که در آن برای شخم‌زدن از تراکتور، برای آبیاری از پمپ و برای جمع‌آوری محصول از ماشین کمباین استفاده می‌شود.

مهارت‌های لازم را برای فردی که می‌خواهد در هر یک از این دو حالت به تولید کشاورزی بپردازد، با یکدیگر مقایسه کنید. چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟

امروزه کار کردن نه تنها در بخش کشاورزی، در دیگر بخش‌های نظام اقتصادی نیز به مهارت و آموزش بیش‌تری نیاز دارد. علاوه بر این، مدیریت نیز به عنوان جزء جداناشدنی هر مؤسسه تولیدی و حتی بازرگانی مستلزم آموزش و کسب مهارت‌هایی است که آموزش رسمی، مقدمه‌ای برای آن محسوب می‌شود.

بنابراین، می‌توان گفت : نظام آموزشی با نظام اقتصادی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد.

ـ افرادی که دوره‌ی کارشناسی را در دانشکده‌های فنی و مهندسی می‌گذرانند،

ـ دانشجویان رشته‌های مدیریت،

ـ دانش‌آموزان هنرستان‌ها،

ـ دانشجویان مراکز فنی ـ حرفه‌ای و...

همگی برای ورود به بخش‌های مختلف اقتصاد آموزش می‌بینند. آموزش دانشجویان رشته‌های دیگر و دانش‌آموزان دبیرستان‌ها هم به شکلی دیگر، مقدمه‌ی ورود آن‌ها به بازار کار است.

در صورتی که نظام آموزشی کشور نتواند نیروهای مورد نیاز صنعت، خدمات و حتی کشاورزی را تربیت کند، افول اقتصادی امری طبیعی خواهد بود ؛ به همین دلیل، بر تربیت نیروهای متخصص تأکید می‌شود.

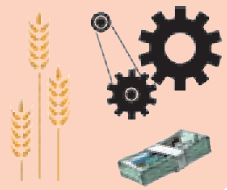
ت ــ اقتصاد و نیازهای افراد

نظام اقتصادی به نوع نیازهای افراد جامعه بستگی دارد ؛ زیرا در فعالیت اقتصادی هدف نهایی رفع نیازهای افراد است.

البته منظور از نیاز صرفاً غرایزی مانند گرسنگی و تشنگی نیست که در انسان و حیوان به تلاش برای تهیه‌ی غذا منجر می‌شود بلکه منظور هر نوع تمایلی است که در جامعه

و در جریان اجتماعی شدن در افراد شکل می‌گیرد.

این امیال بعضی ریشه‌ی زیستی دارند ؛ مانند میل به غذا که در جامعه شکل خاصی به خود گرفته است. بعضی در جریان زندگی اجتماعی سر برمی‌آورند ؛ مانند نیازی‌که فرد برای پوشیدن لباس خاصّی در خود احساس می کند. این نیاز، نیازی زیستی نیست، و در جریان زندگی اجتماعی و رابطه‌ی فرد با دیگران و اجتماعی شدن در او شکل می‌گیرد.



اگر نیازها را به این معنی بگیریم، با توجه به آن‌چه پیش از این در مورد اجتماعی شدن گفته‌ایم، نتیجه می‌گیریم که : **در شکل‌گیری نیازها، ارزش‌ها و فرهنگ جامعه و به تبع آن جریان اجتماعی شدن، نقشی اساسی دارد.**

فعالیت ۱۰ ــ ۴ دو جامعه‌ی زیر را در نظر بگیرید :

ــ جامعه‌ای‌که برای شکوفایی اقتصادی، صرفه‌جویی و مصرف کم و کار زیاد را ارزش می‌داند.

ــ جامعه‌ی عقب افتاده‌ای‌که مصرف زیاد، اسراف و تجمل در آن ارزش محسوب می‌شود. این ویژگی‌ها برای نظام اقتصادی این دو جامعه چه نتایجی در برخواهند داشت؟

برای نمونه، یکی از عوامل مؤثری که باعث شده است کشوری پهناور مانند چین، با جمعیتی عظیم بتواند در مدت ۴۰ سال در ردیف ابرقدرت‌ها قرار گیرد، سنت ساده‌پوشی و ساده‌زیستی است.

بنابر آن‌چه گفتیم، نظام اقتصادی از طریق نیازها نیز با فرهنگ پیوند می‌یابد. **با توجه به ارزش‌ها و فرهنگ، نظام اقتصادی در راه رشد و توسعه یا انحطاط و وابستگی گام برمی‌دارد.**

ث ــ اقتصاد و نظام سیاسی

دولت به‌عنوان هسته‌ی اصلی نظام سیاسی از راه‌های مختلف بر نظام اقتصادی اثر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. آشکارترین این راه‌ها، دخالت در امور اقتصادی از طریق سیاست‌های پولی و مالی است که قبلاً به آن اشاره کرده‌ایم.

اهرم دیگر دخالت دولت در اقتصاد، برنامه و بودجه است ؛ زیرا برنامه‌های کوتاه مدت

و بلندمدت است که مشخص می‌کند :

ــ در چه بخش‌هایی باید سرمایه‌گذاری شود ؛

ــ به‌کدام صنایع مجوز داده شود ؛

ــ به‌کدام کالاها مجوز ورود یا صدور داده شود ؛

ــ به‌کدام کالاها یارانه داده شود ؛

و صدها مورد دیگر ؛ به عبارت دیگر، برنامه نحوه‌ی دخالت و عمل دولت را در اقتصاد مشخص می‌سازد.

بودجه نیز که روش دخل و خرج دولت را معلوم می‌کند، از راه‌های مختلف بر اقتصاد اثر می‌گذارد ؛ یکی از این راه‌ها، تأثیر کسری بودجه[1] بر قیمت‌ها و ایجاد تورم است. افزایش و کاهش هزینه‌های دولت به خودی خود بر اقتصاد اثر می‌گذارد ؛ زیرا در نظام اقتصادی، دولت هم یک مصرف‌کننده‌ی بزرگ است و هم بزرگ‌ترین تولید کننده و تا حدی توزیع کننده ؛ در نتیجه، هرگونه تصمیم‌گیری وی در زمینه‌ی اقتصاد بر نظام اقتصادی تأثیر فراوان می‌گذارد.

برای نمونه، فرض کنید دولت تصمیم بگیرد حقوق کارمندان را به میزان ۲۰ درصد افزایش دهد. این افزایش به معنای این است که از یک‌سو دولت باید منبع درآمد جدیدی را بیابد تا بتواند این پول را تهیه کند. این خود نوعی تلاش اقتصادی است و به نوبه‌ی خود بر بخش‌های دیگر تأثیراتی خواهد داشت ؛ از سوی دیگر، این مقدار پول وارد بازار می‌شود و بر قیمت‌ها اثر می‌گذارد.

فعالیت ۱۱ ــ ۴ فرض کنید دولت تصمیم بگیرد ورود کالای X را که ممنوع بوده و در داخل تولید می‌شده است، آزاد کند. اگر قیمت تمام شده‌ی این کالا در داخل، بیش‌تر از قیمت مشابه خارجی آن باشد، در کلاس بحث کنید که چنین تصمیمی بر تولید این کالا در داخل کشور چه تأثیری خواهد گذاشت؟

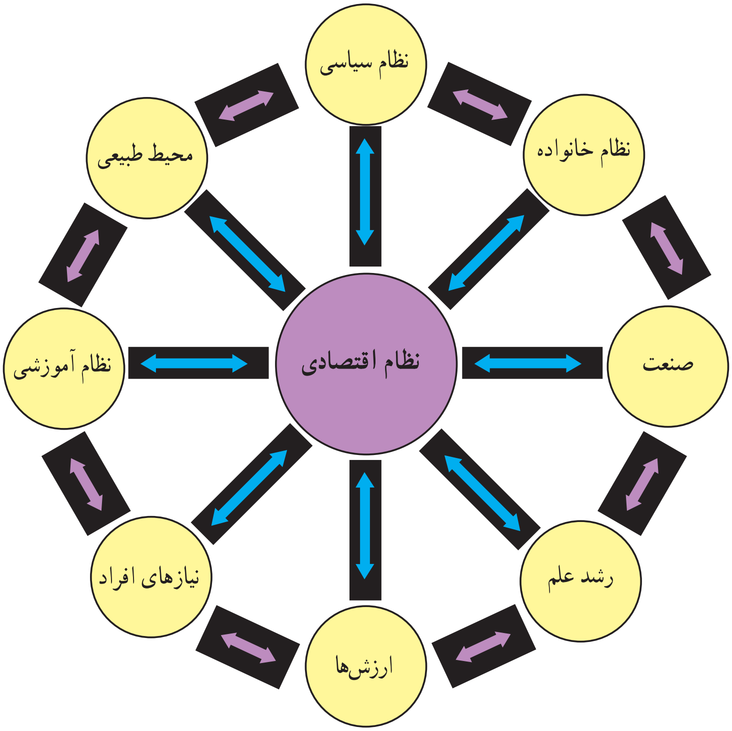
---

۱ ــ بودجه سندی است شامل پیش‌بینی درآمدها و هزینه‌های عمومی در ظرف مدت یک سال، به منظور اجرای عملیات معیّن برای دست‌یابی به اهداف تعیین شده با قدرت اجرایی مشخص. به حالتی که طی آن رقم پیش‌بینی شده برای درآمدها کم‌تر از هزینه‌های عمومی باشد، «کسری بودجه» گفته می‌شود.

ج ــ اقتصاد و نظام خانواده

خانواده به عنوان نظامی‌که یکی از نتایج آن تولید نسل است، از یک‌سو برای نظام اقتصادی، مصرف کننده فراهم می‌کند و از سوی دیگر، نیروی کار آن را مهیا می‌سازد. این مطلب در اقتصاد با عنوان جمعیت و نیروی انسانی مورد بحث قرار می‌گیرد.

در صورتی‌که میان نظام اقتصادی و جمعیت تناسبی وجود نداشته باشد، مشکلات عدیده‌ای ایجاد خواهد شد که به بعضی از آن‌ها در بحث رشد جمعیت (فصل سوم) اشاره کردیم.



رابطه‌ی نظام اقتصادی با نظام‌ها و عوامل دیگر

درس چهارم

نظام اقتصادی و نظام اجتماعی کل

برای بررسی رابطه‌ی نظام اقتصادی و نظام اجتماعی کل به نقش نظام اقتصادی در بقای نظام اجتماعی کل و تحول آن می‌پردازیم.

نظام اقتصادی و تحول نظام اجتماعی کل

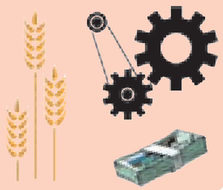
نظام اقتصادی در همان حال که به عنوان یک بخش ضروری نظام اجتماعی، وظیفه‌ی حفظ حیات مادی جامعه را برعهده دارد، موجب تحول و تغییر در نظام اجتماعی کل نیز می‌شود.

چگونه نظام اقتصادی موجب تحول نظام اجتماعی کل می‌شود؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش، مواردی را بررسی می‌کنیم.

شرایطی را در نظر بگیرید که در آن افراد، پشم را با دوک یا چرخ نخ‌ریسی دستی به نخ تبدیل می‌کنند. در این حالت، مجموعه‌ای از روابط اقتصادی میان تهیه‌کنندگان پشم، افرادی که آن را به نخ تبدیل می‌کنند و قالی‌بافان وجود دارد. در این میانه، افرادی هم هستند که واسطه‌ی میان تولیدکنندگان نخ و قالی‌بافان‌اند. زمانی ماشین نساجی وارد میدان می‌شود و جایگزین خیل افرادی می‌شود که پشم را به نخ تبدیل می‌کنند. صنعت گذشته در مقابل صنعت جدید مقاومت می‌کند ولی بالاخره صنعت جدید پیروز می‌شود؛ افرادی بیکار می‌شوند؛ عده‌ای به شغل‌های دیگر رو می‌آورند و... . این تغییرات به نوبه‌ی خود روابط اجتماعی دیگر را تغییر می‌دهد. گروه‌هایی موقعیت اجتماعی خود را از دست می‌دهند و افراد جدیدی موقعیت بهتری در جامعه پیدا می‌کنند و... .

این نمونه‌ای بسیار کوچک از تأثیر صنعت بر روابط اقتصادی است که به نوبه‌ی خود بر روابط دیگر افراد اجتماع هم اثر می‌گذارد.

فعالیت ۱۲ ــ ۴ بررسی کنید هر یک از موارد زیر، در روابط اجتماعی جوامع مذکور چه تغییراتی به‌وجود خواهد آورد:



۱ ــ ورود برق به یک روستا

۲ ــ جایگزینی خودرو به جای درشکه در یک شهر.

اگر سرعت تغییرات در نظام اقتصادی به‌نحوی باشد که افراد بتوانند زندگی خود را با شرایط جدید وفق دهند، این تغییرات روابط اجتماعی را تغییر می‌دهند ولی برای جامعه مشکلی فراهم نمی‌آورند امّا اگر تغییر آن‌چنان سریع باشد که خُرده نظام‌های دیگر جامعه نتوانند خود را با آن وفق دهند، جامعه دچار عدم تعادل و ناهماهنگی می‌شود ؛ تا آن جا که گاه انقلاب‌ها شکل می‌گیرند، نظام‌های سیاسی تغییر می‌کنند و آشوب‌های طولانی مدت و... به‌وقوع می‌پیوندند.

نمونه‌ای از این امر، فروپاشی نظام کمونیستی در کشور شوروی است. این فروپاشی را عُلمای اجتماعی از سال‌ها قبل پیش‌بینی کرده بودند ؛ آن هم براساس همین عدم تعادل میان رشد صنعت کشور و ثبات نسبی نظام سیاسی و خُرده نظام‌های دیگر در این کشور.

ورود سریع صنعت به کشورهای توسعه نیافته، بدون توجه به پیامدهای آن و تغییر دیگر خرده‌نظام‌ها در این کشورها، شورش‌ها و تحولات مداوم را به‌دنبال داشته است.

بنابراین، نظام اقتصادی در عین حال که وظیفه‌ی حفظ حیات مادی جامعه را برعهده دارد، در روزگار ما ــ که صنعت بخش عمده و گاه اصلی آن را تشکیل می‌دهد ــ منبع تحول جامعه به حساب می‌آید. این تحول گاه آن‌چنان سریع است که جامعه را به عدم تعادل دچار می‌کند.

نظام اقتصادی و تضاد طبقاتی

نظام اقتصادی از راه دیگری نیز در جهت ایجاد عدم تعادل، ناهماهنگی و تضاد عمل می‌کند. این موردکه می‌توان آن را یکی از پیامدهای نامناسب نظام اقتصادی دانست، به‌وجود آمدن تضادّ طبقاتی است.

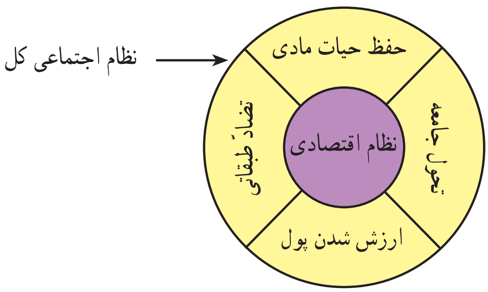
پیش از این گفتیم که جامعه با وضع قواعدی از جمله قاعده‌ی مالکیت، حدود استفاده‌ی افراد و منافع آن‌ها را مشخص می‌سازد امّا گاهی همین قواعد موجب می‌شود گروه‌هایی در جامعه ثروت‌های کلان داشته باشند و عده‌ای در فقر دست و پا بزنند ؛ عده‌ای براساس بیان معروف «پول، پول می‌آورد»، هر روز ثروتمندتر و عده‌ای هر روز فقیرتر شوند. در چنین

حالتی، جامعه به دو گروه متفاوت تقسیم می‌شود که در یک سو امکانات مادی، آموزشی، رفاهی و... انباشته شده است و در سوی دیگر، فقر مادی، آموزشی، رفاهی و... بیداد می‌کند. این دو گروه هر روز از یکدیگر بیگانه‌تر می‌شوند ؛ تا آن‌جا که **دو فرهنگ متفاوت** نیز شکل می‌گیرد و جامعه به دو بخش تقسیم می‌شود.

همین دوگانگی سبب می‌شود که آشوب‌های داخلی شکل بگیرد، جامعه دچار نابسامانی شود و حتی نظام سیاسی دگرگون گردد.

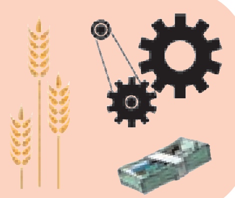
نظام اقتصادی و رواج پول‌پرستی

علاوه بر آثاری که پیش از این به آن‌ها اشاره کردیم، نظام اقتصادی جدید که مبتنی بر پول است، پول را به یک ارزش در جوامع تبدیل کرده است ؛ تا آن‌جا که مصلحان جوامع از ضعف و مرگ معنویات و وجدان و فراموش شدن هویت انسانی انسان‌ها سخن می‌گویند ؛ به عبارت دیگر، این امر باعث شده است که نظام اقتصادی پیامدی نامناسب در نظام اجتماعی بیابد ؛ تا آن‌جا که در جوامع مختلف به صورت مشکلی پیچیده درآمده و تلاش مصلحان برای حل آن کم‌تر موفق بوده است.



پیامدهای مناسب و نامناسب نظام اقتصادی

درس پنجم



نظام اقتصادی و فرد (۱)

برای سخن گفتن درباره‌ی رابطه‌ی فرد و نظام اقتصادی، ابتدا لازم است ببینیم در جهان پیچیده‌ی اقتصاد، فرد چه کاره است و برای ورود به چنین جهانی که در آن از نوازش مادرانه، دلسوزی پدرانه و همراهی دوستانه خبری نیست، چه باید کرد.

در بحث از رابطه‌ی فرد و نظام اقتصادی باید دو مطلب را از یکدیگر تفکیک کرد :

الف ــ گاه فرد در نظام اقتصادی، نقش تولیدکننده یا ارائه‌دهنده‌ی خدمت یا توزیع‌کننده را برعهده می‌گیرد. در این حالت، می‌توان وی را شاغل و فعالیت او را در آن نقش شغل نامید.

ب ــ فرد شاغل باشد یا نباشد، رابطه‌ی دیگری نیز با نظام اقتصادی دارد و آن رابطه‌ی مصرف‌کننده است.

اشتغال و آثار آن بر زندگی فرد

افراد در طول زندگی خود، همواره در نظام اقتصادی، مصرف‌کننده‌اند ولی در همه‌ی ادوار زندگی شاغل نیستند و تنها در سنین خاصی می‌توانند نقش اقتصادی برعهده بگیرند و شاغل شوند. جوانی دوره‌ای است که در آن، نقش تولیدکنندگی به نقش مصرف‌کنندگی افزوده می‌شود. یکی از وجوه بزرگ‌سال شناخته شدن جوان، داشتن شغل است.

با شاغل شدن، شرایط فرد هم تغییر می‌کند. پیش از این، او وابسته به خانواده یا فرد دیگری بوده است ولی از این پس ــ به قول معروف ــ می‌تواند دست در جیب خود کند و استقلال بیش‌تری داشته باشد ؛ در بسیاری از موارد می‌تواند خود تصمیم بگیرد و حتی عهده‌دار اداره‌ی زندگی دیگران شود.

شاغل بودن یکی از شرایط مهمّ ازدواج به‌خصوص برای پسران است. علت این امر، آن است که کار کردن از یک طرف خود یک ارزش به حساب می‌آید و موجب تعالی فرد می‌شود و از طرفی، شأن و منزلت اجتماعی، قدرت و نفوذ و برخورداری از امکانات مادی

تا حدّ زیادی به شغلی که فرد انتخاب می‌کند، بستگی دارد.

علاوه بر مواردی که گفتیم، شغل از جهات دیگر نیز بر زندگی فرد تأثیر دارد؛ مثلاً :

ــ کارگری که در طول روز در کارخانه مشغول کار است؛

ــ کارمندی که وقت مفید خود را در اداره صرف می‌کند؛

ــ کاسبی که در مغازه و بازار مشغول فعالیت است؛

در واقع بخش اعظم اوقات زندگی خویش را به فعالیتی در قالب یک شغل مشغول‌اند. در صورتی‌که این فعالیت‌ها موفقیت‌آمیز نباشد و فرد را خرسند نسازد، او از بخش عظیمی از زندگی‌اش بهره‌ای نبرده است؛ به همین دلیل، رضایت از شغل یکی از جنبه‌های مهمّ سعادت فردی است که از شغل مناسب حاصل می‌شود. چه بسا افرادی که در دیگر قلمروهای زندگی خود شکست خورده‌اند یا ناموفق بوده‌اند (مثلاً زندگی زناشویی) ولی موفقیت در شغل و رضایت حاصل از آن توانسته است شکست‌ها را برای آن‌ها جبران کند.

هم‌چنین، شغل یکی از راه‌های اصلی بروز خلاقیت است؛ زیرا در روزگار ما افراد نمی‌توانند مهارت‌های زیادی را در زمینه‌های مختلف کسب کنند؛ برای نمونه :

ــ فردی‌که در زمینه‌ی جغرافیا درس خوانده است، به‌سختی می‌تواند خلاقیت خود را در زمینه‌ی فلسفه نشان دهد.

ــ فردی‌که در بازار مشغول به‌کار است، به سختی خواهد توانست در طراحی ماشین‌های کارخانه‌ای فعال شود؛ از این‌رو، شغل فرد بهترین عرصه برای بروز خلاقیت فردی است.

ــ برای معلم بهترین عرصه‌ی بروز خلاقیت همان کلاس و تدریس و آزمون است.

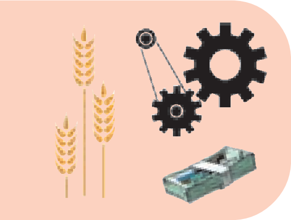
با توجّه به مقدمات ذکر شده، باید این نکته روشن شده باشد که انتخاب شغل در زندگی، انتخابی بسیار اساسی و مهم است که برهمه‌ی وجوه زندگی آینده‌ی فرد اثر می‌گذارد؛ انتخابی که حتی انتخاب همسر و زندگی موفق با وی و تربیت فرزندان نیز به آن بستگی دارد.

برای روشن شدن مطلب به مثالی توجه کنید :

فرض کنید فردی شغل معلمی را انتخاب کرده است؛

ــ شغلی‌که از منزلت اجتماعی بالایی برخوردار است؛

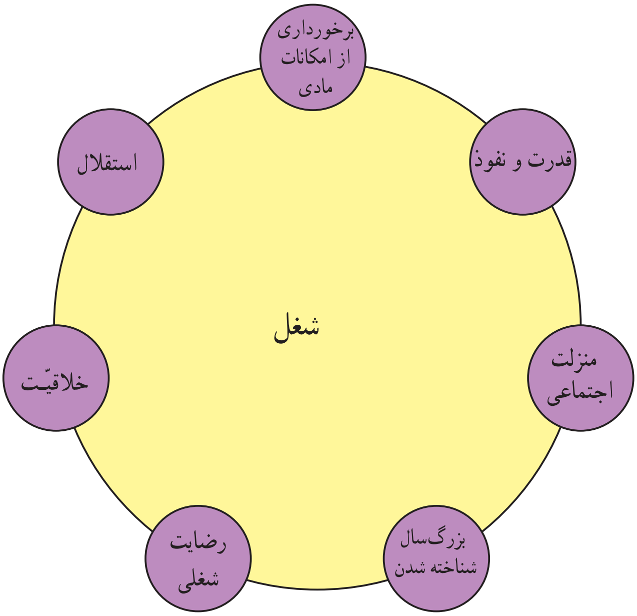
ــ شغلی‌که از دارنده‌ی آن انتظار می‌رود از ظرافت‌های تربیت انسان‌ها آگاه باشد؛



ـ و...

وی در تصمیم‌گیری‌ها عاقلانه عمل می‌کند وتا حدّ امکان می‌کوشد تمام جوانب امور را در نظر بگیرد. اگر بخواهد همسر انتخاب کند و خانواده تشکیل دهد، با توجه بیش‌تری به این کار توفیق می‌یابد ؛ حتی فرزندان او نیز ممکن است موفقیت بیش‌تری در تحصیل به‌دست آورند و با سرمشق گرفتن از پدر و مادر خود، مدارج علمی را با انگیزه‌ی بیش‌تری تعقیب کنند.

فعالیت ۱۳ ــ ۴ فردی را در نظر بگیرید که به دلایلی، شغل خود را از دست می‌دهد. به دنبال از دست دادن شغل، چه تغییراتی در وضعیت او در خانواده، جمع دوستان و جامعه به‌وجود خواهد آمد؟ در این باره در کلاس گفت و گو کنید.



نتایج و آثار شغل و شاغل شدن

نظام اقتصادی و فرد (۲)

شاید تاکنون برای بسیاری از شما این سؤال مطرح شده است که شغل خود را چگونه انتخاب کنم تا :

ــ در آینده فردی موفق باشم ؛

ــ از فعالیت خود احساس رضایت کنم ؛

ــ بتوانم از خلاقیت و استعداد خود در عرصه‌ی آن شغل بهره‌گیرم.

فعالیت ۱۴ ــ ۴ پیش از ادامه‌ی درس، در مورد پرسش ذکر شده فکر کنید و پاسخ‌های خود را بنویسید.

عوامل عمده در انتخاب شغل

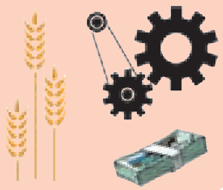
علاقه : علاقه اوّلین شرط انتخاب شغل است.

ــ فردی‌که از ناچاری و برای فرار از بیکاری به شغلی روی آورده است ؛

ــ فرزندی‌که به اجبار والدین و مصلحت‌اندیشی آن‌ها شغلی را برگزیده است،به اندازه‌ی فردی‌که به‌کار خود علاقه‌مند است و با شور و شوق سرکار حاضر می‌شود، موفق نخواهد بود.

استعداد : داشتن استعداد و توانایی در کار مورد علاقه، شرط دیگر انتخاب شغل است ؛ زیرا هر شغل توانایی‌های ذهنی و جسمی خاصی را می‌طلبد.

فرض کنید فردی با دیدن فیلمی از زندگی یک پرستار و از خودگذشتگی او به شغل پرستاری علاقه‌مند شود و آن را به عنوان شغل آینده‌ی خود انتخاب کند. تا این‌جا وی فقط به این شغل رغبت پیدا کرده است و اشتغال به آن را ارزشمند می‌داند. اگر این فرد زودرنج وکم‌حوصله باشد، آیا می‌تواند در شغل پرستاری توفیق یابد؟ شغلی که در آن روحیه‌ی خدمت به هم‌نوع، صبر و حوصله‌ی زیاد، آرامش روانی، حسّ همدردی و دلسوزی بسیار، اساسی و لازم است. مسلماً وی موفق نخواهد بود و در گام‌های اوّل در انتخاب خود تردید خواهد کرد.



نمونه‌ی دیگر، انتخاب شغل آزاد در بازار است. فرض کنید امکانات اشتغال به چنین کاری (مانند سرمایه و محل کسب و...) برای فردی که به این‌گونه کارها علاقه‌مند است، آماده باشد. به فرض پدر او اهل بازار باشد و این امکانات را در اختیار وی بگذارد. اگر این فرد روحیه‌ی خطر کردن و حسابگری نداشته باشد، به فرض که به این کار مشغول شود، آیا خواهد توانست توفیقی به دست آورد؟ مسلماً پاسخ منفی است.

نمونه‌ی سوم را برای این طرح می‌کنیم تا شما را با توانایی ذهنی دیگری آشنا کنیم و آن **توانایی و استعداد هوشی** است. تناسب استعداد و هوش با شغل مورد نظر، یک اصل شناخته می‌شود ؛ زیرا اگر فردی کم‌هوش شغلی را برگزیند که انجام آن به هوش و توانایی زیادی نیاز داشته باشد، به‌خوبی از عهده‌ی آن کار برنخواهد آمد و دچار شکست و محرومیت خواهد شد. هم‌چنین اگر فردی باهوش، شغلی را انتخاب کند که به هوش و توانایی ذهنی کم‌تری نیاز دارد، از شغلش رضایت کافی نخواهد داشت و به زودی خسته خواهد شد.

اکنون شغلی مانند کارگری را در نظر بگیرید. در چنین شغلی، داشتن میزانی از توانایی جسمانی، روحیه‌ی انجام دادن کارهای تکراری و یکنواخت و... شرط موفقیت است.

از توانایی‌ها و استعدادهایی که به‌آن‌ها اشاره کردیم، بعضی تقریباً زیستی و بعضی زیستی ــ اجتماعی اند. این توانایی‌ها و استعدادها را فرد قبل از اشتغال به کار به‌صورت ارثی یا در اثر تربیت به‌دست آورده است ؛ به عبارتی، آن‌ها را با خود به شغل خویش می‌آورد.

فعالیت ۱۵ ــ ۴ بعضی از استعدادها و توانایی‌های لازم برای مشاغل زیر را برشمارید :

ــ کشاورزی، رانندگی، معلمی و مدیریت.

مهارت : داشتن **مهارت** لازم برای انجام کارهای مربوط به شغل، از دیگر عوامل مهمی است که باید در انتخاب شغل مورد توجه قرار گیرد[1].

فرض کنید فردی به شغل بنّایی علاقه‌مند است و توانایی انجام این کار (توانایی

۱ــ امام صادق(ع) :«هر صاحب حرفه و صنعتی باید دارای سه خصلت باشد تا بتواند به‌وسیله‌ی آن درآمدی کسب کند. اوّل آن که در رشته‌ی علمی خویش مهارت داشته باشد، دوم آن که با درستکاری و امانت رفتار کند و سوم آن که با کارفرمایان حسن برخورد داشته باشد.» (بحارالانوار، جلد۱۷، ص۱۸۳)

جسمی، حدی از هوش، دقت و ظرافت در امور و...) را دارد. این کافی نیست و فرد باید مهارت‌های کارگران ساده‌ی بنّا مانند نحوه‌ی ساخت ملات و تهیه‌ی سیمان و گچ و... را داشته باشد و علاوه بر این‌ها، مهارت‌های خاصّ رشته‌ی خود را نیز کسب کند (مثلاً اگر کاشی‌کار است، نحوه‌ی چیدن کاشی، تراز کردن، ملات‌ریزی پشت آن‌ها و...) را به‌دست آورد. زمینه‌ی کسب این مهارت‌ها نیز آشنایی با بعضی ابزار و نحوه‌ی استفاده از آن‌ها را می‌طلبد (مثلاً تراز، شاقول و...). فرد این مهارت‌ها و اطلاعات را به مرور با شاگردی در کنار دست استادکار کسب می‌کند.

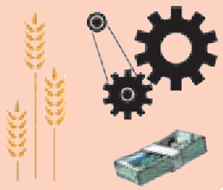
کسب مهارت‌ها از راه شاگردی اگرچه مرسوم بوده و است، ولی برای همه‌ی مشاغل امکان‌پذیر نیست. مشاغل مربوط به ساختمان، معماری و مهندسی ساختمان را در نظر بگیرید ؛معماران معمولاً بنّایان با سابقه‌ای‌اند که علاوه بر مهارت‌های بنّایان باید در کارهای دیگری نیز مهارت داشته باشند ؛ مثلاً در طراحی ساختمان‌های معمولی، مدیریت نیروی انسانی در کار بنّایی و ترکیب بهترین شرایط از نیروی کار و مصالح و... برای پیشبرد کار در کوتاه‌ترین مدت. معماران این مهارت‌ها را در طول سال‌ها و بر اثر تجربه کسب کرده‌اند.

در سطح بالاتر مهندسان قرار دارند. مهندس ساختمان باید این توانایی را داشته باشد که قبل از ساختن بنا، بنای ساخته شده را در ذهن مجسم کند ؛ مقاومت پایه‌ها را محاسبه کند ؛ نوع پی‌ریزی، آهن و مصالح دیگر را مشخص کند ؛ مقدار مصالح و نیروی انسانی لازم را تعیین کند و... .

این مهارت‌ها با چند سال تجربه یا شاگردی در کنار یک استاد بنّا به دست نمی‌آید بلکه آشنایی با علومی چون فیزیک، ریاضی و... و گذراندن دوره‌های تخصصی را می‌طلبد.

مهندس ساختمان ممکن است این مهارت را نداشته باشد که حتی آجری را بر آجری بگذارد اما این مهارت را دارد که بنا را قبل از ساختن مجسم کند ؛ بنابراین، داشتن توانایی ذهنی و قدرت انتزاع قوی، شرط اساسی کار وی است و او باید در این زمینه مهارت لازم را کسب کند.

چنان که ملاحظه می‌کنید، مهارت همیشه جسمی نیست. امروزه اغلب مهارت‌ها ذهنی است و از طریق تحصیل به دست می‌آید.



اکنون نمونه‌ی دیگری را بررسی می‌کنیم ؛ مدیر یک کارخانه یا اداره را در نظر بگیرید. کار مدیر، اداره‌ی افراد است و کسب این مهارت صرفاً به خواندن ریاضی و فیزیک و... نیاز ندارد بلکه در آن آشنایی با :

ــ امور روانی انسان‌ها، نیازها، خواست‌ها و توانایی‌های آن‌ها

ــ سازمان و تشکیلات و اهداف آن و مهارت استفاده از انسان‌ها در جهت تحقق اهداف سازمان ضرورت دارد.

مهارت‌های یک مدیر با مهارت‌های مهندس ساختمان متفاوت است. مدیر با انسان‌ها، با همه‌ی ظرافت‌های روحی و روانی‌شان و ارزش‌ها و اعتقاداتی که برای آن‌ها مقدس است، سروکار دارد ؛ بنابراین، به مهارتی به مراتب پیچیده‌تر از مهارت مهندس ساختمان نیاز دارد و به همان میزان، بیش‌تر به هوش و اطلاعات نیازمند است.

مهارت‌های دانشمندان و اهل تحقیق از نوع دیگری است. آن‌ها با مفاهیم کار می‌کنند. دنیای کار آن‌ها ذهن و مفاهیم است ؛ بنابراین، باید بدانند با این مفاهیم چگونه کار کنند و چگونه آن‌ها را به کار بگیرند.

خویشتن‌پنداری : گاهی اوقات فرد با وجود رغبت و میل اولیه، داشتن استعداد و توانایی و مهارت در زمینه‌ی شغلی خاص، پس از مدتی احساس می‌کند که آن شغل برای وی مناسب نیست یا برای آن کار ساخته نشده است. وی با فعالیت در آن شغل، احساس کمبود می‌کند و حتی ممکن است آن را رها کند و مدت‌ها از شغلی به شغل دیگر روی آورد.

چرا چنین وضعی پیش می‌آید؟

در پاسخ به این پرسش، علمای روان‌شناسی از مفهوم خویشتن پنداری سخن می‌گویند.

هر فرد با زندگی در اجتماع به تصوری از خود و از آن‌چه باید بشود، دست می‌یابد. در صورتی‌که شغل انتخابی، فرد را از این تصور دور کند یا به تحقق آن تصور کمک نکند، فرد خود را مغبون احساس می‌کند و نسبت به آن شغل بی‌میل می‌شود.

فرض کنید فردی در جریان زندگی به این تصور از خود دست یابد که توانایی اداره و رهبری جمعی را داراست ؛حال اگر با این تصور، کارمند ساده‌ی یک اداره بشود، سرنوشت وی در این شغل چه خواهد بود؟ شغلی که تبعیت از دستورات مافوق یکی از لوازم کاری آن است.

ـ اگر به این نتیجه برسد که می‌تواند در سلسله مراتب اداری رشد کند و به مقام مدیریت و مسئولیت اداری برسد، احتمال دارد در آن کار باقی بماند.

امّا اگر به این نتیجه برسد که تا آخر عمر باید کارمندی ساده باقی بماند، برای وی آن شغل جز خستگی و... چیزی به دنبال نخواهد داشت.

فردی را تصور کنید که تبعیت و اطاعت از دستورات رهبران و مدیران، جزء تصور وی از خودش است. اگر این فرد را در مقام مدیریت یک اداره بگذارند، این تصور او را در این مقام ناموفق خواهد ساخت؛ زیرا او برای تصمیم‌گیری و صدور دستور که یکی از لوازم کار مدیریت است، همیشه منتظر دستور دیگران خواهد بود و درنتیجه، به جای اداره کردن دیگران، دیگران او را اداره خواهند کرد.

فعالیت ۱۶ ــ ۴ درباره‌ی موارد زیر در کلاس گفت‌وگو کنید؛

ـ فردی که خطر کردن و فعالیت در زمینه‌های بدیع، جزء تصور وی از خودش است ولی به کاری ساده و تکراری مشغول می‌شود؛

ـ فردی که آرامش و عدم تحرک، جزء تصور وی از خودش است و به‌کاری پرتحرک مشغول می‌شود.

محیط و شرایط اجتماعی: فرض کنید که فرد در انتخاب شغل به استعداد، علاقه و... خود توجه کرده و براساس آن شغل خویش را انتخاب کرده است. آیا می‌توان گفت او در شغل خود موفق است؟

پاسخ به این پرسش را با بررسی دو نمونه‌ی فرضی آغاز می‌کنیم.

نمونه‌ی اوّل:

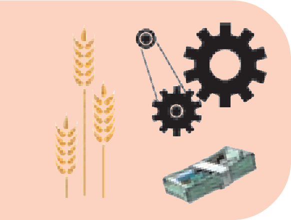
فردی را در نظر بگیرید که به صنعتگری:

ـ رغبت کامل دارد؛

ـ استعداد و توانایی انجام آن را هم دارد؛

ـ مهارت‌های لازم را هم در این زمینه کسب کرده است؛

ـ این شغل با تصور وی از خودش نیز تناسب دارد و او احساس می‌کند که برای این کار ساخته شده است.



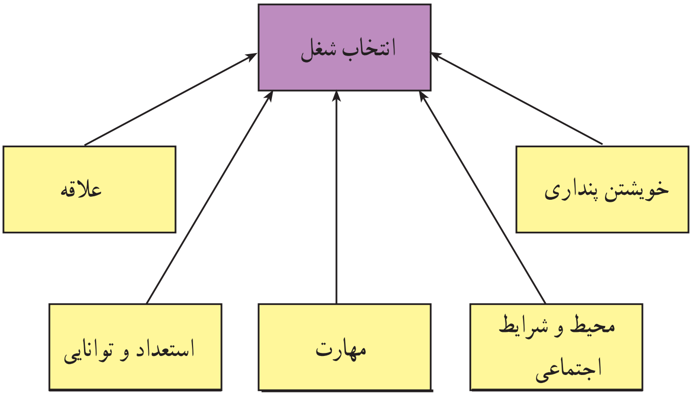
اگر این فرد از خانواده‌ای اشرافی باشد که صنعتگری را شغلی دون منزلت اجتماعی خود بدانند یا با کسی ازدواج کند که این شغل برای او، شغلی کم مزیت، بدون آینده و... باشد، برای این فرد چه پیش خواهد آمد؟

نمونه‌ی دوم:

فردی را در نظر بگیرید که با بررسی همه‌ی جوانب به این نتیجه رسیده است که باید به دامپروری مشغول شود. پس با استفاده از وام و امکانات دولتی یک مؤسسه‌ی گاوداری تأسیس می‌کند و به کار می‌پردازد. اگر این فرد در خانواده‌ای زندگی کند که پرداختن به این امور را کاری بیهوده یا دون شأن تلقی می‌کنند یا در محیطی زندگی کند که افراد آن دامپروری را شغلی پرمشغله و بدون مزایا می‌دانند، برای او چه پیش خواهد آمد؟

او باید به‌طور مداوم با فشارهای خانواده، همسر و محیط مقابله کند؛ تا آن‌جا که این احساس در وی سر برمی‌آورد که چرا این شغل را انتخاب کرده است.

بنابراین، توجه به محیط و شرایط اجتماعی نکته‌ی پنجم در انتخاب شغل است که فرد باید به آن توجه داشته باشد.



عوامل مؤثر بر انتخاب شغل

فعالیت ۱۷ ــ ۴ یک بار دیگر، آن‌چه را در پاسخ به پرسش ابتدای این درس یادداشت کرده‌اید، مرور کنید و با توجه به مطالب درس آن را کامل کنید.

البته در کنار عوامل فردی در انتخاب شغل باید به عامل جامعه و نیازهای آن نیز توجه کرد. این عامل در درس بعد مورد بحث قرار می‌گیرد.

آسیب‌های نظام اقتصادی

نظام اقتصادی نیز مانند نظام‌های اجتماعی دیگر، مسائل خاصّ خود را دارد. پدیده‌هایی چون بیکاری، تورّم، گران‌فروشی، مصرف‌گرایی و اسراف، مشکل مسکن و فقر، مسائلی‌اند که نظام اقتصادی با آن‌ها روبه‌روست و ما در بررسی آن‌ها به تعارضات ساختی، عدم تعادل و هماهنگی میان خرده نظام‌ها خواهیم رسید. در این قسمت یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها یعنی بیکاری را بررسی می‌کنیم.

مفهوم بیکاری

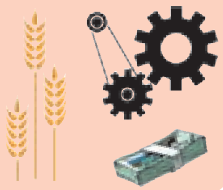
مسلماً عدم اشتغال کودکان و پیران را کسی بیکاری نمی‌نامد. در عرف، «بیکار» به فردی گفته می‌شود که می‌تواند کاری انجام دهد و شغلی داشته باشد، ولی شغلی پیدا نمی‌کند. معنای بیکاری این نیست که فرد هیچ‌کاری نمی‌کند، بلکه معنای آن، این است که او شغل و در نتیجه درآمدی ندارد.

در کنار این مفهوم از بیکاری‌که به آن بیکاری آشکار می‌گویند، بیکاری فصلی، اشتغال کاذب و بیکاری پنهان نیز وجود دارد که انواع دیگر بیکاری‌اند. در زیر به‌اختصار درباره‌ی هر یک از این موارد توضیح می‌دهیم.

بیکاری فصلی نوعی از بیکاری است که در آن، فرد مدّتی از سال شغلی دارد ولی در بقیّه‌ی ایّام سال به کار مشغول نیست ؛ مانند مشاغل کارگران ساختمانی، کارگران کشاورزی و نظایر این‌ها.

در اشتغال کاذب نیز فرد دارای شغل و درآمد است ولی شغل وی در نظام اقتصادی نتیجه‌ای مطلوب ندارد. مشاغلی مانند دلالی، کوپن‌فروشی و سیگارفروشی (در بعضی از اشکال آن) اشتغال کاذب‌اند.

اکنون تصوّر کنید که یک مهندس برق که برای امور فنّی تربیت شده است، به رانندگی



تاکسی بپردازد. اگرچه شغل او برای نظام اقتصادی نتیجه‌ی مطلوب دارد امّا از استعداد و توانایی وی در حد مطلوب استفاده نشده است. به این نوع اشتغال که در آن از حداکثر استعداد و توانایی فرد استفاده نمی‌شود، **بیکاری پنهان** می‌گویند.

فعالیت ۱۸ــ ۴ پیش از ادامه‌ی درس، در مورد این پرسش فکر کنید : چرا در یک جامعه، پدیده‌ای به نام بیکاری (چه آشکار چه پنهان) به‌وجود می‌آید؟ پاسخ‌های خود را یادداشت کنید.

عوامل بیکاری

الف ــ رشد جمعیت : روستایی را با حدود ۱۰۰ هکتار زمینِ قابل کشت در نظر بگیرید. فرض کنید در این روستا ۵ خانوار زندگی می‌کنند و جمعیت روستا در مجموع ۳۰ نفر است اگر اهالی روستا بخواهند زندگی خود را تنها از راه کشاورزی تأمین کنند، به هر خانوار حدود ۲۰ هکتار زمین می‌رسد که همه‌ی افراد در آن مشغول به‌کار می‌شوند و زندگی آن‌ها از این راه تأمین می‌شود امّا جمعیت روستا در همین حد باقی نخواهد ماند و خانوارهای جدیدی به آن اضافه خواهد شد ؛ در حالی‌که مقدار زمین ثابت است. زمانی خواهد رسید که دیگر، افراد نمی‌توانند در این مقدار زمین به کار مشغول شوند. در این حالت، یا کارها با در نظر گرفتن افراد جدید تقسیم خواهد شد یا افراد سابق افراد جدید را در جمع خویش نخواهند پذیرفت. در هر دو حالت، پدیده‌ای به نام بیکاری (در حالت اوّل پنهان و در حالت دوم آشکار) به وجود می‌آید و به صورت یک مشکل برای مردم این روستا مطرح می‌شود ؛ این مشکل ممکن است زندگی مردم روستا را دچار اختلال کند.

این بررسی یکی از علل بیکاری را به ما نشان می‌دهد و آن **عدم تناسب جمعیت و امکانات اقتصادی** است.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که رشد جمعیت در آن‌ها سریع است، عدم تناسب جمعیت و امکانات اقتصادی یکی از علل اصلی بیکاری به‌شمار می‌رود. بیکاری به صورت آشکار یا پنهان (اشتغال کاذب) از مشکلات جامعه‌ای است که نمی‌تواند به تناسب

جمعیتی که وارد بازار کار می‌شوند، شغل ایجاد کند.

ب ــ نظام آموزشی : امروزه بسیاری از مشاغل به تخصص نیاز دارند ؛ یعنی، فرد قبل از به‌عهده گرفتن آن‌ها باید یک دوره‌ی آموزشی را طی کند تا مهارت‌های لازم را به‌دست آورد. با استفاده از تعلیمات نظام آموزش و پرورش و دانشگاه می‌توان به مهارت‌ها و اطلاعات لازم دست یافت. اگر نظام آموزش رسمی به مهارت‌هایی‌که نظام اقتصادی و مشاغل به آن‌ها نیاز دارند، توجه نکند یا به افراد آموزش‌هایی بدهد که در نظام اقتصادی کارایی ندارد یا برای بعضی مشاغل مناسب نیست، نیرویی‌که وارد بازار کار می‌شود یا بیکار می‌ماند یا به مشاغل کاذب روی خواهد آورد.

در این حالت، می‌توان از شرایطی صحبت کرد که طیّ آن، نظام آموزشی افراد را برای مشاغلی چون مهندسی و کارشناسی تربیت می‌کند ؛ در حالی‌که در کارخانه‌ها جای افرادی چون تکنیسین (فن‌ورز)ها خالی است ؛ درنتیجه، در رده‌های کاری کارخانه در یک‌سو مهندسان را داریم و در سوی دیگر کارگران را ؛ بدون این که نیرویی وجود داشته باشد که به عنوان رابط این دو گروه، نظام تقسیم کار را کامل کند.

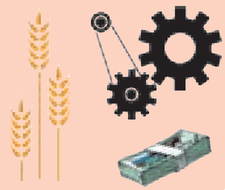
همین‌طور می‌توان از شرایطی صحبت کرد که طیّ آن به افراد آموزش‌هایی در حدّ کارشناسی ارشد و دکتری داده می‌شود ولی در نظام اقتصادی از آن‌ها در حدّ کارشناس استفاده می‌شود.

افرادی که در حدّ دیپلم آموزش دیده‌اند ولی به کارهایی مشغول می‌شوند که اطلاعاتی در حدّ سیکل لازم دارد، نمونه‌ی دیگری از این مورد است.

این مطلب را می‌توان با عنوان عدم تعادل و ناهماهنگی میان نظام آموزشی و نظام اقتصادی بیان کرد.

هم‌چنین، ممکن است در جامعه، باورها و نگرش‌های نادرستی (مانند ترجیح مشاغل راحت و پشت میزنشینی به کارهای تولیدی و دشوار) نسبت به کار و شغل وجود داشته باشد ؛ در این حالت، نظام آموزشی می‌تواند در کنار عوامل دیگری هم‌چون خانواده، رسانه‌ها، مساجد و... با اصلاح این باورها، بر نوع و میزان بیکاری اثر بگذارد.

در ضمن، نظام آموزشی می‌تواند با ترویج و تقویت باورها و نگرش‌های مناسب به کار



(مانند نگرشی که کار را علاوه بر منبع درآمد، امری مقدس و وسیله‌ی ضروری ترقی و تعالی انسان نیز بشمارد) بر چگونگی وضعیت اشتغال و بیکاری تأثیر بگذارد.

پ ــ ماشینی شدن و خودکاری (اتوماسیون) : اکنون گامی فراتر می‌گذاریم و به علت دیگر بیکاری که بسیاری از جوامع کنونی را شامل می‌شود، اشاره می‌کنیم : ماشینی شدن و خودکاری (اتوماسیون) یا جایگزینی ماشین به جای انسان و هر چه بیش‌تر ماشینی کردن کارها.

فعالیت ۱۹ ــ ۴ در کلاس در مورد موضوع زیر گفت‌و گو کنید.

چگونه ماشینی شدن موجب بیکاری می‌شود؟

عواملی که از آن‌ها یاد کردیم، عواملی‌اند که خارج از نظام اقتصادی، حوزه‌ی جمعیت، نظام آموزشی، صنعت و فنّاوری علل بیکاری شناخته می‌شوند. در درون نظام اقتصادی هم عواملی وجود دارد که موجب افزایش یا کاهش بیکاری می‌شود که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

ت ــ عدم تعادل در نظام اقتصادی : افرادی‌که در شهرها زندگی می‌کنند با پدیده‌ای به نام سیگارفروشی در سر چهارراه‌ها و کنار خیابان‌ها آشنایند و احتمالاً شنیده‌اند که این کار شغلی کاذب است. هم‌چنین با تکدّی به عنوان شغلی کاذب و نیز نامشروع آشنایند.

علت این‌که چرا می‌گوییم کاذب، این است که در نظام اقتصادی اثر مطلوبی ندارد امّا در شهری مانند تهران شاید هزاران نفر و حتی ده‌ها هزار نفر به این کار مشغول‌اند و درآمد آن‌ها هم گاه بیش از بسیاری مشاغل مفید جامعه است. بسیارند کسانی که به کار تولید مشغول‌اند و درآمد آن‌ها کم‌تر از ثلث و نصف درآمد سیگارفروش‌ها و مشاغل مشابه آن است. این مشاغل هم‌چنین به پیشینه‌ی آموزش رسمی نیز نیازی ندارند.

بعضی از مشاغلی که از آن‌ها با عنوان واسطه یاد می‌شود، نیز از این نوع‌اند. صاحبان این مشاغل بدون این‌که در نظام اقتصادی اثر مطلوبی داشته باشند فقط به صورت مجموعه‌ای از واسطه‌ها میان تولیدکننده و مصرف‌کننده قرار گرفته‌اند.

فعالیت ۲۰ ــ ۴ در کلاس بحث کنید :

ــ چرا مشاغل واسطه‌گری در جامعه به‌وجود آمده‌اند؟

ــ سه نمونه از مشاغل واسطه‌ای را نام ببرید که در نظام اقتصادی اثر مطلوب دارند.

ــ سه نمونه از مشاغل واسطه‌ای را نام ببرید که در نظام اقتصادی اثر نامطلوب دارند.

ــ با وجود اثر نامطلوب بعضی از مشاغل واسطه‌ای در نظام اقتصادی، چرا افراد ترجیح می‌دهند که در این مشاغل مشغول به کار شوند؟

هنگامی‌که نظام اقتصادی به نحوی سازمان یافته باشد که سودآوری تجارت و خرید و فروش بیش از کار تولیدی باشد، گرایش افراد به کارهای تولیدی کم می‌شود. این یکی از نشانه‌های عدم تعادل و ناهماهنگی در نظام اقتصادی است.

ث ــ رکود اقتصادی: ممکن است بیکاری نتیجه‌ی رکود اقتصادی باشد ؛ یعنی، شرایطی‌که در آن عرضه برتقاضا پیشی می‌گیرد و در خرید و فروش کالاها، رکود ایجاد می‌شود. در این حالت، فعالیت‌های اقتصادی از رونق می‌افتند، تولیدکنندگان از تولید باز می‌مانند، افراد از سرمایه‌گذاری جدید خودداری می‌کنند و درنتیجه، نیروی کاری که تازه وارد بازار شده است و حتی نیروی کار ماهر، بیکار می‌مانند.

ج ــ زیربنای اقتصادی: کشوری که نمی‌تواند زیربنای اقتصادی لازم را برای رشد اقتصادی فراهم آورد، با بیکاری روبه‌رو می‌شود.

قبلاً گفتیم که کشورهای توسعه نیافته اغلب با رشد جمعیت مواجهند و باید متناسب با رشد جمعیت، مشاغل جدیدی را ایجاد کنند ؛ زیرا در غیر این صورت، تعداد بیکاران افزایش خواهد یافت ؛ ایجاد مشاغل جدید نیز با دستورالعمل و توصیه و نصیحت ممکن نیست بلکه به زمینه‌هایی نیاز دارد که بخش عمده‌ای از آن‌ها اقتصادی است.

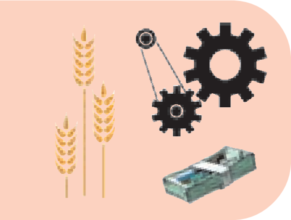
برای نمونه:

ــ کشوری که فاقد صنایع زیر بنایی باشد ؛

ــ سرمایه‌ی لازم را برای ایجاد صنایع زیر بنایی نداشته باشد ؛

ــ فاقد نیروی متخصص لازم برای ایجاد این صنایع باشد،

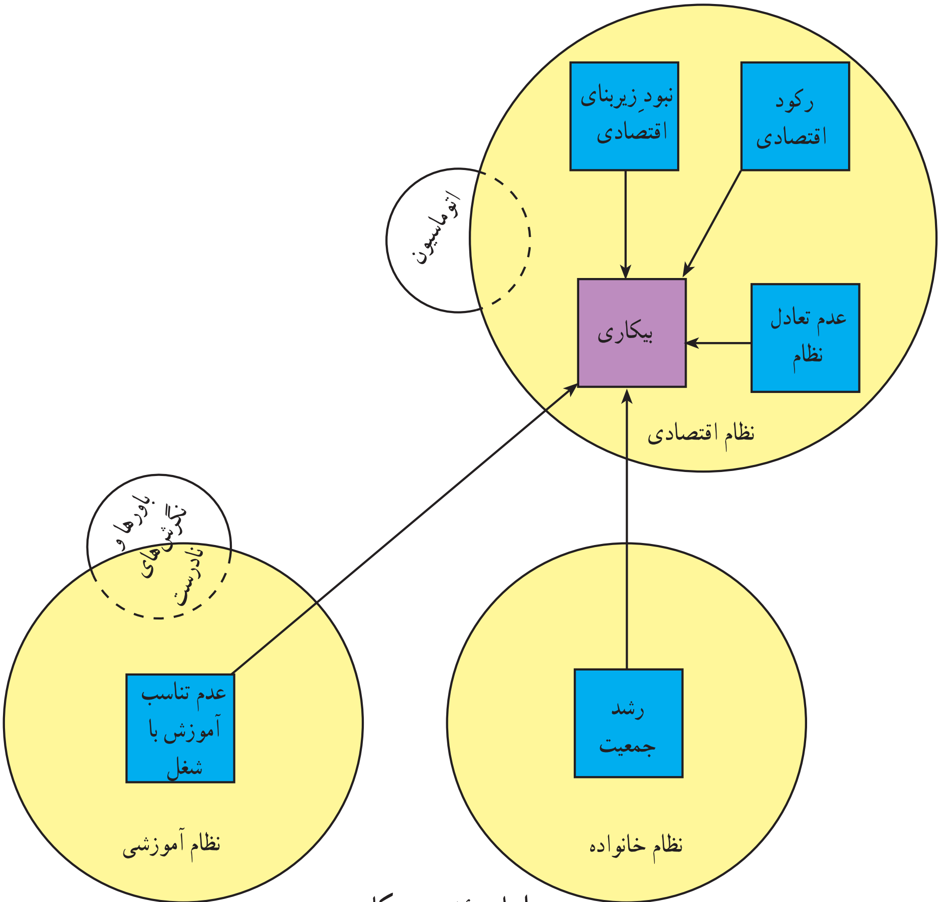
در بسیاری از زمینه‌های صنعت، رشد نخواهد کرد و درنتیجه، مشاغل جدید هم ایجاد نخواهد شد.



ــ کشوری که نتواند منابع آب خویش را ذخیره و به‌طور مطلوب مصرف کند، نخواهد توانست در زمینه‌ی کشاورزی هم مشاغل جدیدی ایجاد نماید.

بنابراین، گاه نبودِ زیربنای اقتصادی قوی موجب می‌شود صنعت و کشاورزی از رشد باز مانند و درنتیجه، بیکاری آشکار و پنهان افزایش یابد.

عواملی که از آن‌ها نام بردیم، بعضی از عوامل اقتصادی و غیراقتصادی بیکاری در جوامع هستند اما بیکاری یکی از مشکلات و مسائل اقتصادی است. امور نامطلوب بسیار دیگری هم هست که به عنوان مشکل و مسئله مطرح می‌شوند و حاصل ناهماهنگی و عدم تعادل میان خرده‌نظام‌های مختلف در جامعه‌اند.



عوامل مؤثر بر بیکاری

فعالیت ۲۱ ـــ ۴ یک بار دیگر، آن‌چه را در پاسخ به پرسش ابتدای این درس یادداشت کرده‌اید، از نظر بگذرانید و با توجه به مطالب درس، آن را کامل کنید. سپس یکی از مسائل اقتصادی زیر را انتخاب و براساس الگوی بحث بیکاری، در مورد آن تحقیق کنید. نتیجه‌ی تحقیق خود را در کلاس گزارش کنید.

ـ تورم

ـ گران فروشی

ـ مصرف‌گرایی

ـ فقر.

پرسش‌های فصل

۱ ـ نظام اقتصادی از چه اجزایی تشکیل می‌شود؟

۲ ـ رابطه‌ی اقتصادی با رابطه‌ی دوستانه چه تفاوت‌هایی دارد؟

۳ ـ نظام پولی چیست و چه تأثیری بر فعالیت‌های اقتصادی دارد؟

۴ ـ نظام تولیدی چیست و چه نقشی در نظام اقتصادی دارد؟

۵ ـ نظام توزیع چیست و چه تأثیری بر زندگی اقتصادی دارد؟

۶ ـ محیط طبیعی چه تأثیری بر نظام اقتصادی کشورها دارد؟

۷ ـ رابطه‌ی پیشرفت‌های علمی و صنعتی یک کشور را با اقتصاد آن کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید.

۸ ـ به نظر شما، چه عواملی باعث می‌شود که مردم به کالاهای غیرضروری احساس نیاز کنند؟

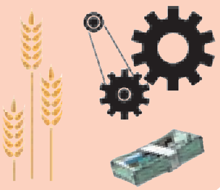
۹ ـ می‌دانید که بین رفتار اقتصادی مردم با پیشرفت اقتصادی رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد. با ذکر چند رفتار اقتصادی مناسب برای جامعه‌ی ما، تأثیرات آن‌ها را بر توسعه‌ی اقتصادی بررسی کنید.

۱۰ ـ دولت با چه ابزارهایی می‌تواند در تنظیم امور اقتصادی دخالت کند؟

۱۱ ـ اگر صنعت به‌سرعت بر روابط اقتصادی یک کشور تأثیر گذارد، چه مشکلاتی برای جامعه پیش می‌آورد؟ چرا؟

۱۲ ـ اگر کسی بدون علاقه، شغلی را انتخاب کند، با چه مشکلاتی روبه‌رو می‌شود؟

۱۳ ـ رابطه‌ی استعداد و توانایی فردی را با انتخاب شغل توضیح دهید.



۱۴ــ رابطه‌ی خویشتن پنداری و انتخاب شغل را بررسی کنید.

۱۵ــ نبودِ زیربنای اقتصادی چگونه موجب بیکاری می‌شود؟

مروری بر فصل

۱ــ بخشی از فعالیت‌های هر نظام که برای تولید کالاها و خدمات مورد نیاز مردم انجام می‌گیرد، «فعالیت‌های اقتصادی» نامیده می‌شود.

۲ــ در هر نظام اقتصادی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی، روابط معینی بین افراد به‌وجود می‌آید ؛ به این روابط «روابط اقتصادی» گفته می‌شود.

۳ــ جامعه برای حفظ یکپارچگی خود، قواعدی را برای تعیین حدود منافع افراد مشخص می‌کند که از آن‌ها به «قاعده‌ی مالکیت» یاد می‌شود.

۴ــ مجموعه روابطی که بر محور تولید و مبادله‌ی کالا و خدمات و براساس قواعد تعیین شده توسط جامعه (قاعده‌ی مالکیت) شکل می‌گیرد، نظام اقتصادی را به وجود می‌آورد.

۵ــ نظام تولیدی، نظام توزیع، نظام پولی و بانکی خرده نظام‌های نظام اقتصادی یک کشور را تشکیل می‌دهند.

۶ــ در هر کشور، نظام اقتصادی با محیط طبیعی رابطه‌ی مستقیم دارد. غنای محیط طبیعی یکی از عوامل رشد اقتصادی است.

۷ــ رشد علم موجب توسعه‌ی صنایع کشور می‌شود و صنعت و فنّاوری باعث پیشرفت اقتصادی می‌شود.

۸ــ رشد علم به ارزش‌های جامعه بستگی دارد.

۹ــ آموزش و پرورش با آماده ساختن افراد برای زندگی اجتماعی و ایجاد صلاحیت‌ها و توانایی‌های لازم در آن‌ها، زمینه‌ی لازم را برای رشد و توسعه‌ی اقتصادی فراهم می‌کند.

۱۰ــ نظام اقتصادی با تأمین نیازهای افراد جامعه رابطه‌ی مستقیم دارد. در صورتی‌که نیازهای افراد با سرعتی بیش از رشد اقتصاد گسترش یابد، جامعه دچار عدم‌تعادل و نابسامانی می‌شود.

۱۱ــ دولت با تنظیم و اجرای برنامه‌های اقتصادی، بر نظام اقتصادی اثر می‌گذارد و امور اقتصادی را هدایت می‌کند.

۱۲ــ خانواده از یک سو برای نظام اقتصادی، مصرف‌کننده و از سوی دیگر نیروی کار فراهم می‌کند.

۱۳ ــ نظام اقتصادی وظیفه‌ی حفظ حیات مادی جامعه را برعهده دارد.

۱۴ ــ اگر سرعت تأثیر صنعت بر روابط اقتصادی خیلی سریع نباشد، افراد می‌توانند خود را با شرایط جدید وفق دهند ولی اگر سرعت این تغییرات زیاد باشد، جامعه دچار عدم‌تعادل می‌شود.

۱۵ ــ از پیامدهای نامطلوب نظام اقتصادی، به‌وجود آمدن تضادّ طبقاتی و رواج پول‌پرستی است.

۱۶ ــ اگر شغل فرد با علاقه و توانایی‌های او هماهنگ باشد، فرد موفقیت بیش‌تری به‌دست می‌آورد.

۱۷ ــ برای انجام هر کار مهارت لازم است. مهارت از راه آموزش یا کسب تجربه به‌دست می‌آید.

۱۸ ــ اگر فرد توانایی‌های خود را بیش از میزانی تصور کند که برای انجام کار معین یا شغل خود به آن نیاز دارد، نسبت به شغل خویش بی‌میل می‌شود.

۱۹ ــ محیط اجتماعی باعث می‌شود که گاهی فرد برای کسب وجهه‌ی اجتماعی شغل انتخاب کند.

۲۰ ــ «بیکاری» یکی از مسائل اقتصادی است. رشد جمعیت، عدم تعادل بین نظام آموزشی و نیازهای مشاغل، ماشینی شدن کارها، رکود اقتصادی، نبودن زیربنای اقتصادی لازم از عوامل به‌وجود آورنده‌ی بیکاری‌اند.

فصل پنجم

نظام سیاسی

انتظار می‌رود دانش‌آموز در پایان این فصل بتواند :

۱ــ مفهوم نظام سیاسی و اجزای اصلی آن را توضیح دهد.

۲ــ عمده‌ترین وظیفه‌ی نظام سیاسی را بیان کند.

۳ــ دو نظام سیاسی خودکامه و قانونی را مقایسه کند.

۴ــ ویژگی‌های نظام جمهوری‌اسلامی ایران را بیان کند.

۵ــ ساختار سیاسی نظام جمهوری‌اسلامی ایران را با نظام‌های دیگر مقایسه کند.

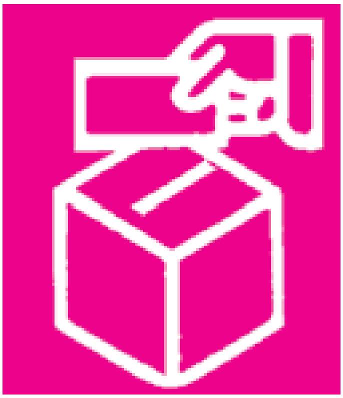
۶ــ ضرورت و اهمیت مشارکت سیاسی را شرح دهد.

۷ــ راه‌های مختلف مشارکت سیاسی افراد را در جامعه با یکدیگر مقایسه کند.

۸ــ شرکت در انتخابات را مهم‌ترین نقش فرد در نظام سیاسی بداند.

۹ــ تأثیر متقابل نظام سیاسی را بر خانواده تجزیه و تحلیل کند.

۱۰ــ تأثیر متقابل نظام سیاسی را بر نظام آموزشی شرح دهد.



درس اوّل

مفهوم نظام سیاسی

افراد در کنار دوستی با یکدیگر که به تشکیل گروه منجر می‌شود و در آن احساس یگانگی و وحدت می‌کنند، دچار برخورد و تعارض هم می‌شوند ؛ مثلاً :

ــ در خانواده، با وجود احساس همدلی و یگانگی میان اعضا، ممکن است میان زن و شوهر، والدین و فرزندان و نیز فرزندان با یکدیگر اختلافاتی پیش آید ؛

ــ در یک گروه دوستی، با وجود صداقت وصمیمیت میان اعضا، گاهی ممکن است اختلافاتی نیز مشاهده شود ؛ شاید شما هم تجربه‌ی این اختلافات را داشته باشید.

بنابراین، می‌توان گفت : وحدت و یگانگی یک روی زندگی اجتماعی و کشاکش و برخورد روی دیگر آن است. در این برخوردها افراد می‌خواهند به یکدیگر دستور دهند یا به عبارت دیگر، اراده‌ی خویش را به یکدیگر تحمیل کنند.

فعالیت ۱ ــ ۵ در کلاس بحث کنید :

برای حلّ دعواها و درگیری‌ها درون گروه‌های زیر، چه چاره‌ای باید اندیشید؟

۱ــ در خانواده میان فرزندان

۲ــ در میان خویشاوندان

۳ــ در مدرسه میان دانش‌آموزان.

در سطح جامعه نیز روابطی شبیه آن چه گفته شد در جریان است. در یک جامعه افراد و گروه‌ها در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و گاه میان آن‌ها برخورد و اختلاف پیش می‌آید ؛ مثلاً ممکن است :

ــ افرادی مقررات را رعایت نکنند (به هنجارها عمل نکنند) و به این ترتیب زندگی اجتماعی را مورد تهدید قرار دهند ؛

ــ گروه‌هایی برای پایمال کردن حقوق گروه‌های دیگر گام بردارند.

بنابراین، افراد و گروه‌هایی که به هنجارها عمل نمی‌کنند، تعادل و هماهنگی جامعه را مختل می‌سازند. گاه تعادل و هماهنگی یک جامعه‌ای به دنبال تجاوز جامعه‌ای دیگر به

قلمرو سرزمینی آن با اختلال روبه‌رو می‌شود.

گاهی نیز ارتباط میان جوامع و همراه با آن انتقال فرهنگ و فنّاوری از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر، تعادل نظام اجتماعی را مختل می‌کند.

هم‌چنین ممکن است عواملی چون محدودیت قلمرو سرزمینی و منابع غذایی، جمعیت زیاد و ... جامعه را تهدید کنند.

در این گونه موارد، چاره‌اندیشی برای رفع اختلالات و عدم تعادل‌ها ضروری و اساسی است.

در گروه‌ها، در کنار نقش‌های مختلف، نقش‌هایی برای حلّ درگیری‌ها و منازعات نیز شکل می‌گیرد ؛ به بیان دیگر، حلّ دعواها و درگیری‌ها به نقش‌هایی محوّل می‌شود ؛ مثلاً :

ــ ریش سفید در محله

ــ پدر یا مادر در خانواده

ــ پیران و افراد مسن در میان خویشاوندان

ــ و ... .

جامعه نیز در مقابل هر گونه تهدیدی که ممکن است موجب اختلال در تعادل و هماهنگی آن شود، نقش‌هایی را در نظر می‌گیرد. معمولاً این نقش‌ها اختیار استفاده از اجبار فیزیکی (زور) را دارند ؛ مثلاً :

ــ پلیس

ــ قاضی

ــ وزیر دفاع

ــ و ... .

فعالیت ۲ ــ ۵ برای هر یک از عوامل برهم زننده‌ی تعادل نظام اجتماعی که در زیر آمده است، دو نمونه‌ی دیگر ذکر کنید.

الف ــ تضادها و اختلافات داخل جامعه : ۱ــ برخورد میان هندوها و مسلمانان در جامعه‌ی هند، ۲ــ ... و ۳ــ ...

ب ــ انحراف از قانون : ۱ــ احتکار، ۲ــ ... و ۳ــ ...

پ ــ تهدید خارجی : ۱ــ ادعای عراق درباره‌ی بخشی از خاک کویت،۲ــ ...

و ۳ــ ...

بنابراین، به نقش‌هایی که با هدف **حفظ تعادل نظام اجتماعی** شکل گرفته‌اند و می‌توانند در صورت لزوم از اجبار فیزیکی (زور) استفاده کنند، **نقش‌های سیاسی** و به مجموعه‌ی به‌هم پیوسته‌ی آن‌ها **نظام سیاسی** می‌گویند.

فعالیت ۳ ــ ۵ با دقت در نقش‌های زیر و مقایسه‌ی الگوهای عمل مربوط به آن‌ها، مشخص کنید این نقش‌ها، تعادل نظام اجتماعی کل را در مقابل کدام یک از تهدیدها حفظ می‌کنند.

نقش‌ها	حلّ تضادها و اختلافات درون جامعه	مقابله با انحراف از قانون	مقابله با تهدید خارجی
رهبری			
ریاست جمهوری			
ریاست قوه‌ی قضاییه			
دبیر کل یک حزب			

انواع نظام سیاسی

همان‌طورکه گفتیم، هر گروه و نظام اجتماعی نقش‌هایی دارد که **وظیفه‌ی آن‌ها حفظ تعادل نظام اجتماعی است** ؛ از این‌رو، با توجه به نوع گروه، نقش‌ها و نظام سیاسی هم تغییر می‌کند ؛ مثلاً :

ــ در یک گروه، رهبر گروه یا شورا به مجازات متخلفان می‌پردازد و گروه را **هدایت** می‌کند.

ــ در یک حزب یا انجمن، شورای مرکزی مشخص می‌کند که چگونه باید با آن‌چه حزب یا انجمن را تهدید می‌کند، مقابله کرد.

ــ در یک قبیله، رئیس قبیله و شورای رؤسای طوایف یا خاندان‌ها نقش‌های سیاسی‌اند که هدایت قبیله را در جهت مقابله با تهدید خارجی و شرایط طبیعی برعهده دارند و به رفع اختلاف میان افراد و طوایف و مجازات متخلفان می‌پردازند.

ــ در یک کشور، این وظایف را خرده نظام‌های مختلف و نقش‌های متعددی انجام می‌دهند.

آن‌چه در این‌جا به عنوان نظام سیاسی مورد بحث قرار می‌گیرد، نظام سیاسی گروه سرزمینی یا ملت است که از نظر مکانی در محدوده‌ی جغرافیایی مشخصی زندگی می‌کند ؛

ــ نسبت به ملل دیگر از استقلال نسبی برخوردار است ؛

ــ فعالیت سیاسی همه‌ی گروه‌ها در حدودی است که این نظام مشخص می‌کند.

نظام سیاسی یک کشور در اشکال مختلفی مشاهده می‌شود ؛ از جمله :

الف ــ نظام خودکامه

در چند صد سال پیش، زندگی اجتماعی بیش‌تر درقالب قوم و قبیله یا خاندان و محلّه جریان داشت. حفظ تعادل نظام اجتماعی بر عهده‌ی ریش سفیدان و سران قبایل بود ؛ یعنی کسانی که یا مسن‌تر از دیگران بودند و در جریان زندگی تجربیات بیش‌تری آموخته بودند یا توانایی جسمی بیش‌تر یا نسب برتر داشتند.

امر و نهی، تصمیم‌گیری در مورد نحوه‌ی برخورد با مشکلات و حلّ تعارضات با

این‌گونه افراد بود. آن‌ها حکومت را حقّ خود می‌دانستند و در عمل نیز با استفاده از زور و خشونت هر کاری را که می‌خواستند، می‌کردند. در این وضعیت، نظام سیاسی هم حول وجود چنین افرادی شکل می‌گرفت.

ــ در سطح محدود، خان و زمین‌دار بزرگ (فئودال) و ارباب و ...

ــ در سطح وسیع، شاه و حاکم و امپراتور و خاقان و فغفور و ...

که در رأس نظام سیاسی قرار داشتند، از اختیارات بسیار برخوردار بودند و در کنار زور و توانایی، از مزایای مادی و احترام نیز بهره داشتند.

در کنار نقش شاهی، نقش صدراعظمی و دیگر نقش‌هایی قرار داشت که می‌توان آن‌ها را وزارت نامید. این نقش‌ها بیش‌تر برای اجرای دستورات مقام پادشاهی شکل گرفته بود ؛ افراد به میل شاه در این مقام‌ها قرار می‌گرفتند و با میل او نیز برکنار می‌شدند. برعهده گرفتن نقش‌های صدارت و وزارت بیش از آن که به مهارت، تخصص و دانایی نیاز داشته باشد، به وفاداری نیازمند بود.

نقش‌های نظامی نیز از بالاترین مقام تا پایین‌ترین نقش‌ها، به‌عنوان بازوی شاه عمل می‌کردند و شاه در برخورد با رقبا و اقوام دیگر از آن‌ها سود می‌جست.

این نوع نظام سیاسی که حول وجود فردی به نام شاه (سلطان)، حاکم و خاقان شکل می‌گیرد و افراد براساس وفاداری به چنین اشخاصی می‌توانند حاملان نقش‌های آن باشند، نظام خودکامه شناخته می‌شود که شکل غالب نظام‌های سیاسی در گذشته بوده است.

ب ــ نظام قانونی

با تغییرها و تحولاتی که در چند قرن اخیر در زندگی انسان‌ها رُخ داد، دیگر نظام‌های سیاسی خودکامه قادر به حفظ تعادل نظام اجتماعی نبودند ؛ زیرا :

ــ شهرها گسترش یافتند ؛

ــ نیروهای جدیدی در جوامع سر برآوردند که در نظر آن‌ها اطاعت از فردی به نام شاه بی‌معنا بود ؛

ــ مفاهیم جدیدی چون برابری و آزادی مطرح شد.

این اعتقادات به معنای نفی نظام خودکامه بود ؛ زیرا شاهان همیشه خود را از تباری برتر می‌شمردند و با استناد به این تبار برتر، سلطنت را حقّ خود می‌دانستند ؛ در حالی که اعتقاد جدید، همه‌ی انسان‌ها را برابر می‌دانست. هم‌چنین، در گذشته سلطنت امری طبیعی تلقی می‌شد که افراد باید آن را می‌پذیرفتند امّا اعتقاد به آزادی این حقّ سلاطین را نفی می‌کرد.

مفاهیم آزادی و برابری در کنار وضعیت جدید زندگی، مانند آتشی بود که در خرمنی انبوه بیفتد. توده‌های مردم که تا دیروز تابع شاهان و اشراف بودند، به هواخواهان آزادی و برابری تبدیل شدند و در مقابل قدرت آنان ایستادند.

با نفی قدرت شاهان و اشراف، به تدریج نظام‌های سیاسی جدید شکل گرفت که در آن‌ها مردم در کنار شاهان و اشراف یا بدون آنان و توسط نمایندگان خویش به ایفای نقش در سیاست پرداختند.

با پذیرش این نکته که :

ــ مردم حق دارند سرنوشت خود را خود تعیین کنند ؛

ــ شاهان دارای حقّ طبیعی یا الهی حکومت بر مردم نیستند ؛

ــ و ...

مردم به عنوان محور تعیین‌کننده در نظام سیاسی مطرح شدند. اکنون دیگر، این مردم بودند که مشخص می‌کردند :

ــ جامعه چگونه اداره شود ؛

ــ چه کسی و با چه خصوصیاتی حکومت کند ؛

ــ افراد چگونه به حکومت برسند ؛

ــ و ... .

امّا از آن‌جا که همه‌ی مردم نمی‌توانستند نظر خود را در همه‌ی امور ابراز کنند، نمایندگی به منزله‌ی شیوه‌ی معمول و مطلوب دخالت مردم در سیاست مطرح شد ؛ به این ترتیب :

ــ نمایندگی برای تصویب قوانین (نماینده‌ی مجلس) ؛

ــ نمایندگی برای اجرای قانون (رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر ...) ؛

ــ و ...

اساس و مبنای نظام سیاسی جدید قرار گرفت.

علاوه بر این، برخلاف نظام خودکامه که «آن چه فرد مستبد می‌گفت و می‌کرد، قانون تلقی می‌شد» و مبنای انتخاب افراد برای تصدی مقام‌های سیاسی «وفاداری به او» بود، در نظام‌های جدید «قانون به‌عنوان اساس رفتار همه» مشخص و معرفی شد و صلاحیت و شایستگی افراد، مبنای انتخاب آن‌ها قرار گرفت.

در این نظام، اگر گروه‌های مختلف در جامعه دارای منافع مختلفی باشند، اختلافاتشان را توسط نمایندگان خود در مجلس و قوه‌ی مجریّه حل می‌کنند؛

ــ گروه‌های مختلف با عقاید گوناگون حزب و انجمن تشکیل می‌دهند و به فعالیت سیاسی می‌پردازند؛

ــ کارگزار حکومت را مردم انتخاب کرده‌اند و او تا زمانی می‌تواند حکومت کند که مردم بخواهند؛

ــ افراد با صلاحیت از اقشار مختلف می‌توانند به حکومت برسند؛

ــ همه‌چیز قاعده‌مند شده است؛ هر مقام و نقشی وظایف و اختیارات مشخصی دارد که نمی‌تواند از حدود آن‌ها فراتر رود؛

ــ و ... .

از این رو، به این نظام سیاسی نظام قانونی می‌گویند؛ چون در آن، قانون مبنای عمل همه است.

برای مثال، می‌توانیم نظام‌سیاسی کشور خودمان را مورد بحث قرار دهیم.

فعالیت ۴ ــ ۵ با توجه به جدول صفحه‌ی بعد، پنج مورد دیگر از ویژگی‌های نظام خودکامه و نظام قانونی را بنویسید. باید توجه داشت که نظام‌های سیاسی قانونی نیز بنا بر نوع فرهنگ، دین و تاریخ‌شان از یکدیگر متفاوت‌اند[1].

۱ــ تعلیمات اجتماعی سوم راهنمایی، ص۲۴

نظام خودکامه	نظام قانونی
قدرت از آنِ زورمندان است.	قدرت از آنِ مردم است.
حاکم مسلّط بر مردم است.	حاکم، نماینده‌ی مردم است.
حاکمان براساس وفاداری به شخص مستبد انتخاب می‌شوند.	حاکمان براساس صلاحیت و شایستگی انتخاب می‌شوند.
سخن فرد مستبد، قانون است.	حاکمان باید براساس قانون عمل کنند.
میان افراد در اجرای قانون تفاوت وجود دارد.	همه‌ی افراد در مقابل قانون برابرند.
. ...	....

مقایسه‌ی نظام خودکامه و نظام قانونی

درس سوم

نظام سیاسی ایران

قبل از مشروطیت نظام سیاسی کشور ما نظام خودکامه بود. با انقلاب مشروطیت، قدرت شاه محدود و نظام نمایندگی و قانونی برقرار شد ولی دیری نپایید که همان شرایط پیشین در شکل مشروطه خود را نشان داد ؛ تا این که با پیروزی انقلاب اسلامی نظام جمهوری اسلامی شکل گرفت. نظامی که پایه و مبنای آن را اسلام و رأی مردم تشکیل می‌دهد.

در نظام سیاسی ما می‌توان دو گونه نقش را از یکدیگر تفکیک کرد :

۱ــ نقش‌هایی که افراد در آن‌ها عمدتاً به کار هدایت و جهت‌دهی نظام اجتماعی مشغول‌اند ؛ مانند نقش رهبری، نمایندگی مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، اعضای شورای نگهبان، ریاست قوه‌ی قضاییه و وزرا. در این نقش‌ها افراد مشکلات نظام اجتماعی را شناسایی و برای آن‌ها راه‌حل پیدا می‌کنند و آن را به صورت قانون، مقرّرات، آیین‌نامه و... درمی‌آورند ؛ روابط جامعه را با خارج تنظیم می‌کنند و تهدیدهای خارجی و داخلی را شناسایی و برای مقابله با آن‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند و ... .

۲ــ نقش‌هایی که عمدتاً تصمیمات و جهت‌گیری‌ها را اجرا می‌کنند و بازوی اجرایی نقش‌های هدایت‌کننده‌اند. خرده نظام اداری، خرده نظام نیروهای مسلح (ارتش و سپاه)، خرده نظام نیروهای انتظامی، خرده نظام قوه‌ی قضاییه و ... نمونه‌هایی از این نوع نقش‌های نظام سیاسی‌اند.

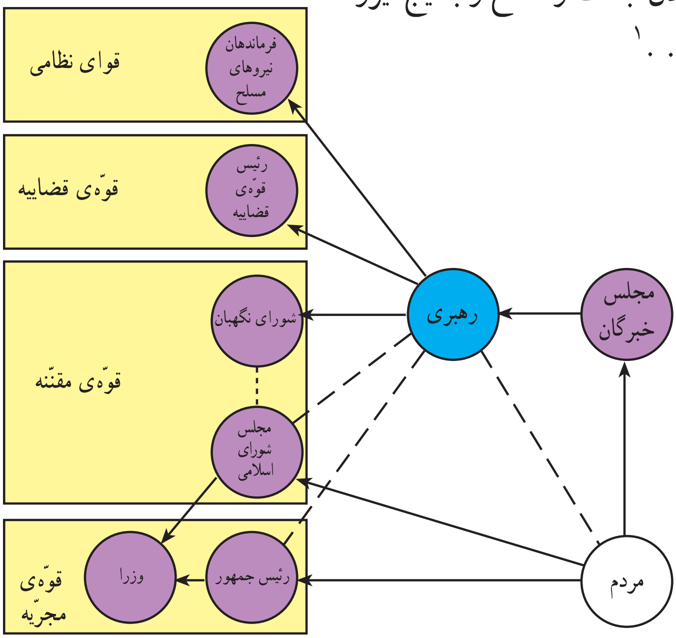
نقش رهبری

در رأس نظام جمهوری اسلامی، نقش ولایت فقیه (رهبری) قرار دارد. خبرگان منتخب مردم فردی را برای احراز این مقام انتخاب می‌کنند. ولیّ فقیه (رهبر) باید صلاحیت‌ها و شایستگی‌های مشخصی داشته باشد :

ــ صلاحیت علمی لازم برای فتوا دادن در ابواب مختلف فقه

ــ عدالت و تقوای لازم برای رهبری امّت اسلام
ــ بینش صحیح سیاسی و اجتماعی
ــ تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری
ــ و ... .

رهبر وظایف و اختیاراتی نیز دارد؛ هم‌چون :
ــ تعیین سیاست‌های کلّی نظام جمهوری اسلامی
ــ نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلّی نظام
ــ فرماندهی کلّ نیروهای مسلح
ــ تنفیذ حکم رئیس‌جمهور
ــ عزل رئیس‌جمهور
ــ اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها
ــ و... .[1]



نظام سیاسی ایران، نظامی قانونی

۱ــ برای آگاهی از وظایف و اختیارات رهبر، به کتاب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل یکصدودهم مراجعه کنید.

نقش ریاست جمهوری

نقش رئیس‌جمهوری در رأس قوهّ‌ی اجرایی قرار دارد و با رأی مردم انتخاب می‌شود. صلاحیت‌های احراز این نقش عبارت‌اند از :

ــ مدیر و مدبّر بودن

ــ دارا بودن حسن سابقه و امانت و تقوا

ــ مؤمن و معتقد بودن به مبانی جمهوری‌اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور

ــ ایرانی‌الاصل بودن

ــ و… .

وظایف و اختیارات این نقش عبارت است از :

ــ ریاست قوّه‌ی مجریّه

ــ انتخاب وزیران و معرفی آن‌ها به مجلس

ــ امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت با سایر دولت‌ها[1]

ــ اعطای نشان‌های دولتی

ــ نظارت بر کار وزیران

ــ و … .

وزرا و معاونان رئیس‌جمهوری نقش‌های دیگری‌اند که در قوّه‌ی اجرایی، سیاست‌گذاری در امور مختلف از وظایف آن‌هاست.

نقش نمایندگی

در نظام‌سیاسی، نقش دیگر نقش نمایندگی است که در قالب مجلس شورای اسلامی تبلور یافته است.

۱ــ «عهدنامه»، قرارداد بین‌المللی بین دو دولت عضو سازمان ملل است. «مقاوله‌نامه»، پیش‌نویس یک عهدنامه یا قرارداد است که معمولاً در مراحل مقدماتی ایجاد رابطه یا تحکیم روابط در سطح مسئولان پایین‌تر منعقد می‌شود و الزام‌آور و قابل اجراست. «قرارداد» پیمانی تجارتی است که اکثراً یک طرف آن افراد عادی‌اند. «موافقت‌نامه» قرار یا عهدی است که اعتبار آن کم‌تر از قرارداد و بیش‌تر از مقاوله‌نامه است.

شرایط و صلاحیت‌های نمایندگی مجلس شورای‌اسلامی عبارت‌اند از :

ــ اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام جمهوری‌اسلامی ایران

ــ تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران

ــ و … .

برخی از وظایف و اختیارات نمایندگان و مجلس عبارت است از :

ــ قانون‌گذاری

ــ حقّ اظهارنظر و تحقیق در مورد همه‌ی مسائل داخلی و خارجی کشور

ــ دادن رأی اعتماد به وزیران

ــ استیضاح وزیران

ــ و… .

شورای نگهبان

در کنار مجلس شورای اسلامی که به‌کار قانون‌گذاری مشغول است، شورای نگهبان قرار دارد که قوانین مصوّب مجلس را از نظر انطباق آن‌ها با **شرع** و **قانون اساسی** بررسی می‌کند.

مجلس خبرگان

وظیفه‌ی این مجلس که از متخصصان امور دینی تشکیل شده، انتخاب رهبر و نیز تشخیص عدم صلاحیت رهبری براساس معیارهای قانون اساسی است. اعضای مجلس خبرگان را مردم انتخاب می‌کنند.

شوراهای اسلامی شهر و روستا

برای پیشبردِ سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی، از طریق همکاری مردم و با توجه به مقتضیات محلی، اداره‌ی امور هر روستا و شهر و … با نظارت شورایی به نام شورای اسلامی روستا و شهر و… صورت می‌گیرد.

اعضای هر یک از این شوراها را مردم همان محل انتخاب می‌کنند.

به این ترتیب، در قانون‌اساسی دو نوع شورا پیش‌بینی شده است :

۱ــ شوراهایی که برای هدایت و جهت‌دهی نظام اجتماعی کل و نظارت بر آن تصمیم‌گیری می‌کنند ؛ مانند مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان.

۲ــ شوراهایی که نقش مشورتی، تقویتی، ارشادی و نظارتی در سطح محدودتری دارند و با ارائه‌ی نظرها و پیشنهادهای خود مسئولان کشور را در اداره‌ی امور یاری می‌کنند ؛ مانند شوراهای محلی.

نظام سیاسی کشور فقط به نقش‌هایی که گفتیم، محدود نمی‌شود ؛ مثلاً خطیبی که در نماز جمعه از سیاست‌های دولت حمایت می‌کند، آن‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دهد و از نارسایی‌های شهر و استان خود سخن می‌گوید،فعالیت سیاسی دارد و نقش وی نقش سیاسی است ؛ بنابراین، می‌توان نقش خطیب نماز جمعه را نیز بخشی از نظام سیاسی دانست.

فعالیت ۵ ــ ۵ در کلاس گفت‌وگو کنید :

۱ــ آیا رسانه‌های گروهی (صدا و سیما، روزنامه‌ها، مجله‌ها) و احزاب و انجمن‌ها را نیز می‌توان بخشی از نظام سیاسی دانست؟ چرا؟

۲ــ مجلس دانش‌آموزی را می‌توان جزء کدام‌یک از انواع شوراها به‌حساب آورد؟ چرا؟

درس چهارم

مشارکت سیاسی

با توجه به اهمیتی که نقش‌های سیاسی (سیاست‌گذار) در نظام اجتماعی دارند و از آن‌جا که جهت‌گیری نظام اجتماعی تا حدّ زیادی در گرو تصمیم‌گیری افراد در این نقش‌هاست، افراد و گروه‌های مختلف در جامعه سعی دارند برای پیشرفت مقاصد و تحقق عقاید خود به این نقش‌ها دست یابند. به همین جهت، در جامعه فعالیت‌های بسیاری برای به‌دست آوردن این نقش‌ها صورت می‌گیرد. مجموعه‌ی این فعالیت‌ها که برای **دست‌یابی به این نقش‌ها** یا **اثرگذاری بر آن‌ها** انجام می‌پذیرد، **فعالیت سیاسی** شناخته می‌شود. افراد و گروه‌ها از راه‌های گوناگون می‌توانند دست به فعالیت سیاسی بزنند و در امور سیاسی مشارکت کنند.

فعالیت ۶ ــ ۵ در کلاس گفت‌وگو کنید :

ــ با ذکر چند نمونه از این راه‌ها، مشخص کنید چه عاملی اَشکال مختلف فعالیت‌های سیاسی را در یک جامعه تعیین می‌کند؟

ممکن است شما نیز این نکته را دریافته باشید که **قانون** اَشکال مختلف مشارکت سیاسی افراد را در جامعه مشخص می‌کند :

راه‌پیمایی‌ها و تظاهرات: افراد و گروه‌ها می‌توانند با شرکت در راه‌پیمایی‌ها و گردهمایی‌های سیاسی و اجتماعی اهداف و مواضع خود را در امور سیاسی جامعه اعلام کنند ؛ برای نمونه، می‌توان از راه‌پیمایی‌های بزرگ اوایل انقلاب اسلامی که با اعلام مواضع مردم در مقابل حکومت شاه همراه بود، یاد کرد. هم‌چنین در زمان حاضر، می‌توان به راه‌پیمایی‌های بیست‌ودوم بهمن که معمولاً با اعلام حمایت از نظام و برنامه‌های آن و نشان دادن قدرت سیاسی کشور به بیگانگان همراه است، نماز جمعه و نیز گردهمایی‌های گروه‌ها و انجمن‌های سیاسی که در آن‌ها این گروه‌ها، اهداف سیاسی خود را اعلام می‌کنند و درصدد جلب نظر افراد و دولت مردان هستند، اشاره کرد.

شرکت در انتخابات: براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بسیاری از

نقش‌های سیاسی ــ مانند نمایندگی مجلس خبرگان، نمایندگی مجلس شورای اسلامــی، ریـاست جمهوری، عضویت در شوراهای اسلامی شهر و روستا و … ــ از طریق انتخابات و به اتکای آرای عمومی به افراد محول می‌شود.

گاهی آرای عمومی بی‌واسطه است و از طریق همه‌پرسی و در موارد معیّنی (مانند انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و نظایر این‌ها) صورت می‌گیرد. هم‌چنین ممکن است در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اعمال قوه‌ی مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه‌ی مستقیم به آرای مردم انجام گیرد[۱].

گاهی نیز مراجعه به آرای عمومی باواسطه انجام می‌گیرد ؛ به این معنا که ابتدا مردم به نماینده‌ی خود رأی می‌دهند. سپس او به عنوان نماینده‌ی مردم مسائل مختلف جامعه را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و اظهار عقیده می‌کند. در این صورت، مردم با استفاده از یک واسطه نظر خود را بیان می‌کنند ؛ مانند دادن رأی اعتماد به وزرا.

همکاری با احزاب و انجمن‌ها: در یک جامعه افراد و گروه‌هایی با علایق، منافع و عقاید متفاوت وجود دارند ؛ جامعه باید راه‌هایی را مشخص کند تا آن‌ها بتوانند علایق، منافع و عقاید خویش را بیان و از آن‌ها دفاع کنند و در حدود قانون آن‌ها را محقق سازند.

یکی از راه‌هایی که جامعه برای این منظور پیش‌بینی کرده، تشکیل احزاب و انجمن‌هاست. در این‌گونه محافل، افرادی با عقاید، منافع و علایق یکسان گردهم می‌آیند و **در حدود قانون**، برای دست‌یابی به نقش‌های سیاسی یا اثرگذاری بر آن‌ها فعالیت می‌کنند. افراد می‌کوشند تا در این نقش‌ها :

ــ از منافع، علایق، آرمان‌ها و عقاید خویش دفاع کنند ؛

ــ آن‌ها را به صورت قانون و مقررات درآورند ؛

ــ در جهت اجرای آن‌ها بکوشند.

وجود احزاب و انجمن‌ها در یک جامعه آثار و نتایج بسیاری دارد ؛ مثلاً :

ــ خواست‌ها و علایق گروه‌ها و مردم مطرح می‌گردد و برای مشکلات، راه‌حل‌هایی اندیشیده می‌شود ؛ بدین ترتیب، از تحولات ناگهانی جلوگیری می‌گردد ؛

۱ــ به قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل ششم مراجعه کنید.

ــ سیاست‌گذاران از آن‌چه در جامعه می‌گذرد، بیش‌تر اطلاع می‌یابند ؛

ــ احزاب و انجمن‌ها با اطلاعاتی که در مورد عملکرد سیاست‌گذاران در اختیار مردم قرار می‌دهند، به انتخاب فرد شایسته‌تر کمک می‌کنند ؛

ــ و... .

فعالیت ۷ ــ ۵ پنج نمونه‌ی دیگر از آثار و نتایج وجود احزاب و انجمن‌ها در جامعه ذکر کنید.

استفاده از رسانه‌ها: مردم یک جامعه برای ابلاغ پیام‌ها، بیان افکار و انتقال مفاهیم از رسانه‌ها استفاده می‌کنند. امروز با توجه به پیشرفت‌هایی که در زمینه‌ی فنّاوری ارتباطات به‌وجود آمده است، رسانه‌ها بیش از هر دوره‌ی دیگری اهمیت یافته‌اند. افراد، گروه‌ها و احزاب سیاسی نیز به منظور :

ــ آگاهی دادن به مردم از طریق اخبار و اطلاعات داخلی و خارجی

ــ ایجاد فرصت تفکر و اندیشه برای مردم از راه تفسیر و تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی

ــ آموزش مردم

ــ رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم

ــ آگاهی جامعه از اهداف و برنامه‌های سیاسی خود

ــ و...

از رسانه‌ها بهره می‌گیرند[1].

فعالیت ۸ ــ ۵ درباره‌ی تأثیرات نامطلوب رسانه‌ها بر جامعه در کلاس با یکدیگر گفت‌وگو کنید.

۱ــ برای آگاهی از شرایط آزادی عقیده، مطبوعات، احزاب و انجمن‌ها، به قانون اساسی جمهوری اسلامی اصول بیست‌وسوم، بیست‌وچهارم و بیست‌وششم مراجعه کنید.

درس پنجم

انتخابات

در نظام سیاسیِ قانونی، قدرت از طریق نمایندگی به فرد یا افرادی تفویض می‌شود و آن‌ها براساس قانون مجازند که از این قدرت استفاده کنند ؛ بنابراین، فرد در تفویض قدرت به فرد دیگر (انتخاب نماینده) نقش محوری و مهمّی بر عهده دارد و مهم‌ترین نقش و کار فرد، انتخاب نماینده است ؛ زیرا اگر افراد در انتخاب نماینده درست عمل نکنند و انتخاب صحیحی انجام نشود، اوّلین کسانی که زیان می‌بینند خود مردم‌اند.

نحوه‌ی انتخاب

در زمان انتخابات، افراد متعددی نامزد (داوطلب) نمایندگی می‌شوند که صلاحیت آن‌ها از نظر داشتن شرایط لازم برای نمایندگی بررسی می‌گردد ؛ سپس همه یا گروهی از آن‌ها تأیید و به مردم معرفی می‌شوند. از این زمان به بعد،

ــ نامزدها (داوطلبان) به معرفی خود و برنامه‌هایشان در مجلس یا در مقام رئیس‌جمهوری می‌پردازند ؛

ــ سوابق خود را مطرح می‌کنند ؛

ــ خود را نماینده‌ی گروه و قشر خاصی هم‌چون کارگران، مستضعفان، بازاریان، مهندسان، دانشگاهیان و ... معرفی می‌کنند ؛

ــ صلاحیت‌ها و تخصص‌های خود را بیان می‌کنند ؛

ــ می‌گویند که اگر به مجلس راه یابند یا رئیس‌جمهور شوند، چه خواهند کرد ؛

ــ و... .

بعد از این، شهروند باید به انتخاب نماینده یا رئیس‌جمهور بپردازد ؛ امّا چگونه؟

مراحل انتخاب

الف ــ هدف از انتخاب: قبل از هر چیز، هر شهروند باید به این پرسش پاسخ دهد :

«انتظار دارم این نماینده (یا رئیس‌جمهور) در مجلس (یا قوه‌ی اجرایی) چه کارهایی انجام دهد و چه اهدافی را دنبال کند» ؛ به عبارت دیگر، او باید هدف خود را از انتخاب مشخص کند ؛ برای نمونه :

ــ از اسلام دفاع کند ؛
ــ عدالت اجتماعی را برقرار سازد ؛
ــ کارهای دولت را کنترل کند ؛
ــ شهرم را آباد کند ؛
ــ جاده‌های روستایی را آسفالت کند ؛
ــ و… .

اگر شهروندی نتواند به این پرسش، پاسخی روشن بدهد، انتخاب او انتخابی کور خواهد بود. در این حالت، ممکن است مواردی از قبیل تشویق دیگران یا قیافه‌ی نامزد نمایندگی و … او را به پای صندوق رأی بکشاند ؛ بدون این که بداند آیا این داوطلب واقعاً نماینده‌ی او هست یا نه.

فعالیت ۹ ــ ۵ سه نمونه‌ی دیگر از مواردی را که نشان‌دهنده‌ی انتخاب کور فرد در جریان انتخابات است، ذکر کنید.

ــ چرا چنین انتخابی را درست نمی‌دانید؟

ب ــ شناسایی نامزدها: گام دوم در انتخاب نماینده، شناسایی نامزدهاست. شناسایی به منظور پاسخ‌گویی به این پرسش صورت می‌گیرد که «کدام یک از نامزدها می‌تواند نماینده‌ی نظریات و افکار من باشد؟».

در این مرحله،شیوه‌های مختلفی برای شناسایی نامزدها وجود دارد :

اوّلین راه‌شناسایی، بررسی نکاتی است که نامزد مورد نظر به صراحت در سخنرانی‌ها و تبلیغات خود مطرح می‌کند.

دومین راه، بررسی مطالبی است که مخالفان وی در روزنامه‌ها، سخنرانی‌ها و محافل مختلف نقل می‌کنند.

سومین راه، شناخت هواداران وی است ؛ این که چه افراد و گروه‌هایی با چه خصوصیاتی از او هواداری می‌کنند، برایش تبلیغ می‌کنند، پوستر چاپ می‌کنند و … .

ــ مرفهان بی‌درد از او حمایت می‌کنند یا توده‌ی مردم؟

ــ افراد متعهد و با صلاحیت از او تعریف می‌کنند یا افراد بی‌قید و بند؟
ــ کدام روزنامه برای او تبلیغ می‌کند؟ خط و خطوط وی چیست؟
ــ آیا گفتار او با رفتار و عملش هماهنگ است؟
ــ و... .

چهارمین راه ــ در صورتی که فرد قبلاً نماینده بوده یا در پست‌های اجرایی مشغول به‌کار بوده است ــ بررسی سوابق او در این کارها، برنامه‌ها و جهت‌گیری‌های وی است.

در صورتی‌که برای داوطلبان مباحثات تلویزیونی یا رادیویی برقرار باشد، این نیز یک شیوه‌ی شناسایی خواهد بود.

راه دیگر، شرکت در مباحثات و سخنرانی‌های نامزد مورد نظر و پرسش از وی است؛ زیرا معمولاً داوطلبان در تبلیغات انتخاباتی خود می‌کوشند به کلّی‌گویی بسنده کنند، بدون این که درصدد طرح شیوه‌های اجرایی برنامه‌های خود برآیند. در این موارد، مطرح کردن پرسش‌هایی درباره‌ی شیوه‌های عملی تحقق شعارها می‌تواند راه‌گشا باشد.

هم‌چنین، نامزدها ممکن است از مفاهیم کلّی و شعارهایی استفاده کنند که معانی متعدد دارد. پرسش از منظور آن‌ها نیز می‌تواند به ما شناخت دقیق‌تری بدهد.

برای نمونه، یکی از این شعارها را طرح می‌کنیم: «حمایت از مستضعفان» شعاری است که اکثراً آن را طرح می‌کنند؛ در حالی که مفهوم مستضعف و نحوه‌ی حمایت از این قشر، معانی و راه‌های متفاوتی دارد.

ــ گروهی مستضعفان را به معنای ضعفا و فقرا می‌گیرند و حمایت از آن‌ها را در گرو گسترش امکانات سازمان بهزیستی یا کمیته‌ی امداد امام می‌بینند.

ــ گروه دیگر مستضعفان را افرادی می‌دانند که مستکبران حقوق آنان را پایمال کرده‌اند و حمایت از آن‌ها از طریق برقراری عدالت اجتماعی میسّر می‌شود (اگرچه مفهوم مستکبران و عدالت اجتماعی نیز همین‌قدر مبهم است و باید روشن شود).

ــ به نظر بعضی افراد، مستضعفان ملت‌های تحت ستم‌اند و حمایت از آن‌ها از طریق فعالیت سیاسی یا دادن کمک‌های مالی و نظامی به آنان انجام می‌گیرد.

فعالیت ۱۰ ــ ۵ با توجه به مثال ذکر شده، دو نمونه‌ی دیگر از شعارهایی کلّی را که معانی متعدد دارند، مشخص کنید؛ سپس برداشت‌های متفاوتی را که از آن‌ها می‌شود، بنویسید.

پ ـ تشخیص و ارزیابی: پس از مرحله‌ی شناسایی، گام سوم ارزیابی و تشخیص است ؛ این که :

ـ کدام یک از این اطلاعات درست است؟

ـ آیا می‌توان به وعده‌های این داوطلب امید بست؟

ـ آیا برنامه‌ای که او ارائه می‌دهد واقع‌بینانه و تحقق‌پذیر است. یا این که برای خوشایند رأی‌دهندگان مطرح شده است؟

ـ اصلاً برنامه‌ای دارد یا این که با بیان شعارهای مردم فریب درصدد جذب آراست؟

در این مرحله، مشخص می‌شود که نظریات و برنامه‌های کدام‌یک از نامزدها با آن چه شهروندِ انتخاب‌کننده می‌خواهد، نزدیک است.

***

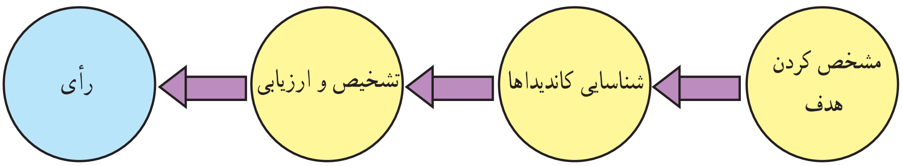
مجموعه‌ی این گام‌ها فرد را به انتخابی دقیق‌تر و روشن‌تر هدایت می‌کند.

شاید بگویید :« انتخاب نماینده عجب کار مشکلی است!» ما هم پاسخ می‌دهیم : «بلی، کاری بسیار مهم و مشکل است ؛ زیرا هر فرد با انتخاب خویش در واقع سرنوشت چهار ساله‌ی خود و کشورش را رقم می‌زند.»

فردی که به پای صندوق‌های رأی می‌رود، اگر به کاغذی که دیگری به دست او می‌دهد و اسامی چند کاندیدا بر آن نوشته است، بسنده کند، چه بسا که به جای انجام وظیفه، به خود و کشور خویش خیانت کرده‌است ؛ زیرا این رأی‌ها، فردی را به‌عنوان نماینده‌ی مردم با اختیارات زیاد به مجلس می‌فرستد یا زمام امور کشوری را به‌دست فردی به نام رئیس‌جمهور می‌دهد.

دوره‌ی جوانی، دوره‌ی انتخاب‌هایی مهم چون انتخاب شغل و همسر است و سهل‌انگاری و بی‌توجهی به آن بر سرنوشت فرد اثر می‌گذارد. این دوره، آغاز انتخاب مهم‌تری نیز است (انتخاب نماینده) که سهل‌انگاری در مورد آن بر سرنوشت فرد و جامعه اثر می‌گذارد.

اگر لازمه‌ی یافتن شغل مناسب، داشتن انگیزه، مهارت و ... است، در انتخاب نماینده هم داشتن اطلاعات و تشخیص درست از ابزارهای کار محسوب می‌شود.



مراحل انتخاب نماینده

درس ششم

نظام سیاسی و نظام‌های اجتماعی دیگر

نظام سیاسی و خانواده

افراد قبل از آن که وارد فعالیت‌های سیاسی شوند، در خانواده و مدرسه اجتماعی می‌شوند ؛ یعنی :

ــ برای بر عهده گرفتن نقش‌ها و فعالیت‌ها در اجتماع بزرگ‌تر آماده می‌شوند ؛

ــ الگوهای عمل خاصی برای آن‌ها مطلوب و با ارزش شناخته می‌شود ؛

ــ گرایش‌های خاصی پیدا می‌کنند ؛

ــ و... .

در واقع، افراد با شخصیتی شکل گرفته به اجتماع بزرگ‌تر وارد می‌شوند و به فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی می‌پردازند.

اگر نوع تربیت فرد در خانواده و مدرسه به‌گونه‌ای باشد که با ارزش‌ها و الگوهای عمل نظام سیاسی متناسب نباشد، فرد و نظام سیاسی دچار مشکل می‌شوند.

فرض کنید فرد در خانواده‌ای رشد کند که در آن همیشه پدر به‌طور مستبدانه تصمیم‌گیری می‌کند و او نیز این شیوه را طبیعی می‌داند. چنین فردی به احتمال زیاد، در فعالیت سیاسی نیز به شیوه‌های مشورتی روی خوش نشان نخواهد داد.

ــ از نظر وی سیاست‌گذارانی دارای شخصیت مطلوب‌اند که قاطعانه عمل کنند و به نظریات و انتقادات کم‌تر توجه داشته باشند.

به عکس، اگر فرد در خانواده‌ای بزرگ شده باشد که در آن تصمیم‌گیری با مشورت انجام می‌شود، آمادگی بیش‌تری برای قبول شیوه‌های مشورتی در نظام سیاسی دارد.

حالت دیگری را در نظر می‌گیریم ؛ خانواده‌ای با خانواده‌های دیگر و خویشاوندان پیوند و رابطه دارد. کودک این خانواده در مراسم جمعی خویشاوندان و مهمانی‌ها شرکت می‌کند. در او نسبت به همکاری، عمل جمعی و شرکت در مراسم روحیه‌ی مثبت به‌وجود

می‌آید. این فرد وقتی که به اجتماع بزرگ‌تر وارد می‌شود، به احتمال زیاد به کارهای جمعی گرایش خواهد داشت. در فعالیت سیاسی نیز به تشکیل جمع‌های سیاسی و فعالیت‌های دسته‌جمعی گرایش بیش‌تری نشان خواهد داد تا عمل فردی.

در حالی که احتمال دارد کودکان خانواده‌هایی که کم‌تر با خانواده‌های دیگر رفت‌وآمد دارند، در سیاست راه عمل فردی را در پیش گیرند؛ مثلاً در انتخابات به رأی دادن اکتفا کنند.

موارد یاد شده برخی از آثار غیرمستقیم خانواده بر فعالیت سیاسی افراد است. خانواده آثار مستقیمی نیز بر فعالیت سیاسی فرد در آینده دارد.

فعالیت ۱۱ ــ ۵ دو خانواده‌ی زیر را در نظر بگیرید؛

ــ خانواده‌ای که در آن، والدین در فعالیت سیاسی مشارکت مستمر دارد.

ــ خانواده‌ای که در آن، والدین فعالیت سیاسی را امری بیهوده تلقی می‌کنند.

چند نمونه از رفتارهای سیاسی افراد تربیت شده در این دو خانواده را در بزرگ سالی با یکدیگر مقایسه کنید.

نظام سیاسی نیز بر نظام خانواده اثر می‌گذارد. فرض کنید سیاست‌گذاران درمقابل تهدید خارجی به این نتیجه برسند که باید تولیدمثل افزایش یابد؛ حال چه برای مقابله با دشمن و چه به‌عنوان یک عامل بازدارنده (آن‌طور که رژیم اشغالگر قدس چنین سیاستی را دنبال می‌کند). در این حالت، شکل خانواده تفاوت خواهد داشت با زمانی که افزایش جمعیت خطر تلقی می‌شود و سیاست‌ها در جهت محدود کردن خانواده سازمان می‌یابد.

مقابله با شکل زندگی خانوادگی یکی دیگر از اشکال اثر نظام سیاسی بر خانواده است که در نظام‌های کمونیستی از سیاست‌های اصلی محسوب می‌شود.

علاوه براین‌ها نظام سیاسی:

ــ با ارائه‌ی الگوهای مشخص زندگی خانوادگی،

ــ وضع مقرراتی که اختیارات و وظایف زن و شوهر و فرزندان را در خانواده مشخص می‌کند

ــ و...

بر شکل خانواده، ازدواج، سنّ ازدواج و ... اثر می‌گذارد.

فعالیت ۱۲ـ ۵ پنج نمونه از تأثیرات نظام سیاسی را بر خانواده (غیر از موارد گفته شده) بنویسید و آن‌ها را با هم مقایسه کنید.

ارزشی که نظام سیاسی برای فعالیت سیاسی خانواده‌ها قائل است، بر شکل و عمل خانواده‌ها اثر می‌گذارد.

در اجتماع قبیله‌ای که قدرت سران طوایف به تعداد خانواده‌ها و اعضای آن‌ها وابسته است، جایگاه خانواده نسبت به جوامع امروزی که در آن‌ها افراد شخصاً در سیاست دخالت می‌کنند، متفاوت است.

ـ در اجتماعی که ریاست و نقش سیاسی به نسب بستگی دارد، خانواده وضعی متفاوت دارد با جامعه‌ی امروزی که نسب در بر عهده گرفتن نقش‌های سیاسی اثری ندارد.

بنابراین، با این که در وهله‌ی اوّل به نظر می‌رسد که خانواده و نظام سیاسی چندان رابطه‌ای با یکدیگر ندارند، آن‌ها دارای پیوندهای متقابل بسیاری‌اند؛ به‌نحوی که ناهماهنگی میان خانواده و نظام سیاسی تأثیرات سویی بر هر دو خواهد گذاشت.

فعالیت ۱۳ـ ۵ با توجه به نمونه‌ی زیر، سه مورد دیگر از ناهماهنگی‌های میان خانواده و نظام سیاسی را بیان کنید و آثار آن‌ها را بر نظام سیاسی و خانواده، در کلاس مورد بحث قرار دهید.

ـ تأکید خانواده بر ارزش‌های تجملی و اسراف در نظامی سیاسی که بر صرفه‌جویی تأکید دارد.

نظام‌سیاسی و نظام آموزشی

بعد از خانواده، دومین مرحله‌ی اجتماعی شدن فرد در مدرسه و نظام آموزشی انجام می‌شود؛ بنابراین، بخش دیگری از شخصیت، گرایش‌ها و ارزش‌های فرد در این مرحله شکل می‌گیرد. علاوه بر این، مهارت یافتن برای انجام دادن اعمال سیاسی نیز در مدرسه محقق می‌شود.

قرار گرفتن معلمان در کنار به جای والدین به‌عنوان راهنمایان کودک، کسانی که کودک آن‌ها را سرمشق زندگی خویش به حساب می‌آورد و سخنان آنان را معمولاً بدون چون‌وچرا

اموری مطلوب تلقی می‌کند، این توانایی را به مدرسه و نظام آموزشی می‌دهد که فرد را حتی در مقابل خانواده و اجتماع بزرگ‌تر قرار دهد یا این که او را به اجتماع و خانواده علاقه‌مند سازد.

مدرسه در ارتباط با نظام سیاسی در دو جهت عمل می‌کند :

ــ ایجاد گرایش منفی یا مثبت در فرد نسبت به نظام و عمل سیاسی،

ــ ایجاد مهارت برای انجام عمل سیاسی.

علاوه بر این، نظام آموزشی در سطوح بالاتر، نقش دیگری هم در ارتباط با نظام سیاسی ایفا می‌کند :

ــ ایجاد صلاحیت و شایستگی برای بر عهده گرفتن نقش‌های سیاسی.

در جوامعی که دارای نظام سیاسی قانونی‌اند، کسانی که سابقه‌ی خانوادگی و اشرافیت دارند دیگر به صرف این سابقه نمی‌توانند نقش‌های سیاسی را عهده‌دار شوند بلکه آنانی که :

ــ از نظر ذهنی توانمندند ؛

ــ می‌توانند به خوبی تحلیل کنند، راه‌حل ارائه دهند و در نتیجه خوب تصمیم بگیرند، نقش‌های سیاسی را بر عهده دارند و این کاری است که نظام آموزشی انجام می‌دهد.

سوابق تحصیلات رؤسای جمهوری، نخست‌وزیران، وزرا، معاونان و مشاوران و ... این مدعا را تأیید می‌کند.

فعالیت ۱۴ ــ ۵ نظام آموزشی با تغییر موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی افراد، بر نظام سیاسی اثر می‌گذارد. یک نمونه از این مورد را در کلاس مورد بحث قرار دهید.

بنابر آن چه گفتیم، نظام سیاسی در صورتی که بخواهد دوام داشته باشد، باید به‌طور مداوم متوجه نظام آموزشی باشد. مسیر بسیاری از جوامع که نظام آموزشی آن‌ها به جای تربیت افراد سازگار با نظام سیاسی، افرادی ناسازگار تربیت می‌کند در نهایت به تغییر نظام می‌رسد. نمونه‌های این امر :

ــ نظام سیاسی خودکامه یا دیکتاتوری است که در نظام آموزشی آن مفاهیمی چون آزادی و برابری آموزش داده می‌شود و افراد به جای وفاداری به نظام دیکتاتوری برای به‌دست آوردن آزادی و برابری سر به شورش برمی‌دارند ؛

ــ نظام‌های وابسته که در آموزش آن‌ها ارزش‌هایی چون استقلال و کارایی برای افراد درونی می‌گردد و افراد در جهت ناسازگاری با این نظام‌ها تربیت می‌شوند ؛

ــ در نظامی که اطاعت بی‌چون و چرا و تملّق یکی از شیوه‌های دست‌یابی فرد به نقش‌های سیاسی است و در نظام آموزشی آن تملق و چاپلوسی امری غیراخلاقی و مذموم تلقّی شده، فرد به ناسازگاری دچار می‌شود ؛

ــ و… .

پرسش‌های فصل

۱ــ نظام سیاسی را تعریف کنید و آن را با نظام اقتصادی مقایسه نمایید.

۲ــ عمده‌ترین وظیفه‌ی نظام سیاسی چیست؟

۳ــ نظام قانونی چه ویژگی‌هایی دارد؟

۴ــ ویژگی‌های دو نظام قانونی و خودکامه را با یکدیگر مقایسه کنید.

۵ــ فعالیت سیاسی چه نوع فعالیتی است؟ مبنا و محدوده‌ی آن را چه‌چیزی تعیین می‌کند؟

۶ــ چند نمونه از آثار و نتایج وجود احزاب، انجمن‌ها و نشریات را در جامعه بیان کنید.

۷ــ مهم‌ترین نقش فرد در نظام سیاسی قانونی چیست؟ چرا؟

۸ــ رابطه‌ی متقابل تربیت خانوادگی و رفتار سیاسی فرد را شرح دهید.

۹ــ نظام آموزشی با نظام سیاسی چه رابطه‌ای دارد؟

۱۰ــ افراد جامعه از چه راه‌هایی می‌توانند نامزدهای نمایندگی را شناسایی کنند؟ توضیح دهید.

مروری بر فصل

۱ــ نظام سیاسی از نقش‌هایی تشکیل شده است. این نقش‌ها برای حفظ تعادل نظام اجتماعی شکل گرفته‌اند، با هم پیوستگی متقابل دارند و می‌توانند در صورت لزوم، برای حفظ تعادل نظام اجتماعی از زور استفاده کنند.

۲ــ با توجه به نوع گروه، نظام‌های سیاسی متفاوتی وجود دارد.

۳ــ به نظامی سیاسی که در آن تمام نقش‌ها و اختیارات حول خواسته‌های یک فرد (حاکم کشور) شکل می‌گیرد و افراد براساس سرسپردگی به او انتخاب می‌شوند، «نظام خودکامه» گفته می‌شود.

۴ــ به نظامی سیاسی که در آن نقش‌ها و صلاحیت‌های اداره‌کنندگان امورکشور را قانون مشخص می‌کند، «نظام قانونی» اطلاق می‌شود.

۵ــ نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نظامی قانونی است که مبنای قوانین مدون آن را قوانین الهی تشکیل می‌دهد.

۶ــ در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، رهبر (ولی‌فقیه) در رأس نظام قرار دارد و مجلس خبرگان او را از بین فقهای موجود انتخاب می‌کند.

۷ــ رسانه‌های گروهی و احزاب و انجمن‌ها نیز جزء نظام سیاسی کشور محسوب می‌شوند.

۸ــ به مجموعه‌ی فعالیّتی که به منظور دست‌یابی به هدف‌های سیاسی معیّن (داوطلب شدن، شرکت در انتخابات، شرکت در راه‌پیمایی و ...) انجام می‌گیرد، «فعالیّت سیاسی» گفته می‌شود.

۹ــ مهم‌ترین نقش فرد در نظام سیاسی قانونی انتخاب نماینده است.

۱۰ــ لازمه‌ی شرکت آگاهانه‌ی فرد در انتخابات، داشتن هدف مشخص، شناسایی نامزدها و تشخیص و ارزیابی صلاحیت آن‌هاست.

۱۱ــ فرد هر قدر در فعالیّت‌ها و انتخابات سیاسی خود با آگاهی بیش‌تری عمل کند، سلامت سیاسی در جامعه بیش‌تر می‌شود.

۱۲ــ مشارکت فرد در فعالیّت‌های سیاسی مانند انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس، شوراهای اسلامی شهر و روستا و غیره باید با آگاهی همراه باشد.

۱۳ــ رفتار سیاسی فرد در جامعه از تربیت خانوادگی او تأثیر می‌پذیرد.

۱۴ــ نظام آموزشی کشور با تربیت سیاسی افراد و دادن مهارت‌های سیاسی لازم به آن‌ها به سلامت و تحکیم نظام سیاسی کمک می‌کند و آن‌ها را برای بر عهده گرفتن نقش‌های سیاسی آماده می‌سازد.

فهرست منابع برای مطالعه‌ی بیش‌تر

۱ــ ابوالحمد، عبدالحمید ؛ **مبانی سیاست**، جلد اول، چاپ پنجم، توس، ۱۳۶۸.

۲ــ ارنسون، الیوت ؛ **روانشناسی اجتماعی**، حسین شکرکن، چاپ سوم، رشد، ۱۳۶۶.

۳ــ اسمل سر، نیل‌جی ؛ **جامعه‌شناسی اقتصادی**، محسن کلاهچی، چاپ اول، کویر، تهران، ۱۳۷۷.

۴ــ بشیریه، حسین ؛ **جامعه‌شناسی سیاسی**، نشر نی، تهران، ۱۳۷۴.

۵ــ دورنبوش، رودیگر و استانلی فیشر ؛ **اقتصاد کلان**، محمدحسین تیزهوش تابان، چاپ دوم، سروش، ۱۳۷۵.

۶ــ رابرتسون، یان ؛ **درآمدی بر جامعه**، حسین بهروان، چاپ اول، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲.

۷ــ روشه، گی ؛ **کنش اجتماعی**، هما زنجانی‌زاده، چاپ سوم، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۷۴.

۸ــ رتیزر، جورج ؛ **نظریهٔ جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، محسن ثلاثی، چاپ دوم، علمی، ۱۳۷۴.

۹ــ ساروخانی، باقر ؛ **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده**، چاپ اول، سروش، ۱۳۷۰.

۱۰ــ سگالین، مارتین ؛ **جامعه‌شناسی تاریخی خانواده**، حمید الیاسی، چاپ دوم، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۵.

۱۱ــ شفیع آبادی، عبدالله ؛ **راهنمایی و مشاورهٔ شغلی و حرفه‌ای و نظریه‌های انتخاب شغل**، چاپ سوم، رشد، ۱۳۶۷.

۱۲ــ صدیق اورعی، غلامرضا ؛ **جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران**، چاپ اول، جهاد دانشگاهی، مشهد، ۱۳۷۴.

۱۳ــ صفوی، امان‌الله (مترجم) ؛ **تئوریهای انحراف (مقاله)**، مجله‌ی رشد آموزش علوم‌اجتماعی شماره‌های ۶، ۷، ۸ و ۹، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، ۷۰ ــ۱۳۶۹.

۱۴ــ غفاریان، سیروس و علی‌اکبر نصیری ؛ **شناخت حرف و مشاغل**، دوره ی کاردانی تربیت معلم رشته‌ی حرفه‌وفن، کد ۷۰۱۶، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، ۱۳۷۴.

۱۵ــ قدیری اصلی، باقر ؛ **کلیات علم اقتصاد**، چاپ هفتم، سپهر، ۱۳۷۲.

۱۶ــ کریمی، یوسف ؛ **روان‌شناسی اجتماعی**، چاپ سوم، ارسباران، تهران، ۱۳۷۵.

۱۷ــ کوئن، بروس ؛ **درآمدی به جامعه‌شناسی**، محسن ثلاثی، چاپ سوم، توتیا، تهران، ۱۳۷۶.

۱۸ــ گیدنز، آنتونی ؛ **جامعه‌شناسی**، منوچهر صبوری، چاپ سوم، نشر نی، تهران، ۱۳۷۶.

۱۹ــ محتشم دولتشاهی، طهماسب ؛ **مبانی علم اقتصاد**، چاپ یازدهم، خجسته، تهران، ۱۳۷۷.

۲۰ــ ملکی، حسن ؛ **آشنایی با قانون اساسی**، سال اول، مراکز تربیت معلم، کد ۳۰۱۰، شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۱.